



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره‌ی جدید، سال هشتم، شماره‌ی هفتاد و یکم، مهر و آبان ۱۳۹۹

مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس
همایش بین‌المللی «شمس و مولانا»
همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب‌بن‌محبی»
همایش ملی «نام‌آوران فرهنگی و ادبی ایران، کارنامه‌ی علمی استاد ایرج افشار»
پیام تسلیت دکتر قبادی به سفیر افغانستان
جلسه‌ی مشترک پژوهشگاه با پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
گزارش فعالیت‌های ستاد برگزاری هفته‌ی پژوهش
مصاحبه با دکتر مریم قبادی، دبیر هیأت اجرایی جذب پژوهشگاه
نشست مشترک پژوهشگاه و مرکز مطالعات راهبردی ناجا

سخنرانی‌ها و نشست‌ها

ادبیات دفاع مقدس و مسئله‌ی فرهنگ
شهید سلیمانی و سیاست خارجه
علوم انسانی به‌مثابه بستری برای صلح پایدار
مؤلفه‌های ارتباطی پیش‌بینی‌کننده‌ی غربال‌گری سرطان
رویکردهای تحقیقی ادبیات تطبیقی
کرونا، قرنطینه در قاب روایت زنان
کرونا و آزمون خانواده محوری
رسانه‌های ایرانی و ناگهانی کرونا
ساماندهی بحث استعاره و تقسیمات متشکلت آن در بلاغت فارسی

مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس

به مناسبت گرامی داشت چهلمین سالگرد دفاع مقدس و به همت مدیریت فرهنگی پژوهشگاه، مراسمی روز یکشنبه مورخ ۶ مهرماه ۱۳۹۹، با حضور سخنرانان، میهمانان ارجمند و تعدادی از همکاران پژوهشگاه با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی برگزار شد که هم‌زمان این مراسم در فضای مجازی و از طریق وبینار منتشر شد.

در ابتدای مراسم دکتر مهدوی‌زادگان، عضو هیأت علمی پژوهشگاه، یاد و خاطره‌ی سال‌های دفاع مقدس، امام، شهدای جنگ تحمیلی و مدافعین حرم را گرامی داشت و با اشاره به بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب درخصوص نقش بی‌بدیل حضرت امام (ره) در دوران دفاع مقدس، خوانش از جنگ به دفاع مقدس را مناسب دانسته و اظهار داشت: دفاع امری طبیعی و فطری در برابر هجوم بیگانه است. حضرت امام (ره) این امر طبیعی و فطری را بر پایه‌ی مرجعیت دینی و رهبری دینی که داشتند، قدسی، عمومی و همگانی تعیین کردند. ایشان دفاع مقدس را با مفاهیم دینی تغذیه و ارتقا دادند که نه تنها در سراسر جنگ شاهد بودیم که بعد از جنگ تحمیلی نیز، طراوت و شیرینی آن مفاهیم پابرجاست. حجه‌الاسلام والمسلمین مهدوی‌زادگان، در پایان سخن، گرامی داشت و یادآوری این ایام را نیاز همگان توصیف کرد که برای بهره‌مندی، درس گرفتن و حل مسائل امروز جامعه ایران به آنها نیاز داریم.

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه، به‌عنوان دومین سخنران، ضمن خوشامدگویی به میهمانان و حاضرین در جلسه حضوری و مجازی با اشاره به شرایط کشور در خصوص مبارزه با ویروس منحوس کرونا، گرامی داشت دفاع مقدس امسال را متفاوت از سال‌های گذشته برشمرد که حال و هوای تازه‌تری دارد. وی گفت: گوهر ایثار و از خودگذشتگی و فرهنگ شهادت همچنان در بین آحاد مردم ایران قابل مشاهده است. فضای جبهه مجدداً زنده و احیا شده و باوجود خستگی، مدافعان سلامت حاضر به ترک محل خدمت خود نیستند. فرهنگ شهادت‌طلبی دوباره احیا شده و نگاه جامعه به پزشکان و پرستاران ترقی پیدا کرده است. وی با اشاره به بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب در سالگرد دفاع مقدس، محورهای بیانات معظم له را شامل این موارد توصیف کرد:

- ۱- حق‌شناسی امام (ره) و شهدا و ایثارگران،
- ۲- وفاداری نسبت به آرمان‌ها و اهداف رزمندگان
- ۳- آرامان‌گرایانه و عقلانی بودن فعالیت‌ها در طول دفاع مقدس
- ۴- علمی و پایه‌دار و مستدل بودن
- ۵- توجه به شعاع معنوی فرهنگ دفاع مقدس
- ۶- توجه به وجه خودجوش مردمی.

رئیس پژوهشگاه در پایان سخنانش، یادآور شد که حضرت امام (ره)؛ مردم‌مدار، هوشمند و مخاطب‌گرا صحبت می‌کرد که ناشی از فهم و بینش و عرفان ایشان بود که نفس‌شان بر مردم اثرگذار بود. بنابراین، یاد و خاطره‌ی دفاع مقدس محدود به تقویم و زمان خاصی نیست و باید نگاه تعلیمی به جای نگاه تقویمی داشت.

در ادامه‌ی جلسه، مهمان ویژه‌ی مراسم، سردار دهقان، مشاور فرمانده کل قوا در امور صنایع دفاعی، ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره امام و شهدا؛ با اشاره به شرایط کرونایی کشور، فرهنگ ایثار در جبهه‌ی سلامت و درمان را یادآور حماسه خلق شده در زمان جنگ تحمیلی دانست که حضور آحاد مردم ایران از سنین و گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه را شاهد بوده‌ایم. دکتر دهقان، دفاع مقدس و حضور همگانی مردم در عرصه‌های مختلف آن را سبب تثبیت هویت و معرفی نگاه نو از ایران در نظام جهانی دانست. حضوری که نمایان‌گر جایگاه حقیقی افراد بود. این صحنه‌های حضور نشان‌دهنده‌ی زنده بودن جامعه است. وی در ادامه، رزمندگان را منتخب ملت برشمرد و خاطر نشان کرد که تاب‌آوری جامعه به فرماندهان انگیزه‌ایستادگی و مقاومت می‌داد. ایشان با یادآوری رشادت‌های بزرگ شهید سردار سلیمانی، اظهار داشت که رزمندگان و فرماندهان دفاع مقدس گمنامی را دوست داشتند که صدق، صفا، تواضع، از خودگذشتگی جزو روحیات و خصوصیات اخلاقی آنان بود. در طول تاریخ، ایران جنگ‌های بیشماری را تجربه کرده که معمولاً با از دست دادن قسمتی از سرزمین ایران تمام شده که در نتیجه روحیه‌ی ایرانیان را دچار یأس و سرشکستگی کرده است. ولی در جنگ تحمیلی و برخلاف آن جنگ‌های قدیم، یک وجب خاک از سرزمین عزیزمان از دست نرفت و روحیه‌ی امید و باور به خود در بین ایرانیان گسترش پیدا کرد.

سردار دهقان با اشاره به بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب، مبنی بر این‌که در طول دفاع مقدس عقلانیت و تدبیر حاکم بود، نمونه‌ی آن را؛ سخنرانی‌های فرماندهان و سرداران دانست که با استدلال صحبت می‌کردند. وی، در پایان سخنانش، امام (ره) را شخصی معرفی کرد که قلوب همه مردم و به‌ویژه جوانان را فتح کرده بود و خود



حضرت امام (ره) نیز این امر و موضوع را ناشی از خواست و مشیت الهی می‌دانستند. امام (ره) جنگ تحمیلی را به‌عنوان یک مکتب انسان‌سازی معرفی کرده بودند که سبب کشف استعدادها شد و یک مسیر و مکتب جدید به دنیا معرفی کرد که اگر با عزم و اراده پیش برویم، خداوند یاری خواهد کرد و الطاف الهی را شامل می‌شود. بنابراین مفهوم دفاع مقدس هر روز در زندگی مان وجود دارد و جای خودش را باز کرده و حفظ خواهد کرد.



دکتر پاکتچی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه، به‌عنوان آخرین سخنران مراسم، لزوم توجه به دفاع مقدس در یک مؤسسه‌ی پژوهشی و علمی همچون پژوهشگاه را ناشی از ظرفیت عظیم فرهنگی آن دانست که باید مرتباً به‌روزرسانی، بهره‌برداری و حفظ شود. این موضوع صرفاً یک یادگار نیست و همیشه جریان داشته و دارد. ابعاد مختلف از دفاع مقدس در مراسم‌ها و سخنرانی‌های مختلف بیان شده است و نگاه بنده به آن در این سخنرانی، از نگاه آرمان‌سازی و الگو سازی است. این مفاهیم با هم فرق دارند؛ آرمان، نگاه به آسمان و نگاه به بی‌نهایت است. اما، الگو، پیوند بین آسمان و زمین است. نگاه به الگو برای چگونگی زندگی کردن است. به‌عنوان نمونه، چهره‌ی پیامبر اسلام (ص) شخصیت آرمانی دارد که انتها ندارد، اما آیت‌های از زندگی فردی و اجتماعی پیامبر هست

که به‌عنوان الگو معرفی شده است. دفاع مقدس نیز ظرفیت آرمان‌سازی داشته و دارد و هم ظرفیت الگو سازی. در طول این چهل سال، وقایع مختلفی بر جامعه ایران گذشته که همیشه سعی کرده‌ایم از دفاع مقدس برای شرایط مختلف استفاده کنیم.

وی در ادامه اظهار داشت: اولاً در زمان الگو سازی باید الگو را از زوایا و ابعاد مختلف، مطالعه و بررسی کنیم. ثانیاً الگو سازی را بر مبنای فرآیند تحلیلی، پیش ببریم. بنابراین لازمه‌ی کار، تحلیل ابعاد مختلف دفاع مقدس برای الگو سازی است که پژوهشگاه نیز به سهم خود در پی تدوین و انتشار دانشنامه‌های مختلف در حوزه‌ی دفاع مقدس است و دانشنامه‌ی آزادگان اخیراً رونمایی شده و در مرحله انتشار و توزیع قرار دارد. یادآور می‌شود در حین اجرای مراسم، کلیپ‌هایی از دوران دفاع مقدس و ایثارگری مدافعان سلامت پخش شدند.



گزارش ششمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا

«ششمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا» که بانی آن تولیت آرامگاه شمس تبریزی در خوی بوده است از ۷ تا ۱۰ مهرماه ۱۳۹۹، با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

امسال نیز طبق سنت چند سال اخیر، ششمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا با وجود مشکلات پیش آمده از ویروس کرونا، در بالاترین سطح علمی خود برگزار شد ضمن این‌که کمیته‌ی علمی و دبیرخانه‌ی علمی همایش در پژوهشگاه مستقر بود.

در همایش ششم، نهادهای دیگری همچون کمیسیون ملی یونسکو - ایران، مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و انجمن علمی عرفان اسلامی ایران، بازوی مهم و مؤثر در برگزاری همایش بودند و استادان فرهیخته‌ی نهادهای نام‌برده شده، در شورای سیاست‌گذاری و کمیته‌ی علمی حضور و نقش مؤثری ایفا کردند.

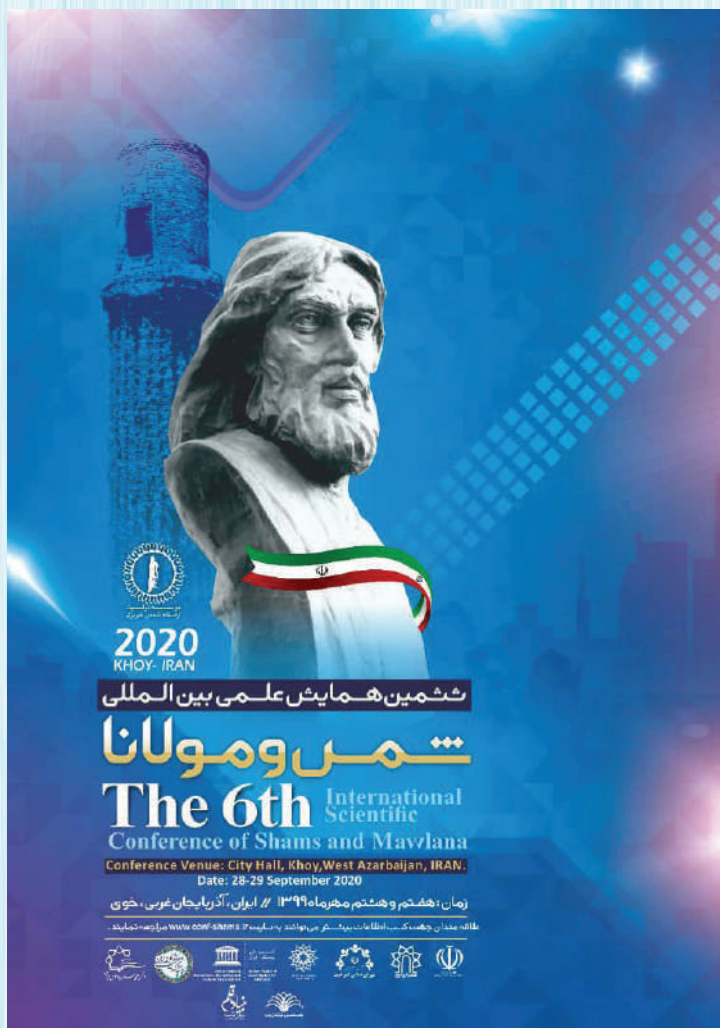
برای برگزاری هرچه بهتر این همایش دکتر حجت‌الله ایوبی، رئیس شورای سیاست‌گذاری همایش؛ دکتر حسینی قبادی، رئیس همایش؛ دکتر مهدی معین‌زاده، دبیر علمی همایش و رضا جعفرپور به‌عنوان سرپرست تولیت آرامگاه شمس تبریزی و دبیر اجرایی این همایش فعالیت و همکاری داشتند.

با توجه به محدودیت‌های بهداشتی، این همایش به صورت مجازی برگزار شد و تنها در روز هفتم مهرماه (مراسم افتتاحیه) تعداد چهل نفر از علاقه‌مندان و استادان به‌شکل حضوری و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی در نظر گرفته‌شده‌ی ستاد ملی مبارزه با کرونا، در شهر خوی حاضر شدند و از روز سه‌شنبه ۸ مهرماه، مراسم به شکل مجازی و زنده دنبال شد. در مراسم افتتاحیه حسین عباسی، معاون استاندار آذربایجان غربی و فرماندار خوی، دکتر عادل نجف‌زاده نماینده‌ی مردم خوی و چاپپاره، و دکتر مهدی معین‌زاده دبیر علمی همایش از جمله سخنرانان اصلی مراسم روز نخست بودند.

در شروع مراسم دکتر معین‌زاده از روند فعالیت کمیته‌ی علمی و اعضای کمیته علمی گزارشی ارائه کرد و گفت: امسال تأکید بسیار روی مقالات با موضوع شمس تبریزی و تولید محتوی درباره‌ی شمس بود و از پذیرش موضوع‌های تکراری پرهیز شد و برخلاف سال‌های قبل، فقط رد یا قبول مقالات را نداشتیم، بلکه از ۵۰ مقاله‌ی ارسال شده به دبیرخانه‌ی علمی همایش؛ تعداد ۲۱ مقاله رد شد و بقیه‌ی مقالات نیز پس از اعمال نظر داوران توسط نویسندگان و انجام اصلاحات خواسته شده، جهت چاپ در مجموعه مقالات، در نظر گرفته خواهد شد. همچنین ۱۶ مقاله‌ی سفارش شده داشتیم که به همراه ۲۹ مقاله‌ی پذیرفته شده در مجموع ۴۵ مقاله در مجموعه مقالات ششمین همایش به چاپ خواهد رسید.

در ادامه‌ی مراسم روز افتتاحیه سه سخنرانی توسط دکتر شهریار حسن‌زاده از دانشگاه آزاد اسلامی خوی، دکتر سیدحسین حسن‌زاده از دانشگاه آزاد اسلامی خوی و دکتر محمدباقر محسنی از دانشگاه ارمیه ارائه شد.

از ۸ تا ۱۰ مهر سخنرانی‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ آغاز شد و دکتر حسینی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان سخنران اول مراسم روز سه‌شنبه ضمن خیرمقدم به همه‌ی میهمانان و قدردانی





از دست اندکاران همایش گفت: امیدوارم برگزاری این همایش‌ها، شمس را تا حدودی از غربت و بدشناختی یا کم‌شناختی خارج سازد. این همایش گران‌ارج، در حقیقت، به‌نوعی خلق مجدد میراث‌های بزرگ و گنجینه‌های سترگ ماست.

دکتر قبادی ادامه داد: اصولاً بازآفرینی و خوانش مجدد میراث‌های یک ملت، یا یک تمدن، نشانه‌ی ظرفیت یک فرهیختگی فرهنگی قوم و از لوازم پیشرفت یک کشور است و به نسل‌های آینده می‌آموزد که نیاکان ما در جهان بزرگ و اثرگذار بوده‌اند. لذا ما هم باید توانمند شویم و راه پیشرفت را پیدا کنیم. بازخوانی میراث در قالب چنین کنگره‌هایی نشانه‌ی عزم راسخ برای رسیدن به پیشرفت و سرآمدی در جهان امروز است و برای تحکیم هویت و مواجهه با گسست‌های هویتی و نسلی اقدامی بسیار مهم به شمار می‌آید و سرمایه‌های بزرگ معنوی و میراثی را از غربت در می‌آورد.

دکتر قبادی در خاتمه تأکید کرد: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان سکان‌دار بازآفرینی هویت میراث‌های ایرانی - اسلامی، خدای را شاکر است که در فرایند همکاری‌های هم‌دلانه و موفق با همه‌ی نهادهای دست‌اندرکار با اهتمام مستمر در برگزاری همایش بین‌المللی شمس در پنج سال اخیر به جهانیان و نسل‌های آینده ایران روشن‌تر ساخت که این مرزو بوم دارای چنین گنجینه‌هایی است و زبان و ادب فارسی که رودکی، فردوسی، غزالی، خرقانی، بایزید، نجم‌الدین کبری، نظامی، ناصر خسرو، عطار، مولوی، سعدی، جامی، ملک‌الشعرا بهار و امثال آنان را در خود پرورانده است، می‌تواند عامل تطیف روانی و آرامش جان آدمی در دنیای کنونی و تسکین آلام و رنج‌های بشر امروز باشد.

اعضای کمیته‌ی علمی همایش

گفتنی است؛ اعضای کمیته‌ی علمی این همایش را ۳۳ نفر از استادان فرهیخته‌ی داخلی و خارجی تشکیل داده است: دکتر توفیق سبحانی (پژوهشگر و مدرس)، دکتر سید طاها مرقاتی (استاد دانشگاه تهران)، دکتر علی تمیزال (استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سلجوق قونیه و مدیر انستیتوی تحقیقاتی مولانای دانشگاه سلجوق قونیه - ترکیه)، دکتر محمدعلی موحد (فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی)، دکتر رحمان مشتاق‌مهر (استاد دانشگاه شهید مدنی تبریز)، دکتر تورگای شافاق (استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات‌های شرق دانشگاه مدنیت استانبول)، دکتر شهرام پازوکی (استاد مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران)، دکتر احمد پاکتچی (رئیس

پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر ایرج شهبازی (استاد دانشگاه تهران)، دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر محمدنژاد (رئیس پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر فاطمه مدرسی (استاد دانشگاه ارومیه)، دکتر فاطمه طباطبایی (استاد پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی)، دکتر مرتضی شجاری (استاد دانشگاه تبریز)، دکتر منظر سلطانی (استاد دانشگاه خوارزمی)، دکتر مریم عاملی رضایی (مدیر پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علی اصغر مصلح (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)، دکتر محمدعلی فتح‌الهی (رئیس پژوهشکده‌ی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر محمود ارول قیلیچ (سفیر کبیر ترکیه در کشور اندونزی و استاد دانشگاه مرمره استانبول)، دکتر دریا اورس (سفیر کبیر ترکیه در تهران)، دکتر شهریار حسن‌زاده (استاد دانشگاه آزاد اسلامی خوی)، دکتر محبوب مهدویان (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی خوی)، دکتر بابک عالیخانی (استاد مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران)، دکتر سید محمود یوسف‌ثانی (استاد مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران)، دکتر شهین اعوانی (استاد مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران)، دکتر مهدی محبتی (استاد دانشگاه زنجان)، عبدالمهدی مستکین (مدیر بخش فرهنگی کمیسیون ملی یونسکو - ایران)، دکتر لیلی انور (دانشیار و رئیس بخش زبان و ادبیات فارسی در مؤسسه‌ی ملی زبان و تمدن‌های شرقی در پاریس)، دکتر قاسم کاکایی (رئیس انجمن علمی عرفان اسلامی ایران و استاد دانشگاه شیراز)، دکتر نعمت یلدریم استاد و مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آتانورک شهر ارزروم ترکیه)، دکتر علی‌کمیل قزلباش (استاد دانشگاه لاهور پاکستان)، دکتر جهاد شکری (رشد استاد دانشگاه کردستان عراق - سلیمانیه).

سخنرانان ششمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا

«ششمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا» ۱۸ سخنران داشت که در ادامه اسامی آن‌ها از نظر تان می‌گذرد: دکتر لیلی انور از فرانسه، دکتر محمد ابوالهاشم از دانشگاه چیتاگانگ بنگلادش، دکتر شهین اعوانی از مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه، دکتر احمد پاکتچی رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر شهرام پازوکی از مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه، دکتر شهریار حسن‌زاده از دانشگاه آزاد خوی، دکتر تورقای شافاق از دانشگاه مدنییت استانبول ترکیه، دکتر مرتضی شجاری از دانشگاه تبریز، دکتر ایرج شهبازی از دانشگاه تهران، دکتر حسینعلی قبادی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دکتر قاسم کاکایی رئیس انجمن علمی عرفان اسلامی ایران - دانشگاه شیراز، دکتر محمدباقر محسنی از دانشگاه آزاد خوی، دکتر عبدالمهدی مستکین مدیر بخش فرهنگی کمیسیون ملی یونسکو - ایران، دکتر مهدی محبتی از دانشگاه زنجان، دکتر فاطمه مدرسی از دانشگاه ارومیه، دکتر نعمت یلدریم از دانشگاه ارزروم ترکیه و دکتر سید محمود یوسف ثانی از مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه. این همایش در فضای مجازی (آنلاین) از سایت کمیسیون ملی یونسکو - ایران برای مخاطبان ارائه شد.



همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب بن محیی»

نخستین همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب بن محیی» روز ۲۴ شهریور ماه ۱۳۹۹، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز به کار کرد.

این همایش سه روزه به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و همکاری و حمایت برخی مؤسسات آموزشی و پژوهشی به صورت مجازی برگزار شد.



مراسم افتتاحیه‌ی این همایش با سخنان دکتر مهدی بنایی، دبیر علمی همایش همراه با گزارشی از روند شناسایی شخصیت ناشناخته عبدالله قطب در مسیر برگزاری این همایش آغاز شد. دکتر مهدی بنایی در بخش نخست سخنانش گفت: در مقام گزارش از فرایند تکوین اندیشه‌ی برگزاری همایش قطب تا تحقق آن، به کوتاهی به دو وجه این همایش توجه می‌کنیم: وجه خلوت و وجه جلوت؛ یا به عبارتی، منطقه‌ی آشکار و ناحیه‌ی پنهان آن. از این دو آنچه مهم‌تر است همان ناحیه‌ی پنهان و وجه خلوت همایش است و اساساً در این اقلیم است که جان و جوهر یک همایش شکل می‌گیرد و قوام می‌یابد. آنچه به اجمال از این ناحیه می‌توان به زبان آورد و با آن راهی به تأمل در جوهر همایش گشود آن است که پس از گذر سالیان، گویی لطف خدا بر آن تعلق گرفته که بنده‌ای از بندگان گمنام او از حجاب فراموشی تاریخی بیرون آید و محل تذکر و توجه اهالی اندیشه و آمادگان ذکر قرار گیرد. از این‌رو در مسیر آنچه

اکنون با این همایش در حال تحقق است، مخالفت مخالفان مانعی جدی ایجاد نخواهد کرد و همراهی همراهان از سر منت نهادن و همراه با ادعا نمی‌تواند و نخواهد بود.

دکتر بنایی در ادامه و با تأکید بر اهمیت توجه به مقام قطب به منظور تذکر به آنچه که قطب خود به آن مبتلاست، افزود: نکته‌ی مهم آن است که مورد توجه قرار گرفتن و به محل تأمل درآمدن قطب، دو امر مهم مربوط و منسوب به او را نیز از غبار فراموشی و بی‌توجهی دیرپای تاریخی بیرون خواهد آورد، و آن دو عبارت است از:

۱- مکاتیب

۲- شهر قطب آباد

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی در باب پیوند مکاتیب و شهر قطب آباد با قطب، گفت: این دو همواره با نام قطب سرنوشت واحدی دارند و با فراموشی و یاد این نام، فراموش می‌شوند و به یاد می‌آیند. امید که همایش قدس آغاز دوران یاد این نام باشد و شروع تازه‌ای برای توجه و عنایت جدی به مکاتیب فراموش شده‌ی قطب و شهر غریب قطب آباد.

دکتر بنایی در بخش پایانی سخنرانی خود به وجه ظاهری همایش قطب پرداخت و گفت: در وجه جلوت این همایش، سخن زیاد است و بیان سختی‌های مسیر و فراز و نشیب‌های آن طولانی. پنهان نیست که برگزاری همایش ملی کاری بس دشوار است و سترگ. حال به این دشواری گمنامی نام محور همایش را نیز اضافه بفرمایید. همایش حافظ و سعدی، معروف همگان است و در مسیر همراهی و مشارکت خیل آشنایان. اما قطب را حتی بسیاری از استادان و متخصصان نمی‌شناسند. این دشواری، کار ما را به درازا کشاند و بر ثقل و سنگینی این گام اول افزود؛ اما حاصل این گام خجسته بود و برای آینده امیدبخش. در این گام توفیق همراهی و همدلی استادانی را یافتیم که قطعاً مسیر توجه به قطب و مکاتیب و شهر منسوب به او را بیش از پیش هموار خواهد کرد.

بعد از گزارش دبیر علمی همایش، دکتر قبادی در ابتدای سخنانش خود پس از گرامی‌داشت یاد شهدای کربلا و سالار شهیدان، اباعبدالله الحسین (ع)، به تلاش و توقیق پژوهشگاه در بزرگ‌داشت میراث‌های معنوی اسلامی و ایرانی اشاره کرد و گفت: برگزاری این همایش و فعالیت‌های مشابه آن در پژوهشگاه، کوششی جهت فراهم آوردن بستری درخور برای انتقال میراث گنجینه‌های ایران اسلامی به نسل‌های امروز و آینده است.



وی ضمن قدردانی از رئیس پژوهشکده‌ی غرب‌شناسی و علم‌پژوهی، دبیر علمی همایش، کمیته‌ی علمی و استادان بزرگواری که با قلم خود بر غنای علمی همایش افزودند، از تمام تلاش‌های علمی و اجرایی در مجموعه‌ی پژوهشگاه و خارج از آن قدردانی کرد.



دکتر قبادی در ادامه‌ی سخنان خود، نقل قولی از استاد همایی ذکر کرد و گفت: بدین مضمون که یک تاریخ و تمدن کهن، اگر قادر نباشد میراث‌آفرینان و بزرگان خود را بشناسد و به زبان روز آنها را معرفی کند، همانند پیرمردی خواهد بود که کودک مانده و عقلش به کمال نرسیده است. با همین نگرش، بزرگداشت طلایه‌داران معنوی ایران اسلامی یک راهبرد بلند مدت در پژوهشگاه است. چنان‌چه در برنامه‌ی توسعه‌ی پژوهشگاه که مطابق با اسناد بالادستی تنظیم شده است، بر معرفی میراث‌ها و تقویت جنبه‌های ملی و دینی هویت ایرانی تأکید شده است. این کار بزرگ و سترگ، با اراده و همت والا و دانش وافی و انگیزه کافی میسر است. رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه افزود: با مرور تاریخ معرفت در ایران بزرگ، به‌ویژه دوران اسلامی شاهد آن خواهیم بود که ادبیات و مجموعه‌ی معارف ما، خدمت ویژه‌ای در شکوفایی فرهنگ اسلامی و گسترش آن در پهنه‌ی بزرگ جغرافیایی از فرارودان، آسیای دور، آناتولی و آسیای صغیر و حتی در منطقه بالکان داشته است. حتی در بعضی مناطق بالکان پیش از ورود رسمی دین اسلام، ادبیات فارسی و معرفت اشراقی زمینه‌ساز گسترش و پذیرش بیشتر مردم نسبت به دین اسلام بوده است. از طرف دیگر در منطقه‌ی قفقاز نیز مایه‌ی قوام و اثربخشی معارف، نگاه زیبایی‌شناسانه، نگاه ادبی و خلق آثار ادبی بوده است. با این توجه، می‌توان به ارزش عارفی چون قطب نیز بیشتر پی برد که هم‌زمان با پیدایش آثار حوزه‌ی معرفت دینی، از یک‌سو به خلق آثار ادبی پرداخته است و از سوی دیگر نگاه زیبایی‌شناسانه به دین و معارف دینی دارد. استاد قزوینی نیز در معرفی قطب به سلاست متن و روانی نوشتار و وافی بودن به مقصود در نوشته‌های او اشاره می‌کند. دکتر قبادی در جمع‌بندی سخنان خود گفت: می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد زیبامدار به دین و زیبا دیدن شریعت کار عارفان ما بوده است و آثار ادبی، عرفانی ما در حقیقت عصاره‌ی این نگاه است. این آثار برای ما میراثی ارزنده است. اگر اراده‌ی ما بر این باشد که میان این میراث ارزشمند و نسل‌های آینده گسست ایجاد نشود و اگر در صدد پیوند میان مفاخر و موارث فرهنگی و سرمایه‌های فرهنگی والای گذشته خود با آیندگان باشیم، باید به این نگاه زیبایی‌شناسانه بیشتر توجه کنیم. شاید بتوان گفت، «عرفان» زیبا دیدن دین و شریعت است، لذا عرفانی بیشتر ماندگار شده است و خواهد شد که دین را با زبان زیبا و توجه به مخاطب بیان کند. دکتر قبادی در پایان سخنان خود بار دیگر تلاش پژوهشکده‌ی غرب‌شناسی و علم‌پژوهی را ستودند و ابراز امیدواری کردند این راه تداوم پیدا کند.

در ادامه، سخنان دکتر حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در مورد اهمیت فرهنگی قطب با عنوان «درس وحدت از قطب محیی و فیض کاشانی» به سمع مخاطبان رسید. وی در موضوع تقریب مذاهب و اینکه نامه‌های قطب که تحت عنوان مکاتیب شناخته می‌شود نشان دهنده‌ی انس الفت این عارف با سیره‌ی ائمه معصومین (ع) است، سخنان خود را ادامه داد و اشاره کرد که چگونه در عصر صفوی به‌رغم فضای مخصوص آن دوره، مکاتیب قطب توسط علمای شیعه مورد توجه قرار گرفته و اولین درس وحدت شیعه و سنی را از این تبادل فکری می‌توان گرفت و امروزه برای عالمان شیعه و سنی و پیروان این دو مذهب درس‌آموز و عبرت



انگیز است.

دکتر دانشگر، عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مصحح کتاب مکاتیب قطب و از محققان برجسته‌ی حوزه‌ی ادبیات عرفانی، سخنران دیگر همایش بود. وی بحثی تخصصی در مورد برخی نامه‌های نویافته از قطب ارائه کرد و تحقیقی مستقل در مورد اصالت و انتساب نامه‌ها به قطب انجام داده بود، دست نوشته‌هایی که نوری جدید بر زندگی کمتر شناخته شده قطب می‌اندازد. وی در ادامه تأکید کرد: برای شناخت آرا و احوال قطب محیی لازم است نخست تمامی نسخ خطی مکاتیب به نحو فنی و محققانه بازخوانی شود و سپس مجموعه‌ای انتقادی و علمی از این نسخ فراهم شود تا مرجعی باشد برای محققانی که به تحقیق درباره‌ی آرا و احوال این عارف زاهد می‌پردازند. در انتهای مراسم روز نخست این همایش ملی نیز، دکتر امیر صادقی، دبیر اجرایی همایش گزارشی از نحوه‌ی همکاری مؤسسات آموزشی پژوهشی با همایش ارائه و از استادان خبره‌ای که در برگزاری همایش همراه شورای علمی و دست‌اندرکاران بودند، تشکر و قدردانی کرد.

بعد از برگزاری مراسم افتتاحیه‌ی همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب‌بن‌محیی» اولین جلسه‌ی این همایش روز دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۹ برگزار شد. در این جلسه طبق برنامه‌ی از پیش اعلام شده نخست دکتر عباس بگجانی، عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی سخنرانی خود را با عنوان «نگاهی سبک‌شناختی به اشعار قطب‌بن‌محیی» ارائه کرد. وی ضمن اشاره به متون باقی‌مانده از قطب و تحقیق در سبک نگارش او نشان داد که چگونه قطب را نمی‌توان به عنوان شاعر شناخت. عضو هیأت علمی فرهنگستان زبان در ادامه گفت: از عبدالله قطب‌بن‌محیی، عارف نه‌چندان مشهور قرن نهم، انبوهی از نامه‌ها و مکاتبات بر جای مانده است که مهم‌ترین مرجع شناخت زندگی و اندیشه‌های او به شمار می‌روند. طی سال‌های گذشته بخشی از این نامه‌ها به همت محققان چاپ شده و تا تصحیح و طبع انتقادی همه‌ی آن‌ها راه درازی در پیش است. با این حال همین مقدار از نامه‌ها که طبع شده را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. از جمله اشعار قطب که او به مناسبت‌های مختلف در اثنای این نامه‌ها آورده، اشعاری در قالب‌های مختلف که شمار آن‌ها بیش از صد بیت است. دکتر بگجانی موضوع پژوهش خود را عرضه‌ی اطلاعاتی تازه درباره‌ی این سروده‌ها و بررسی زبانی، محتوایی و ادبی آن‌ها دانست و توضیحاتی در مورد آن ارائه کرد.

سخنران دوم این جلسه یونس صادقی، دانشجوی دکتری رشته ایران‌شناسی (بنیاد ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی) بود. وی سخنرانی خود را با عنوان «زمینه‌های تاریخی، فرهنگی مهاجرت قطب‌بن‌محیی از خنج به شیراز در قرن نهم هجری با تأکید بر معرفی فرقه‌ی طریقت شمسیه» ارائه کرد. صادقی نخست به معرفی قطب پرداخت و او را قطب‌الدین کوشکناری محمد ملقب به قطب‌المحیی از برجسته‌ترین عرفای قرن نهم و اوایل قرن دهم به معرفی کرد و در ادامه توضیح داد: قطب از طریق مکاتبات اخلاقی، علمی و فلسفی در نواحی مختلف فارس و سواحل خلیج فارس به نشر اندیشه‌های خود پرداخت. صادقی در ادامه افزود: قطب‌بن‌محیی در خنج که پایگاه فکری تصوف در گرمسیرات (بین قرون هفتم تا اواخر قرن نهم) به شمار می‌رفت مدتی با فرقه‌ی شمسیه به رهبری شیخ محمد ابونجم (۷۰۴-۷۸۶ق) دچار اختلاف فکری و عقیدتی می‌شود و با گفتن «اما قصه ترک خنج و کنج نزد این کمینه صواب نمی‌نماید والله اعلم» به شیراز و سپس جهرم مهاجرت می‌کند. مدتی بعد پیروان او موفق به تأسیس شهر اخوان‌آباد در نزدیکی جهرم می‌شوند. یونس صادقی در ادامه‌ی پژوهش خود نشان داد که از طریق تحلیل و ارزیابی مکاتیب قطب و معرفی اندیشه‌های فرقه شمسیه به تشریح اختلافات قطب با پیروان شیخ محمد ابونجم (فرقه شمسیه) خواهد پرداخت و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی مهاجرت قطب از خنج به شیراز و جهرم را مشخص خواهد شد. او توضیح داد: نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد تفاوت دیدگاه‌های فکری و عرفانی دو جریان فکری قطبیه و شمسیه زمینه‌ساز مهاجرت قطب به شیراز می‌شود.

سخنران سوم این جلسه دکتر عبدالمجید مبلغی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنرانی خود را به همراه دکتر طیبه محمدی‌کیا آماده کرده بود. عنوان این سخنرانی «اخوان‌آباد؛ پایه‌ریزی آرمان‌شهری براساس تصوف مدنی جایگاه آرمان‌شهر عبدالله قطب در جریان تاریخی آرمان‌شهر اندیشی طی عصر میانه‌ی اسلامی» ارائه کرد. دکتر مبلغی توضیح داد: مطالعه‌ی ایشان به بررسی نسبت آرمان‌شهر عبدالله قطب‌بن‌محیی شیرازی و جریان آرمان‌شهر اندیشی در عصر میانه‌ی اسلامی، به‌ویژه با تأکید بر تبار افلاطونی آن، اختصاص دارد. وی در ادامه تشریح کرد براساس نتایج حاصل آمده از پژوهش ایشان مکاتیب عبدالله قطب در دل جریان تاریخی تشدید یابنده‌ای قابل توضیح است که بیانگر کاهش توجه پیوسته به میراث فلسفی یونانی-اسلامی (افلاطون-فارابی) و افزایش اهمیت‌یابی عرفان طی تأملات منجر به آرمان‌شهر است. عضو



هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اضافه کرد: علاوه بر بازنمای ویژگی‌های این جریان عمومی تاریخی، «اخوان‌آباد» قطب ارائه‌دهنده‌ی نمونه‌ای کمابیش متفاوت و بی‌سابقه از رویکرد طریقت-شریعت پایه و فلسفه‌ی پرهیز در تأسیس آرمان‌شهر در قرن نهم هجری است؛ رویکردی که می‌توان از آن ذیل عنوان «تصوف مدنی» یاد کرد.

سخنران چهارم جلسه‌ی عصردوشنبه، محمدجواد ناسک‌جهرمی، دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی مشهد بود. وی سخنرانی خود را با عنوان «معرفی رساله‌ی کشف الغطاء عما فی الزوراء از عبدالله قطب‌بن محیی و بررسی نامه‌های وی به سیدسند صدرالدین دشتکی شیرازی» ارائه کرد. ناسک در سخنان خود قطب را به این صورت معرفی کرد که «عبدالله قطب‌بن محیی» از عارفان و بزرگانی است که در پایان قرن نهم هجری یعنی هم‌زمان با ظهور صفویه، با نامه نوشتن به دوستان و پیروانش و نیز بنای شهرکی در چند فرسخی جهرم به نام قطب آباد مکتب عرفانی خود را شکل می‌دهد. او در ادامه افزود: این درحالی است که مکتب فلسفی شیراز که با «سید سند صدرالدین دشتکی شیرازی» شناخته می‌شود؛ در همین عصر یعنی قرن نهم و دهم هجری قمری تشکیل می‌شود. عبدالله قطب‌بن محیی با نوشتن نامه به صدرالدین محمد دشتکی و نیز تألیف رساله‌ای با عنوان «کشف الغطاء عما فی الزوراء» که به انتقاد «رساله‌ی الزورای علامه دوانی» پرداخته است؛ رابطه‌ی خود را با فلسفه و فلاسفه‌ی زمان خود نشان می‌دهد. ناسک توضیح داد که پژوهش وی ضمن معرفی رساله‌ی کشف الغطاء عما فی الزوراء از عبدالله قطب‌بن محیی روابط وی را با شخصیت‌های فلسفی شیراز به‌ویژه صدرالدین محمد دشتکی مورد بررسی قرار داده است.

سخنران اول جلسه صبح سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۹، دکتر ثبوت بود که بیانات خود را با ذکر این خرسندی آغاز کرد و گفت: برگزاری همایش قطب، که یکی از آرزوهای دیرین او بوده، گرد غربت را از چهره یک عارف بزرگ سترد.

دکتر ثبوت به بحث در باب ویژگی‌های تصوف قطب محیی پرداخت و ادامه داد: گرچه معمولاً متصوفه از جریانات گروهی پیروی می‌کنند و نظام‌های یکسان‌سازی مانند مرید و مرادی، شباهت‌های آنها را به هم سبب می‌شود، قطب به کمتر کسی از صوفیان قبل از خود شبیه است و نگرش‌ها و بینش‌هایی که دارد جز در مواردی اندک در هیچ‌یک از پیشینیان دیده نمی‌شود. قطب در نوشته‌هایش نیز تلاشی برای تشبیه به صوفیان و عارفان پیش از خود انجام نمی‌دهد. او تکرار هیچ‌کس نیست مقلد هیچ‌کس نیست حاشیه‌نویس بر دیگران هم نیست، او خودش است.

عضو هیأت علمی بنیاد دائره‌المعارف اسلامی در ادامه‌ی سخنان خود مطرح کرد: قطب که بسیاری از اهل تحصیل را دچار تقلید مضاعف می‌داند، یعنی آنان را در مدعا و دلیل اهل تقلید می‌داند، در میان عارفان بیش از همه به نقد ابن عربی می‌پردازد و هر چند که از رحمت فرستادن به ابن عربی دریغ ندارد و از اهل کرامت می‌شمارد، تصریح می‌کند که زبد دجالیه بر حکمت او فراوان است و این باعث شده که حکمت ابن عربی منتفع به نباشد و جز مایه‌ی ضلال اهل جدال نشود. قطب نظریات هستی‌شناسی ابن عربی را که معرفت وجودیه می‌نامد همراه با حکمت یونانیه، دو فتنه عظیم و دو کفر شنیع می‌داند که در بلاد اسلام شایع شده است. از این رو او بر این باور است که تصانیف ابن عربی را باید ممنوع و متروک داشت چرا که مطالعه‌ی آنها مضر زوال ایمان است. قطب از معدود صوفیان مخالف سرسخت ابن عربی است.

دکتر ثبوت در ادامه‌ی سخنان خود با اشاره به رواج عرفان نظری ابن عربی در عصر قطب مطرح کرد: قطب به تخطئه‌ی هر آنچه رنگ بدعت دارد می‌پردازد. او عارفی را که بیش از همه بر او صحنه می‌گذارد سهروردی، مصنف عوارف‌المعارف است.

ثبوت در بخش پایانی سخنان خود چنین گفت: قطب در مکاتیب خود در محبت و تولای امامان و اهل بیت کم نگذاشته و احادیث بسیاری در مناقب امام علی علیه‌السلام آورده است و بسیاری از مکاتیب او با صلوات بر پیامبر و آل طاهرین او آغاز یا ختم می‌شود. همچنین اعتقاد به ظهور مهدی (عج) در منظومه‌ی دینی او جایگاهی چشم‌گیر دارد و نیز حدیث معروف «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» که شیعه بسیار به آن استناد می‌کند بارها روایت کرده است. همین امور باعث شده که قطب در میان شیعیان چهره‌ای مقبول داشته باشد تا آن‌جا که برخی از علمای شیعه منتخباتی از مکاتیب او را تألیف کرده یا برخی از آنها را در تصانیف خود آورده‌اند.

دکتر داوری اردکانی با سپاس از برگزار کنندگان همایش قطب، سخنان خود را در باب مکاتیب قطب چنین آغاز کرد: «وقتی مکاتیب قطب را مرور می‌کردم ظرائف و دقایق و نکته‌های بدیع در آن یافتیم و به نظرم آمد که اگرچه نویسنده آن یک فقیه و مفسر و عارف است اما عنوان صفت مناسب‌تری که می‌توان به او داد «متفکر



دینی» است. اینجا باید درباره‌ی تفکر دینی نکاتی را روشن کنم. از متفکر دینی نباید انتظار موافقت با فلسفه داشت. قطب خود از مخالفان جدی فلسفه و عرفان نظری است.



داوری در توضیح متفکر دینی تصریح کرد: «در یکی، دو دهه‌ی اخیر تغییر و اصطلاح امتناع تفکر و امتناع تفکر دینی در میان اهل فضل و قلم متداول و مشهور شده است. در معنی هردو لفظ باید تأمل کرد. امتناع تفکر تعبیر عجیبی است و شاید یک سهو زبانی باشد و مثلاً گوینده آن می‌خواسته غیاب تفکر و محدود شدن دامنه امکان‌های آن را برساند و شاید مقصود را با بی‌دقتی در زبان، «امتناع تفکر» تعبیر کرده است. اما دشواری تفکر و غیاب آن را با امتناع تفکر نباید اشتباه کرد. امتناع تفکر بدان معناست که تفکر هرگز نبوده، اکنون هم نیست و در آینده و هرگز نخواهد بود و نمی‌تواند باشد. آیا از چنین داعیه‌ای می‌توان دفاع کرد؟ تفکر بالذات ممکن است و حتی در جایی که جهل و خامی و ظاهر بینی آن را پوشانده است، با امید به آن باید کتاب خواند و نوشت و آموخت.

رئیس فرهنگستان علوم در ادامه با نظر به بحث تفکر دینی چنین گفت: «امتناع تفکر دینی حرف دیگری است و شاید همانند امتناع تفکر به صورت مطلق بی‌معنا به نظر نیاید یا لاقلاً متضمن تعارض نباشد. این تعبیر بدان معناست که در شریعت برای تفکر مجالی نیست زیرا شریعت تعبدی است. معنای دیگر آن این است که دین‌داران کاری به تفکر ندارند. کسی هم ممکن است بگوید امتناع تفکر دینی یعنی تفکر به صفت دینی متصف نمی‌شود».

استاد دانشگاه تهران این معانی چندگانه در باب امتناع تفکر دینی را چنین مورد بررسی قرار داد:

معنای اول را به نحوی می‌توان تصدیق کرد، چرا که عامه‌ی مردم در مقام عمل به احکام شریعت نیاز به تفکر ندارند ولی این وضع را چرا باید امتناع تفکر تعبیر کنیم. حتی اگر تصدیق شود که در شریعت جایی برای تفکر نیست امتناع تفکر اهل دین و دین‌داران از آن فهمیده نمی‌شود. نهایت چیزی که در این‌جا می‌توان گفت آن است که دین‌داران اجازه‌ی تفکر در این امور را ندارند و این غیر از امتناع تفکر است.

رئیس فرهنگستان علوم در ادامه افزود: آیا به‌راستی دین‌داران می‌توانند اهل تفکر باشند یا نه؟ وی در پاسخ به فلسفه‌ی اسلامی اشاره کرد و پرسید که آیا اصلاً فلسفه‌ی اسلامی وجود دارد؟ اگر مراد از فلسفه‌ی اسلامی یا مسیحی، مسلمان بودن یا مسیحی بودن فلسفه است، سخنان منکران فلسفه‌ی اسلامی و مسیحی را باید پذیرفت. فلسفه هیچ دینی را به خود نمی‌پذیرد و امری بالذات متفاوت با دین است. کسانی که تفکر را با فلسفه یکی می‌دانند، دینی نبودن فلسفه را به امتناع تفکر دینی تعبیر می‌کنند. اگر مراد از فلسفه‌ی اسلامی یا مسیحی، مسلمان بودن یا مسیحی بودن فلسفه است، سخنان منکران فلسفه‌ی اسلامی و مسیحی را باید پذیرفت. فلسفه هیچ دینی را به خود نمی‌پذیرد و امری بالذات متفاوت با دین است. کسانی که تفکر را با فلسفه یکی می‌دانند، احتمالاً دینی نبودن فلسفه را با امتناع تفکر دینی یکی دانسته و آن را به این تعبیر کرده‌اند.

دکتر داوری در ادامه‌ی سخنان خود گفت: این‌که کسانی مثل محی‌الدین عربی و مولوی متفکر بوده‌اند، نمی‌توان تردید داشت و تفکر آنان را مستقل از دین و جدا از آن دانست. البته ظاهر بینان و قشریان متفکر نیستند اما آیا همه‌ی دین‌داران قشری‌اند؟ قطب‌الدین محیی گرچه از جمله ملازمان شریعت است اما برخوردار از نعمت تفکر است. وقتی مکاتیب او را می‌خوانیم اعتقاد راسخ و التزام او را به شریعت توأم با تفکر می‌یابیم. قطب‌الدین محیی گرچه از جمله ملازمان شریعت و مواظبان رعایت احکام است اما برخوردار از نعمت تفکر است. وقتی مکاتیب او را می‌خوانیم اعتقاد راسخ و التزام او را به شریعت توأم با معرفت و درک و تفکر می‌یابیم. قطب عارف است اما ادعای قطب بودن و حتی عارف بودن نکرده است. دکتر بنایی: قطب سالک راهی است که می‌توان آن را راه عبور و گذار نامید، راه عبور از فلسفه، شعر و عرفان نظری

سخنرانی علمی دیگر همایش قطب توسط دکتر مهدی بنایی، دبیر علمی این همایش برگزار شد. وی به طرح مسئله‌ای در اقلیم اندیشه‌ی قطب پرداخت تا در مرحله‌ی بعد برای آن پاسخی پیشنهاد دهند. در نظر وی مسئله این است که قطب برخلاف احترام زیادی که برای شعر قائل است، شاعر برجسته و چیره‌دستی نیست و با

این که مکاتیبش از صبغه‌های فلسفی خالی و عاری نیست، به‌جد با فیلسوفان و اندیشه‌ی فلسفی مخالف است و برخلاف بزرگ‌داشت مقام و اندیشه عارفان به عرفان نظری امثال ابن عربی قانع نیست و با عارفانی چون حلاج همراهی و همدلی ندارد و با استناد به دلالت آیات قرآنی، اندیشه‌ی آنان را محل اعتماد و قابل انتفاع نمی‌داند.

دکتر بنایی در ادامه و برای پردازش پرسش خود در باب این مواضع قطب گفت: «قطب اگر شاعر نیست و در شمار فیلسوفان قرار نمی‌گیرد و با عارفان نیز قرار نمی‌یابد پس به‌راستی خود کیست و سالک کدام راه است و اصلاً وجه اهمیت او چیست و مقام و جایگاه او در اقلیم اندیشه کجاست؟»

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی، در مسیر تمهید مقدمه‌ای برای پاسخ به این پرسش گفت که «قطب سالک راهی است که می‌توان آن را راه عبور و گذار نامید، راه عبور از شعر، فلسفه و عرفان نظری. قطعاً اگر کسی در هر یک از این اقلیم تفکر اقامت گزیند، در همان اقلیم پرورش می‌یابد و نام، آوازه و نشانی کسب می‌کند. بر همین اساس می‌توان یکی از وجوه گمنام ماندن قطب را این دانست که او را دقیقاً نمی‌توان به‌مثابه متفکری مقیم در یکی از این اقلیم معروف و شناخته شده تفکر دید و شناخت. او سالک راه عبور از این اقلیم است و مقصدی را در فراسوی این نواحی می‌جوید و دنبال می‌کند. البته این به آن معنا نیست که قطب این راه را پیموده و به انجام رسانده است. این راه را صرفاً باید به‌مثابه جوهر اندیشه و مسیر حرکت و آهنگ اصلی قطب در نظر گرفت، نه به‌عنوان طرحی تماماً به انجام رسیده و راهی کاملاً پیموده شده.

وی در بخش پایانی سخنان خود به طرح و بررسی این دو پرسش پرداخت که «مبدأ این راه کجاست و مقصد آن چیست؟ به عبارتی چرا قطب آهنگ چنین راهی می‌کند و خاستگاه چنین آهنگی کجاست و در مرحله‌ی بعد مقصود او از این آهنگ چیست و با آن رسیدن به کدام انجام و مقصد را می‌جوید و آرزو می‌برد. این دو پرسش ما را به غواصی و تعمق در مکاتیب فرا می‌خواند و به سوی کشف و درک جوهر اندیشه‌ی قطب راهنمایی می‌کند و سوق می‌دهد. فعلاً و در مقام پاسخ اجمالی به این دو پرسش چنین می‌گوییم که مبدأ این آهنگ در قطب، درد بود و مقصد و درمان این درد نیز برای قطب آن حقیقت رفیعی بود که شاید بتوان آن را اندیشه قرآنی نامید.»

این سخنرانی با شرحی کوتاه از این درد و با توضیح عبارتی از قطب در باب اندیشه‌ی قرآنی پایان یافت.

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۹ در روز سوم و آخر همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب‌بن‌محیی» طی دو نوبت صبح و عصر سخنرانان به ارائه‌ی پژوهش‌های خود درباره عبدالله قطب پرداختند. در جلسه‌ی صبح دکتر ابوالفضل خوش‌منش، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران سخنرانی خود را با عنوان «از عرش تا فرش، نگاهی به جایگاه تنزیل عزیز علیم در مکاتیب قطب محیی» ایراد کرد. وی قطب را چنین معرفی کرد: قطب‌الدین عبدالله محمدبن محیی، چنان‌که می‌دانیم، از رجال ادب و معرفت و تصوف در قرن نهم هجری است. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران در ادامه به تشریح منظر قطب نسبت به قرآن پرداخت و قرآن را در نگاه قطب محیی، قطب معرفت و محیی معالم دین دانست. استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران افزود: قطب بر خلاف بسیاری از مشایخ تصوف و عرفان، در تکلف و تحمیل اساس ذوقیات خویش بر سخن قرآن مجید نمی‌کوشد و قرآن مجید و تنزیل عزیز حکیم الهی را صرفاً به‌مثابه ذکر و ورد و آریه‌ای برای سخن و ذوق و حال نمی‌خواهد، بلکه با ایقان و اشتیاق و پای‌بندی به ظواهر قرآن در پی التماس حقایق و تطهیر اعماق و اعراق با این وحی‌نامه رب‌العالمین است.

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران توضیح داد: با تبعی که در برخی نوشته‌های قطب به عمل آورده، نگاه اساسی و مهمی را از او به سوی قرآن کریم یافته که در سخن فشرده حاضر، تبیینی از سه‌بند آن‌ها را عرضه داشته است: تنزیلات «تنزیل عزیز» الهی، تعلیم الهی و فطری قرآن، و ارتباط قرائت قرآن با مقوله‌ی نماز. دکتر خوش‌منش در انتهای سخنانش تشریح کرد: اتخاذ این سه موضوع در سخن حاضر از یک‌سو به جهت ارتباطات عمیق و مؤثری است که با حیات روحی و معنوی انسان در این جهان می‌یابد و از سوی دیگر به جهت نسیان و تغافل است که در حال حاضر در گفتمان‌های فکری و فرهنگی و نیز جهد علمی معنوی ما عارض این راهبردهای اساسی و اثربخش شده است.

سخنران دوم جلسه‌ی صبح چهارشنبه دکتر تقی پورنامداریان، استاد برجسته‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود. وی سخنرانی خود را با عنوان «سرگردانی قطب در میان شریعت و طریقت» ارائه کرد. دکتر پورنامداریان در مورد نامه‌های قطب توضیح داد که نامه‌های عبدالله قطب، نامه‌هایی است که غالباً حاوی پاسخ به پرسش‌های دینی و عرفانی یاران و معتقدان یا عقاید و سفارشات او به آن‌هاست. پاسخ‌های عبدالله قطب حاکی از اعتقاد محکم او به شریعت و قرآن و سنت است و سخنان و اندیشه‌های گستاخانه‌ای که با ظاهر



شریعت هم‌ساز نباشد و حاوی برداشت‌های بدیع به ظاهر شریعت ستیز باشد - چنان‌که مثلاً در نامه‌های عین‌القضات - در نامه‌های او نمی‌بینیم. این استاد ادبیات در ادامه ارتباط عبدالله قطب با فلسفه و فلاسفه را با توجه به نامه‌های او بررسی کرد و گفت: مخالفت متعصبانه او با فلسفه خود حاکی از تعصب او در پای‌بندی به نقل و مخالفت با هر اندیشه‌ای است که بخواهد از قلمرو نقل پای بیرون گذارد. عبدالله قطب نه تنها با فلسفه بلکه با کتب متصوفه یا سخنان بعضی از آنان که ممکن است در دین و ایمان مردم موجد شک و تزلزل شود نیز روی موافقت نشان نمی‌دهد.

دکتر پورنامداریان ادامه داد: با توجه به شرایط و در اوضاعی که قطب در آن قرار داشته، احتیاط و ملاحظه‌کاری او ظاهراً طبیعی می‌نماید چون او تنها مسئول امنیت نفس خود نیست بلکه نسبت به امنیت اهالی اخوان‌آباد هم احساس مسئولیت می‌کند. او جامعه اخوان‌آباد را به وجود آورده است که حفظ بقای آن و ادامه‌ی زندگی در آن مسئولیتی بسیار مهم به عهده‌ی او گذاشته است. در این وضع، مخالفت دین‌مداران خواه از روی مخالفت و تعصب و خواه از روی حسادت می‌توانست او را با انواع گرفتاری‌ها دست به گریبان کند. به این دو البته موقعیت تاریخی خاصی را که در پی استقرار مذهب شیعه در سراسر کشور بود و قدرت غالب عصر محسوب می‌شد، باید اضافه کرد. این سه‌عامل جامعه‌سازی، مذهب و قدرت بافتی را تشکیل می‌داد که عبدالله قطب را در بندهای خود اسیر کرده بود، بی‌گمان جو روانی خاصی را در او پدید آورده بود که عمیقاً بر نوشته‌های او تأثیرگذار بوده است. طرح جامعه‌ی اخوان‌آباد، ناشی از عقیده‌ی اوست به حقیقت شریعت و نه رسم‌ها و مجازهایی که مردم به آن متمسک شده‌اند و دل خوش کرده‌اند.

استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی توضیح داد: بی‌اعتنایی به دنیا و حب مال و جاه و خالصانه به عبادت خدا پرداختن از صفات ذمیمه نفسانی پاک‌شدن و به رستگاری اخروی اندیشیدن، از جمله آرزوهایی است که عبدالله قطب گمان می‌کند با ایجاد جامعه‌ای در کنار جامعه اهل ظاهر و عادت تحقق‌پذیر است، اما شاید او چندان که باید و شاید درباره‌ی خطرآفرینی که در بیرون این جامعه می‌توانست آن را تهدید کند، نیاندیشیده بود. او می‌خواست طریقتی را که اصولاً راهی فردی بود، تبدیل به طریقی از زیستن برای یک جامعه کند، که در این صورت با عوامل تهدیدی نه از بیرون، حتی از درون مواجه می‌شد.

سخنران سوم این جلسه دکتر سیدعلی اصغر میرباقری‌فرد، عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان بود. وی سخنرانی خود را با عنوان «مشرّب عرفانی قطب‌بن محیی» ارائه کرد. دکتر میرباقری‌فرد ابتدای سخن خود را به توضیح در مورد ضرورت تحقیق درباره‌ی مشرب عرفانی عرفا اختصاص داد و گفت: یکی از کارهای پایه و ضروری در پژوهش‌های عرفانی شناسایی و تبیین سنت و مشرب عرفانی اهل سلوک و معرفت است. بدون شناخت سنت و مشرب شخصیت‌های عرفانی هر نوع پژوهشی درباره‌ی مبانی فکری، آثار و جایگاه آنان در سیر تطور عرفانی کم اثر است و دست‌آورد قابل اعتمادی به دست نمی‌دهد. یکی از کاستی‌های مهم در پژوهش‌های عرفانی درباره‌ی شخصیت‌های عرفانی، آثار آنان و نقش آن‌ها در سیر تطور عرفان و تصوف بی‌توجهی به ساختار سنت عرفانی آن‌ها از یک سو، و اهتمام نوزیدن به تبیین مشرب عرفانی مشایخ از سوی دیگر موجب شده بسیاری از زوایا و ابعاد آثار و مبانی فکری شخصیت‌های عرفانی پوشیده و مبهم بماند. این مهم به دلایل مختلف - که در مجالی دیگر باید درباره‌ی آن سخن گفت - برای عارفان سده‌ی هفتم به بعد بیشتر ضرورت پیدا می‌کند.

استاد ادبیات دانشگاه اصفهان افزود: قطب‌بن محیی بن محمود از عارفان سده نهم هجری (۸۳۸ - ۹۰۹) است که در فارس می‌زیست. با آن‌که اطلاع چندانی درباره‌ی زندگانی و احوال او در دست نیست اما معدود اطلاعات و قرائنی که در این باره وجود دارد نشان می‌دهد وی روزگار خویش را در بعضی از شهرهای فارس مانند خنج، جهرم و شیراز سپری ساخت و بخش پایانی عمر خود را در شهری گذراند که خود در جوار جهرم بنا کرد و آن را اخوان‌آباد نامید و امروز به‌جهت انتساب به وی قطب‌آباد خوانده می‌شود. از این اطلاعات معدود که در تذکره‌ها وجود دارد و شواهد و قرائن دیگر برمی‌آید قطب‌بن محیی در روزگار خویش در میان اهل معرفت جایگاه معتبر و اثرگذاری داشته و تعالیم وی در کانون توجه عارفان و عالمان قرار گرفته است. عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان در مورد شاگردان و تأثیر قطب در سال‌های بعد افزود، پرورش شاگردان اهل و شایسته که به روایتی ملاجلال‌الدین دوانی نیز در شمار آنها قرار داشته از اعتبار وی نزد اهل طریقت حکایت می‌کند. اثرگذاری و ترویج تعالیم و آراء او در دوره‌های بعد تا روزگار معاصر نیز تداوم یافت. تألیف مهم وی به نام مکاتیب از همان ایام برای سالکان و پویندگان طریقت به عنوان یکی از منابع معتبر و مؤثر شناخته و بدان مراجعه می‌شده است. این کتاب که در سال ۸۹۹ ق تألیف شده دربردارنده نامه‌های وی به مخاطبان عام و خاص است و مجموعه‌ی ارزشمندی از تعالیم، مفاهیم و اصول عرفانی و اخلاقی و معارف اسلامی به شمار می‌رود. مجال مناسبی در اختیار قرار داده تا با بررسی و تحلیل ساختار و محتوای آن، زوایا و



ابعاد منظومه‌ی فکری او تبیین شود.

دکتر میرباقری فرد متذکر شد: برخلاف اهمیت مرتبت و مکانت او در عرفان سده‌ی نهم هجری هنوز متناسب با این جایگاه پژوهش‌های درخوری انجام نشده است. سخت ضروری است مکاتیب و آراء او از بعد تاریخی، فکری و مبنای عرفانی و همچنین ساختار و شیوه‌ی نگارش در کانون بررسی قرار گیرد تا نقش وی در سیر عرفان اسلامی دقیق‌تر شناخته شود.

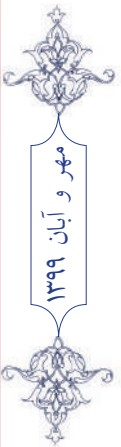
آخرین جلسه‌ی همایش ملی «تأملی بر زندگی، آثار و اندیشه‌ی عبدالله قطب‌بن‌محیی» عصر روز چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۹ با برگزاری چند سخنرانی به کار خود پایان داد؛ در این جلسه، نخست دکتر محمدتقی طباطبائی، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران به ایراد سخنرانی خود با عنوان «خوانش مکاتیب، هم‌چون «فراخوان»» پرداخت. دکتر طباطبائی نحوه‌ی مواجهه‌ی خود با مکاتیب قطب را چنین توضیح داد: تاریخ این سرزمین، رشته‌ای است بافته از نوشتارگان مردمانی برگزیده؛ مکاتیب قطب محیی در نسبت با این پنج عنصر، خوانش‌پذیر می‌شود: تاریخ، سرزمین، نوشتار، مردمان، و برگزیدگان. کانون این پنج عنصر، نوشتار (مکاتیب) است. در نوشتار است که پیوند آن چهار عنصر روشن می‌شود و با هم یگانه می‌شوند؛ در نوشتار است که به خودآگاهی می‌رسند.

وی افزود: قطب محیی، عارفی است بزرگ، مصلحی اجتماعی، ادیبی نویسنده، مفسری نوآور، مثال‌آفرینی توانا، و سرانجام قطبی است مرشد و راهنمای گروه بزرگی از مریدان (اخوان). هر کدام از این ویژگی‌ها، به‌جای خود، شایسته‌ی پژوهش است؛ می‌توان مدت‌ها درباره‌ی آن‌ها پژوهش کرد، تازه‌ها به‌دست آورد و مقاله‌ها نوشت. آن‌چه قطب نوشته، آن‌گونه که نوشته، ماده‌خام ارزش‌مندی برای پژوهش دانشگاهی است. ای‌سا بتوان از راه مکاتیب، شخصیت وی را نیز پژوهید و تلاش کرد به چهره‌ی تاریخی وی نزدیک شد. نیز می‌توان دست از پژوهش برداشت، خود را یکی از اخوان انگاشت و در به‌جا آوردن دستورات مکاتیب کوشید.

استاد فلسفه‌ی دانشگاه تهران متذکر شد: چه، مکاتیب، به‌پژوهش درآید، چه، پژوهش، جسارت انگاشته شده، تنها مریدانه به دستورات آن عمل شود، فرقی ندارد، در حال خوانشی از آن به‌دست داده می‌شود؛ خوانشی بی‌توجه به جایگاه نوشتار هم‌چون کانون خودآگاهی تاریخی. خوانش پژوهش‌گرانه نه با کلیت مکاتیب که با پاره‌هایی از آن سروکار دارد، خوانش مریدانه نیز کاری به مکاتیب ندارد، سودای رستگاری مرید دارد. قطب محیی، نه پژوهنده بود، نه مرید، پس نه پژوهش‌گرانه اندیشید و نوشت، نه مریدانه. عضو هیأت علمی دانشگاه تهران ادامه‌ی پژوهش خود را در پی این پرسش افکند که بی‌گمان، آن‌که نه پژوهش‌گرانه زیسته، نه مریدانه، مکاتیبش نه پژوهش‌گرانه شناختنی است، نه مریدانه. پس چه باید کرد؟

سخنران آخر همایش دکتر مزدک رجبی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بود. دکتر رجبی سخنرانی خود را با عنوان «اخوان‌آباد؛ مرکز‌گریزی و امتناع» ارائه کرد. وی توضیح داد: در تحقیق ایشان فهم وی از اخوان‌آباد قطب در جهتی ویژه فهمیده شده است. اخوان‌آباد نه مدینه‌ای بیرون از تمدن معاصر بلکه کنشی، پراکسیس، انقلابی و امتناعی و افتراقی درون جهان معاصر می‌تواند فهمیده شود آن چنان که به تشکیل جماعتی بیرون از تمدن نیازمند نیست زیرا اساساً چنین برداشتی به کنشی تازه یعنی اجتماعی تازه نمی‌انجامد بلکه این مدینه چون کنشی مرکز‌گریز درون تمدن معاصر می‌تواند فهمیده شود. وی افزود: جهت درک آن می‌تواند و باید چنین باشد البته بیرون از چهارچوب مفاهیمی که خود آن زیست - عقلانیت بر آن استوار بود.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه‌ی سخنان خود را با این پرسش‌های بنیادین که در جهان معاصر، فهم ما ایرانیان را راهبر است اختصاص داد: چگونه و با چه فهمی می‌توان با عقلانیت جهان پیشین نسبت برقرار کرد؟ آیا چنین نسبتی لازم است؟ آیا عقلانیت معاصر فهم و عقلانیت جهان پیشین ایرانیان را در می‌یابد یا آن را با سلطه خود ایزه می‌کند و معنی و نشانگان بودن آن را عقیم می‌کند؟ اگر چنین است این فهم تنها فهم ممکن از عقلانیت جهان پیشین است؟ یا گونه‌ی دیگری از نسبت عقلانیت معاصر با عقلانیت جهان پیشین ممکن است؟ وی توضیح داد: در پژوهش خود با درکی تازه از مدینه‌ی قطب به چنین پرسشی می‌پردازد، که سویی تازه‌ای به نشانه‌های (دال‌ها) مفاهیم عرفان قطب بیرون از آن چهارچوب فراهم می‌کند.



نخستین همایش ملی نام‌آوران فرهنگی و ادبی معاصر کارنامه‌ی علمی استاد ایرج افشار

نخستین همایش ملی نام‌آوران فرهنگی و ادبی معاصر (کارنامه‌ی علمی استاد ایرج افشار) در روز چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۹ به‌طور مجازی برگزار شد. پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در جهت ایجاد فضای مناسب برای نقد، نوآوری و نظریه‌پردازی، و توسعه و تعمیق پژوهش در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نیز مطالعه و تحلیل آثار مرتبط با این حوزه‌ی مطالعاتی در کشور، افزون بر پژوهش‌های بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی، هرساله اقدامات و فعالیت‌های علمی متنوعی را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند که برگزاری نشست‌های تخصصی، کارگاه‌های آموزشی و همایش‌های علمی از جمله‌ی این برنامه‌هاست.



مجموعه‌ی همایش‌های ملی نام‌آوران فرهنگی و ادبی معاصر ایران که قرار است سالانه برگزار شود و هر سال به یک شخصیت علمی و فرهنگی اختصاص یابد، بر همین مبنا در برنامه‌ی راهبردی پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات گنجانده شده است که نخستین آن به بزرگداشت استاد ایرج افشار اختصاص داشت. اهداف عمده‌ی این همایش ملی، عبارت بود از: تجلیل از شخصیت فرهنگی و ادبی استاد ایرج افشار، بررسی و معرفی آثار و خدمات ارزنده‌ی فرهنگی و علمی - پژوهشی استاد ایرج افشار؛ ترویج و تقویت فرهنگ ایران دوستی و اهتمام به گردآوری، حفظ و معرفی میراث‌های ارزشمند فرهنگی و ادبی ایران؛ معرفی استاد ایرج افشار به‌عنوان یک الگوی مناسب فرهنگی و ادبی به دانشجویان و جوانان علاقه‌مند به فرهنگ و ادب کشور. همایش با تعریف ۱۱ محور اصلی به بررسی کارنامه‌ی علمی استاد افشار پرداخت. این یازده محور عبارت بودند از:

ایرج افشار: دانش، روش، پژوهش (نوآوری و خلاقیت)؛ ایرج افشار و احیای میراث کهن و معاصر ایران؛ ایرج افشار و نامه‌ها و مکتوبات؛ ایرج افشار و مطالعات ادبی؛ ایرج افشار و مطالعات تاریخی؛ ایرج افشار و مطالعات ایران‌شناسی؛ ایرج افشار و کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری؛ ایرج افشار و نشریات و مجلات؛ ایرج افشار و مستشرقان؛ ایرج افشار و عکس‌های ایران؛ زندگی و سلوک اجتماعی و فرهنگی ایرج افشار؛ موقوفات افشار. این همایش که بنا بود چهارم اسفند سال ۱۳۹۸ برگزار شود، قریب دوازده ساعت مانده به برگزاری همایش، با دستور ستاد ملی کرونا لغو شد و با تأخیری هفت ماهه، مقارن با زادروز استاد ایرج افشار در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۹۹ به شکل برخط (آنلاین) به اجرا درآمد. دبیر علمی این همایش ملی، دکتر مریم شریف‌نساب و اعضای شورای سیاست‌گذاری، دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر علیرضا ملایی‌توانی (معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر عبدالله قنبرلو (معاون مالی اداری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر محمود کریمی‌علوی (معاون فرهنگی اجتماعی وقت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر مصطفی محقق‌داماد (بنیاد موقوفات افشار)، دکتر غلامعلی حدادعادل (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، دکتر اشرف بروجردی (کتابخانه‌ی ملی ایران)، استاد سیدمحمد کاظم موسوی بجنوردی (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی)، دکتر رسول جعفریان (کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران)، استاد اکبر ایرانی (رئیس بنیاد میراث مکتوب)، دکتر یوسف محمدنژاد (رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات) و

اعضای کمیته‌ی علمی دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر تقی پورنامداریان (استاد پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات)، دکتر ابوالقاسم رادفر (استاد پژوهشکده زبان و ادبیات)، دکتر روح‌انگیز کراچی (استاد پژوهشکده زبان و ادبیات)، دکتر علیرضا ملایی‌توانی (عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ)، دکتر سیدرحیم ربانی‌زاده (عضو هیأت علمی پژوهشکده تاریخ)، دکتر محمد افشین وفایی (مدیر عامل مؤسسه‌ی فرهنگی هنری محمود افشار)، دکتر سوسن اصیلی (کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران)، دکتر مریم حسینی (استاد دانشگاه الزهراء)، دکتر یوسف محمدنژاد (رئیس پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات)، دکتر علیرضا شعبانلو (عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات)، دکتر سیدعلی آل‌داوود (پژوهشگر دایرةالمعارف بزرگ اسلامی) و دبیر اجرایی همایش، خانم دکتر لیلا الهیان بودند.

علاوه بر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بنیاد موقوفات افشار، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، گنجینه‌ی پژوهشی ایرج افشار، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و خانه‌ی کتاب حامیان

همایش بودند.



همایش راس ساعت ۸ و نیم صبح روز ۱۶ مهر، همزمان با زادروز استاد ایرج افشار، به صورت مجازی آغاز شد. ابتدا آیاتی از کلام‌الله مجید قرائت و سرود ملی ایران پخش شد. پس از آن دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به اهمیت توجه به کارنامه‌ی علمی ایرج افشار پرداخت و انتخاب استاد افشار را برای نخستین دوره همایش انتخابی دقیق و مناسب دانست. وی نکوداشت نام‌آوران معاصر و اهتمام برای پاسداشت خدمات پژوهشی و کوشش‌های علمی آنان و بازشناسی ارجح همت آنان را بخشی از برنامه‌ی

توسعه‌ی راهبردی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دانست و این قبیل فعالیت‌های تخصصی را یک کنش تمدنی برشمرد؛ چرا که این اقدامات، به جوانان امروز لذت رنج‌بردن برای علم و برگزیدن شیوه، منش و شغل پرزحمت پژوهش‌گری را می‌چشانند و به آنان می‌فهماند که پژوهشگری، زنده نگه‌داشتن یک تمدن است.



دکتر قبادی با ذکر تعبیری از زنده‌یاد دکتر آئینه‌وند که «انطباق با زمان حال بدون اتصال به ریشه ممکن نخواهد بود»، بر لزوم آشنایی با میراث‌های افتخار آفرین تمدن و فرهنگی گذشته تأکید کرد.

دکتر غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نیز ضمن اشاره به اهمیت همایش، کتاب نادره‌کاران ایرج افشار و ارزش‌های علمی و فرهنگی آن را موردبررسی قرار داد. وی همچنین بر فعالیت‌های افشار در زنده نگه‌داشتن یاد و نام بزرگان تأکید و اظهار امیدواری کرد که همایش‌های این‌چنینی مشوقی باشد برای کسانی که راه او را ادامه دهند تا نسل حاضر و آینده‌ی ما از گذشته‌ی خود گیسختگی فرهنگی پیدا نکنند. دکتر حدادعادل سخنان خود را با نقل‌قولی از مقام معظم

رهبری درباره‌ی مرحوم افشار به پایان رساندند. رهبر فرزانه‌ی انقلاب پس از دریافت خبر درگذشت ایرج افشار فرمودند: «ایرج افشار ایران‌شناسی برجسته و پرکار بود.»

در ادامه دکتر یوسف محمدنژاد عالی‌زمینی، رئیس پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات، گزارشی از روند همایش ارائه و اظهار امیدواری کرد که باوجود دبیرخانه‌ی دائمی همایش ملی نام‌آوران فرهنگی و ادبی معاصر ایران در پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات، در سال‌های آتی نیز شاهد برگزاری این همایش برای بررسی کارنامه‌ی علمی پیشکسوتان دیگری در عرصه‌ی ادب و فرهنگ معاصر ایران باشیم. دکتر مصطفی محقق داماد، رئیس شورای تولید بنیاد موقوفات افشار نیز با اشاره به کتاب نادره‌کاران، از ویژگی‌های شخصیت علمی استاد افشار



سخن گفت. وی به آشنایی افشار با بزرگان هم‌عصر خود از دوران کودکی اشاره کرد و محیط فرهنگی و ادبی خانوادگی وی را در رشد شخصیتش مؤثر دانست. دکتر محقق داماد بر استعداد ذاتی ایرج افشار در استفاده صحیح از امکانات تأکید کرد.



در پایان نشست مراسم افتتاحیه، دکتر مریم شریف‌نسب، دبیر علمی همایش، گزارش تفصیلی روند برگزاری همایش را ارائه کرد. سخنرانی‌های علمی نشست صبح با سخنرانی دکتر سوسن اصیلی از دانشگاه تهران آغاز شد. وی با تأکید بر مطالعات مربوط به خوراک، مطالعات اجتماعی ایرج افشار را بررسی کرد. پس از آن دکتر سیدعلی آل‌داوود درباره‌ی گنجینه اهدایی استاد افشار به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی سخن گفت. وی ضمن برشمردن بخش‌های مختلف گنجینه‌ی اهدایی استاد افشار، دیگر مجموعه‌هایی که به دنبال آن به دائرةالمعارف اهدا شده را، نام برد. دکتر بهرام پروین گنابادی به بررسی زندگی‌نامه‌ی خودنوشت ایرج افشار پرداخت. دکتر فریبا افکاری درباره‌ی ضوابط استاد افشار در ارزیابی نسخ خطی دانشگاه تهران سخن گفت و اصول

برساخته‌ی استاد افشار برای ارزیابی را معرفی کرده، نمونه‌هایی از صورت‌جلسه‌های شورای ارزیابی نسخ را به مخاطبان نشان داد. پس از آن دکتر غلامحسین نظامی از تأثیر ایرج افشار در تأسیس آرشیو ملی ایران گفت. سخنرانی پایانی نشست صبح درباره‌ی نقش مجلات آینده و نامواره دکتر محمود افشار در گسترش توجه به مطالعات اسناد تاریخی بود که توسط دکتر محیا شعبی عمرانی ارائه شد.

نشست بعدازظهر راس ساعت ۱۳ با تلاوت آیاتی از قرآن آغاز شد. ابتدا دکتر نعمت‌الله ایرانزاده در باب نسخ خطی فارسی در آکادمی علوم تاجیکستان سخن گفت. پس از آن دکتر عیسی امن‌خانی نگاه محمود افشار به تجدد ادبی را بررسی کرد. سپس دکتر علیرضا ملایی توانی به بررسی مسئله‌ی ایران در نگاه محمود افشار پرداخت. دکتر الهام ملک‌زاده به بررسی تحلیلی موقوفه‌ی دکتر محمود افشار و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی آن پرداخت. خانم پریسا پاسیار به نقش ایرج افشار در دائرةالمعارف کتابداری پرداخت و فعالیت‌های مختلف

استاد افشار را در حوزه‌ی کتابداری و علم اطلاع‌رسانی بررسی کرد. سپس دکتر حمیدرضا دلوند جایگاه پژوهش‌های مردم‌شناسی در کارنامه ایرج افشار را بررسی کرد. سخنرانی دکتر محمدرحیم ربانی‌زاده به بازخوانی رویکرد تاریخ‌نگاری ایرج افشار اختصاص داشت، که به دلیل مشکلات فنی و ضعف اینترنت انجام نشد. محمد عثمانی انگاره‌های سیاسی برساخته‌ی ایرج افشار را بررسی کرد و در پایان مراسم نیز میثم صادقی به معرفی دهکده‌ی باستانی توران‌پشت در آینه‌ی میراث ایرج افشار پرداخت.

نشست بعدازظهر ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه به اتمام رسید. این نشست با اقبال خوب مخاطبان فضای مجازی روبه‌رو شد که در این مراسم بهرام افشار، فرزند استاد ایرج افشار نیز به نمایندگی از خانواده‌ی مرحوم استاد افشار، از آغاز تا پایان برنامه‌ها را همراهی کرد.

پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات در نظر دارد به یاری خداوند، در سال‌های آتی نیز پرونده‌ی نام‌آوران دیگری در عرصه‌ی فرهنگ و ادب معاصر ایران را در این سلسله همایش‌های ملی بررسی کند.

پژوهشکده زبان و ادبیات برگزار می‌کند:

نخستین همایش ملی

نام آوران فرهنگی و ادبی معاصر ایران

کارنامه علمی استاد ایرج افشار

تاریخ برگزاری همایش: ۱۶ مهر ماه ۱۳۹۹ ساعت: ۸ تا ۱۶

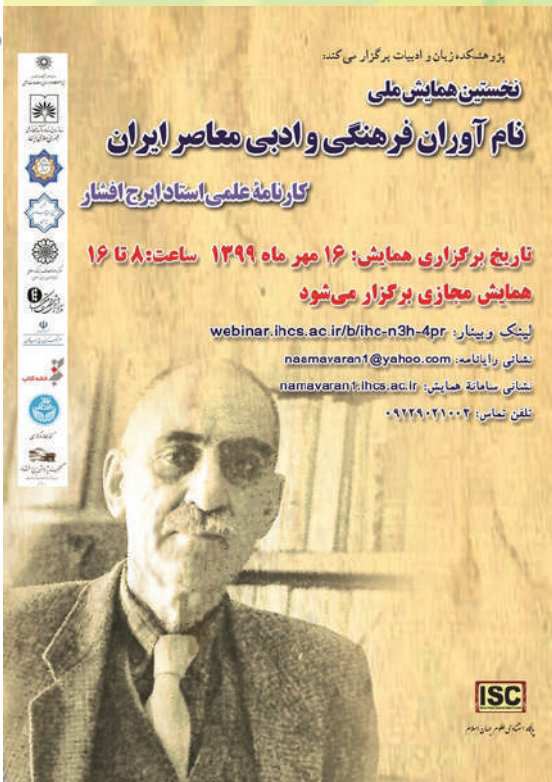
همایش مجازی برگزار می‌شود

لینک و پینتار: webinar.iics.ac.ir/b/lhc-n3h-4pr

نشانی رایانامه: naamavaran1@yahoo.com

نشانی سامانه همایش: naamavaran.iics.ac.ir

تلفن تماس: ۰۲۱۰۰۲۰۹۲۹۹



ISC

پایه علمی و پژوهشی



دکتر قبادی همایش ملی «نام‌آوران فرهنگی و ادبی ایران، کارنامه‌ی علمی استاد ایرج افشار» مطرح کرد:

پژوهشگری، زنده نگه‌داشتن یک تمدن است

نخستین همایش ملی «نام‌آوران فرهنگی و ادبی ایران، کارنامه‌ی علمی استاد ایرج افشار» ۱۶ مهر ۱۳۹۹، به صورت مجازی (وبینار) برگزار شد. دکتر قبادی که از طریق وینار در این همایش سخنان خود را ارائه می‌کرد، گفت: در آستانه‌ی اربعین حسینی، سلام می‌کنیم به سالار شهیدان و به‌ویژه در این ایام درود می‌فرستیم به مظهر آزادگی، حضرت زینب کبری (س). خیرمقدم عرض می‌کنم به محضر همه میهمانان گرامی، استادان ارجمند و از حضور جناب آقای دکتر حداد عادل، رئیس محترم فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی و جناب آقای دکتر محقق‌داماد، عضو برجسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی و ریاست محترم شورای تولید ستاد موقوفات افشار که دعوت ما را پذیرفتند کمال تشکر و قدردانی را دارم. سپاسگزاری می‌کنم از همه شما محققان ارجمند و گرامی که با مشارکت علمی خود بر غنای این مجلس افزودید. از پژوهشگاه ادبیات پژوهشگاه که فرصت طراحی و پیش‌برد مجموعه همایش‌های بزرگداشت نام‌آوران معاصر را فراهم آوردند که یکی از آنها هم بازنشاسی خدمات علمی استاد ایرج افشار است. از جناب آقای دکتر محمدنژاد و سرکار خانم دکتر شریف‌نسب و همع همکاران تشکر می‌کنم و ...

دکتر قبادی ادامه داد: نکوداشت نام‌آوران معاصر و اهتمام برای پاسداشت خدمات پژوهشی و کوشش‌های علمی آنان و بازنشاسی ارج همت آنان گرامی داشتن یک شخص نیست، بلکه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر مبنای برنامه‌ی توسعه‌ی راهبردی خود، این قبیل فعالیت‌های تخصصی را یک کنش تمدنی برشمرده است. از آن‌روی که این اقدامات، به جوانان امروز لذت رنج بردن برای علم و برگزیدن شیوه، منش و شغل پرزحمت، پژوهش‌گری را می‌چشانند و به آنان می‌فهماند که پژوهشگری، زنده نگه‌داشتن یک تمدن است. این فعالیت‌های علمی روش‌مند در بازنشاساندن مفاخر و سرمایه‌های معنوی کشور به تقویت تعلق خاطر جوانان و بالابردن سطح اعتماد آنان نسبت به این سرزمین کمک می‌رساند و در نتیجه سرمایه‌ی اجتماعی امروز را ارتقاء می‌بخشد.

دکتر قبادی تأکید کرد: کسی که مفاخر امروز را خوب بشناسد، فردا را بهتر خواهد ساخت. تردیدی نیست که رسیدن به پیشرفت، حرکت در مرزهای دانش جهانی را می‌طلبد، اما مردمی که به‌خوبی خود را شناسند و از وجوه تمدنی و لایه‌های فرهنگشان کم اطلاع بوده و به آن بی‌علاقه باشند، توانایی فکری کافی برای رسیدن به قله‌ی پیشرفت و توسعه را نخواهند داشت.

وی گفت: به تعبیر استاد جلال‌الدین همایی، «ملتی که بنیان‌های فرهنگی و تمدنی خود و پدیدآوردندگان آن را دقیق نشناسد، هرچند کهن‌سال و دیرین باشد، مانند پیرمردی است که کودک باقیمانده و عقل‌اش همراه جسم‌اش رشد نکرده است». بنابراین شناخت دقیق و شناساندن ستون‌های ساختمان فرهنگ و تمدن ایران، هم امروز و هم فردای ما را بهتر خواهد ساخت. نکته‌ای دیگر که جای یادآوری دارد، ملازمت و پیوند بازنشاسی مفاخر امروز با لایه‌های تمدنی و وجوه فرهنگی بنیادین ما و تاریخ دیرین و کهن‌سال ایران زمین و معارف اسلامی است، زیرا اوراق دفتر تاریخ این مرز و بوم را شیرازه‌ای در یک روابط عمیق بینامتنی به هم پیوند زده است و آن، فرهنگ و ادبیات این سرزمین است.

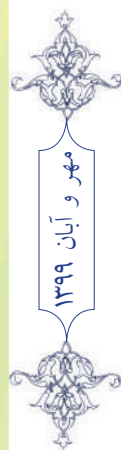
دکتر قبادی تصریح کرد: شاید هیچ کشوری به اندازه‌ی ایران زمین از طریق فرهنگ، معارف و ادبیات، عاطفه‌ی جمعی برای خود نساخته است. نمود جامع و کامل این ادعا حافظ است که ایران، اسلام، معارف، فرهنگ، تمدن آداب و رسوم، دانش خردورزی، عشق و محبت در آن یکجا جمع شده‌اند و تقریباً هیچ دانشمند بزرگی در ایران معاصر و ادوار قبل را نمی‌توان یافت که قلبش مملو از مهر حافظ نباشد.

نمود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت

آری، واقعیت این است که ظرفیت و توانایی ملت‌ها را می‌توان با قدرت و علاقه و انس‌شان با میراث‌های افتخار آفرین تمدن و فرهنگی گذشته آنان سنجید و گذشته را هم از طریق مفاخر امروز می‌توان شناخت و فردای بهتر نیز بر دوش این مفاخر به مقصد خواهد رسید و آینده از امروز جدا نیست و امروز هم در گذشته ریشه دارد.

به تعبیر استاد زنده یاد دکتر آئینه‌وند (ره) «انطباق با زمان هم بدون اتصال به ریشه ممکن نخواهد بود».

بار دیگر از مشارکت همه‌ی شما بزرگان و دانشمندان سپاسگزارم.



مهر و آبان ۱۳۹۹



پیام تسلیت دکتر قبادی به سفیر افغانستان

در پی حمله‌ی تروریستی نیروهای داعش به دانشگاه کابل که به کشتار ناجوانمردانه‌ی ۲۲ تن از دانشجویان این دانشگاه انجامید، دکتر سلمان صادقی‌زاده، مدیر فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و اصغر شوهانی، نماینده‌ی دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی برای تقدیم سبد گل و امضای دفتر یادبود در سفارت افغانستان حاضر شدند. در این دیدار مراتب تسلیت و هم‌دردی دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه به عبدالغفور لیوال، سفیر محترم جمهوری اسلامی افغانستان در تهران ابلاغ شد.

در ابتدای این دیدار، دکتر صادقی‌زاده به عمق جانسوز واقعه‌ی اخیر اشاره کرد و گفت: «هرچند این رخداد سویه‌های تاریک و بدفهمی از دین را برهمگان آشکار ساخت اما حامل سویه‌های روشن نیز بود و آن این‌که مردم افغانستان به چشم خود دیدند که دست و دل خرافه‌پرستان و افراط‌گرایان مذهبی در افغانستان نه تنها از دین‌داری که از آزادمردی نیز تهی است؛ کسانی که حریم و حرمت دانش، دانشگاه و دانشجو را می‌شکنند و تارک شرافت انسانی را نشانه می‌گیرند».

وی در ادامه افزود: «رخداد شوم یادشده هرچند از بطن رویکردی سیاه و نامیمون در تاریخ تراوش می‌کند اما نویدبخش آینده‌ای روشن است. در مقابل، مردم صبور افغانستان بیش از پیش دشمن مشترک خویش را می‌شناسند و با ارتقای سطح آگاهی عمومی، انسجام اجتماعی این کشور به‌عنوان یکی از سه رکن امنیت ملی تقویت خواهد شد».

عبدالغفور لیوال، سفیر افغانستان در تهران نیز ضمن استقبال از تحلیل یادشده، این رخداد غم‌انگیز را آستان تحولاتی مهم دانست و تأکید کرد که در این مدت، ملت و دولت ایران توجه و لطف بسیاری از خود نشان داده‌اند و حتی چهل شعر فارسی با تضمین پیام به‌یادماندنی پدر یکی از دست‌رفتگان (جان پدر کجاستی؟) برای این سفارت‌خانه ارسال کرده‌اند. سفیر افغانستان همچنین بر اهمیت روابط فرهنگی دانشگاه‌ها و نهادهای علمی دو کشور تأکید کرد و خواستار همکاری بیشتر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با دانشگاه‌های کشور متبوع خود شد.

در پایان این دیدار، دکتر صادقی‌زاده به نمایندگی از پژوهشگاه علوم انسانی سبد گلی جهت ادای احترام به روح جوانان به خاک‌وخون کشیده شده در این حادثه تقدیم و دفتر یادبود سفارت افغانستان را امضا کرد.



نشست «ادبیات دفاع مقدس و مسئله‌ی فرهنگ»

دویست و شصت و پنجمین جلسه‌ی گروه زبان و ادبیات فارسی شورای بررسی متون، روز دهم مهرماه ۱۳۹۹ برگزار شد که در اولین نشست با عنوان «ادبیات دفاع مقدس و مسئله‌ی فرهنگ» به صورت مجازی (نرم‌افزار ویننار)، دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی، دکتر محمدرضا موحدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و دبیر نشست، دکتر مهدی سعیدی و دکتر محمد حنیف سخنانی در موضوعات مختلف بیان کردند.



ابتدا دکتر قبادی سخنانی خود را با عنوان «نگاهی آینده‌پژوهانه به ادبیات دفاع مقدس» آغاز کرد. وی با این مقدمه از سخن استاد فروزانفر که علم محتاج مساعدت و معاضدت و همکاری است بر اهمیت نقد و تبادل نظر استادان در رسیدن به راه کمال اشاره کرد و پس از آن، به‌طور مختصر رئوس مطالب را فهرست‌وار برشمرد: تعریف آینده‌پژوهی، اصطلاحات متناسب با آینده‌پژوهی، مؤلفه‌های آینده‌پژوهی، عناصر اصلی آینده‌پژوهی، کارکرد عمده‌ی آینده‌پژوهی و... توضیح مختصر درباره‌ی چند مورد ارائه کرد؛ از جمله در تعریف کوتاه، آینده‌پژوهی را چنین تعریف کرد: دانش دربرگیرنده‌ی تمام جنبه‌های مطالعه و پژوهش درباره‌ی آینده و ساختن آینده‌ی متعالی به گونه‌ی مطلوب. هدف آینده‌پژوهی

نیز آمادگی برای رویارویی با چالش‌ها و کشف آینده است. مؤلفه‌های آینده‌پژوهی نیز معرفت به روند داده‌های گذشته، حرکت مسئله‌مدار و به‌طور خلاصه رسیدن به تعالی است. دکتر قبادی در ادامه‌ی سخنان خود پیوند ادبیات و دفاع مقدس را برای ماندگاری و مخاطبان بیشتر، ضروری دانست و به مسئله‌ی مخاطب نداشتن در این حوزه اشاره کرد و پس از آن به کارکردهای ادبیات و نقش وحدت قومی و تقویت اشتراکات آن پرداخت، سپس به کارکردهای فرهنگ از جمله انسجام جامعه، ژرفابخشیدن به هویت، مشترک سازی نظام ارزش‌ها، پشتوانه‌ی معرفت و صیانت‌کننده‌ی دستاوردهای معنوی بشر اشاره کرد. قبادی در بخش پایانی سخنان خود پیشنهادهایی ارائه کرد؛ از جمله مجهزشدن ادبیات به استانداردهای علمی که با رعایت آن به سمت مردم حرکت می‌کند، سلیقه‌های مردم را درک می‌کند و با حفظ مبانی، خودش را با ذوق مردم پیوند می‌زند و دیگر در نظر گرفتن نیازمخاطب و حرکت به سمت کل‌نگری است. وی همچنین پیشنهاد کرد مباحث دفاع مقدس - که در دانشگاه شهید بهشتی و پژوهشگاه انجام شده - جمع‌آوری و کتاب مستقل در این حوزه چاپ و منشر شود.



در ادامه دکتر سعیدی (عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی) بحث خود را با عنوان «تبیین جریان‌شناسی ادبیات داستانی جنگ» آغاز کرد و توضیح مواردی چون؛ اصطلاح ادبیات جنگ، رویکردهای متنوع حوزه‌ی جنگ و مبانی جریان‌شناسی آن را به مقالات خود که به ترتیب در کتاب ماه ادبیات، زبان فارسی و نقد ادبی چاپ شده ارجاع داد و بحث اصلی خود را با این پرسش که آیا رویکرد به جریان ادبی تبدیل شده یا خیر؟ آغاز کرد. وی ابتدا به چهار ویژگی جریان ادبی؛ زمینه‌ی پیدایش، پشتیبانان مشخص، نویسنده‌ی مشخص و نقطه شروع، پیدایش

و استمرار قابل رصد اشاره کرد که رویکرد ارزش‌محور با دارا بودن سه زمینه توانسته در قامت جریان ادبی نشان داده شود. سپس به دو مورد از پشتیبانان این رویکرد اشاره کرد که با برقراری جشنواره‌ها، تجربیات کارگاهی



نویسندگان، سفارش تولید متن و ... در این جریان کار کرد. یکی از این پشتیبان‌ها که بعدها تحت عنوان حوزه هنری فعالیت کرد، حوزه اندیشه و هنر اسلامی در ۱۳۵۹ بود که به پیشنهاد مرحوم صفارزاده و همکاری موسوی گرمارودی شروع شد و با تشویق خلق آثار ادامه پیدا کرد. پشتیبان دیگر «مسجد جوادالائمه» در اوایل دهه‌ی پنجاه بود که با کارگاه‌های تربیت نویسندگان و جلسات نقد داستان، نویسنده پرورش دادند. ویژگی این پشتیبان این بود که جریانی خودجوش به دور از مراکز شبه دولتی مثل حوزه هنری بودند، جایزه‌ی شهید حبیب غنی‌پور را برگزار کردند، همچنین به‌نوعی رئالیسم بومی می‌پرداختند که بعدها در تغییر مضمون ادبیات داستانی دهه‌ی هفتاد اثرگذار بود و این‌که نظریه‌پرداز سیاسی نبود بلکه از فعالان فرهنگی بود که حرکت مستمر داشت. دکتر سعیدی به ویژگی دیگر جریان ادبی یعنی نظریه‌پرداز و قاعده‌سازانی اشاره کرد که کارشان چارچوب‌گذاری آن جریان و آسیب‌شناسی آن جریان است. در این حوزه نویسندگانی چون محسن مخملباف، محمدرضا سرشار، میثاق امیرفجر و ... هستند. مخملباف در آثار اولیه در پی تبیین جریان الهی بود و بعدها با این موارد به تبیین نظریه‌ی اسلامی پرداخت: مرکز داستان، خدا باشد؛ هستی پویا توصیف شود؛ هدف داستان‌نویس آگاهی دادن باشد؛ نویسنده به انگیزه‌ی مالی ننویسد و ... که این یادداشت‌های اثرگذار بود و مباحث نظری در این مباحث قابل ردیابی است. نکته‌ی مهم دیگر در یک جریان، قائل شدن نقطه‌ی شروع و بحث استمررا و گسترش آن است. که میثاق امیرفجر و محسن مخملباف اولین داستان‌ها و نقطه شروع بودند و بر اساس آمار کتاب‌شناسی بیش از چهارصد رمان و سیصد داستان کوتاه حاصل این نوشتن درباره‌ی جنگ است و نویسندگان بسیاری در حوزه‌ی جریان ارزش‌محور مطلب نوشته‌اند که با ویژگی‌هایی استمررا پیدا کرده است؛ از جمله ستایش مقاومت و پایداری و دفاع از کشور؛ تهییج روحیه‌ی رزمندگان و دفاع در مردم؛ پی‌جویی نوعی فضیلت و تقدس در دفاع؛ مرثیه برای فضیلت‌های فراموش شده و ... سعیدی در ادامه‌ی سخنان خود گفت: این‌ها را آغازی برای پرداختن به رئالیسم بومی تلقی می‌کند و به ویژگی این آثار اشاره کرد که با توجه به جنبه‌ی تبلیغی بودن، زبان‌شان ساده است و پیرنگ تکرار شونده دارد. علاوه بر آن تبلیغی بودن باعث شده برخی از داستان‌ها تک‌صدایی شوند. همچنین این داستان‌ها به حوادث صدر اسلام و عاشورا پیوند خورده است و نوع نگاه به شهادت‌طلبی تحت تأثیر بن‌مایه‌های مذهبی و دینی در آن آثار وجود دارد. در پایان وی به آثار این حوزه؛ مانند فراست با نخل‌های بی سر؛ سرشار با مهاجر کوچک؛ مجید قیصری با طعم باروت؛ و نوشته‌های داود غفارزادگان؛ سیدمهدی شجاعی؛ ابراهیم حسن‌بیگی و ... سخنان خود را به پایان رساند.



در ادامه دکتر حنیف سخنان خود را با عنوان «سیاست‌گذاری و تأثیر آن بر جنگ» در سه بخش مطرح کرد: تعریف مفاهیم و نگاهی به تاریخچه‌ی سیاست‌گذاری فرهنگی؛ وضعیت سیاست‌گذاری فرهنگی و ادبیات داستانی جنگ و در پایان، پیشنهادات مختصر. منظور از سیاست‌گذاری تعیین خط مشی و راهبردهایی است که هدفشان تقویت همکاری و مشارکت فرهنگی است. سپس وی به اسنادی اشاره کرد که در آن‌ها اشاره به کارهای اجرایی به‌منظور زنده نگاهداشتن دفاع مقدس شده است که به‌طورکلی در این مباحث تکیه بر فرهنگ شهادت است. اما افرادی که این سیاست‌ها را اجرا می‌کنند فهم درستی از آن ندارند

یا بین سازمان‌های مختلف تناقض وجود دارد پس به گفته وی هرچه از پایان جنگ دور شدیم از ترویج فرهنگ شهادت در آثار ادب داستانی هم دورتر شدیم. همچنین وی بیان کرد؛ فارغ از بحث‌های حاشیه‌ای درباره‌ی جنگ از جمله درستی یا نادرستی قبول قطعنامه و ... اصل موضوع، انسان‌های پاک و عموماً فداکاری بودند که مانع از دست رفتن خاک شدند اما با پیش‌روی به جلو متوجه می‌شویم نگاه به حماسه کمتر شده است. وی در تبیین این موضوع به اثرگذاری سه ضلع نویسنده، جامعه و اثر، بریکدیگر پرداختند که بررسی داستان‌ها قبل و بعد انقلاب نشان‌دهنده‌ی وجه غالب ادبیات یعنی سیاه‌گرایی، مطالبه‌نمایی و گرایش به چپ و اعتراض در آثار نویسندگانی مانند احمد محمود، درویشیان، جلال آل‌احمد، تنکابنی و ... و بعد انقلاب نسیم مرعشی و ... است. که متأثر از بازخوردهای جامعه به این سمت گرایش پیدا کردند. دکتر حنیف در ادامه‌ی سخنان خود به تبیین این دلایل پرداخت؛ از جمله تعدد مراکز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری

فرهنگی مانند خانه کتاب، بنیاد شعر و ادبیات داستانی، جایزه‌ی دهخدا، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی و... که سیاست‌های کلی را به سیاست‌های کوچک تبدیل می‌کنند. دلیل دیگر نبودن شاخص‌های قابل رصد است. پژوهش‌های بسیاری انجام شده اما بر لزوم توجه به این بخش کمتر تفکر شده است. در حقیقت یکی از آسیب‌ها ابهام در ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی و سایر سیاست‌ها و تدوین نشدن کامل این خط مشی‌ها و شایستگی نازل مجریان است از دیگر آسیب‌ها می‌توان به این موارد به‌طور کلی اشاره کرد: برخورد شعاری با سیاست‌های فرهنگی متناسب مقتضیات زمان؛ کم‌توجهی به نهادهای مردمی؛ نبودن اولویت‌بندی سیاست‌ها؛ ابهام در ارتباط میان سیاست‌ها؛ ضعف در نظارت مؤثر و کم‌توجهی به نظارت همگانی و... است. دکتر حنیف با پیشنهادهایی مانند؛ فهم و توجه سیاست‌گذاران عالی نظام از ضرورت هم‌خوانی سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی دعوت وزیر ارشاد از متولیان ادبیات؛ سیاست‌گذاری در حوزه‌ی معرفی ادبیات جنگ در دیگر کشورها؛ ترجمه آثار؛ تشویق دانشجویان مستعد در بحث نظام وظیفه برای انجام تحقیقات ارزشمند و... به سخنان خود پایان داد.



آخرین سخنران سخنران نشست، دکتر موحدی بود که سخنان خود را با موضوع تأثیر جنگ بر فرهنگ ایرانی با تأکید بر مطالعه‌ی موردی رمان «رنج» آغاز کرد. وی پس از معرفی فرهنگ و خرده فرهنگ بر ضرورت توجه به این حوزه به‌عنوان بخشی از ادبیات دفاع مقدس - که مغفول مانده است - تأکید کرد. وی این موضوع را این‌گونه تبیین کرد که جنگ موجب شد بسیاری از جوانان با خرده فرهنگ‌های مختلف و فرهنگ بومی و منطقه‌ای خاص به مناطق جنوبی نقل مکان کنند و این جابه‌جایی و تبادل فرهنگ‌ها به ضرورت حضور در جبهه‌ها، اثرهایی داشته از جمله اینکه ارزش‌های هر قوم با ارزش‌های مناطق دیگر تداخل،

تبادل و تعامل می‌یابد و اینکه خرده فرهنگ‌ها بر ارزش‌های دفاع مقدس چه تأثیری گذاشته و آیا این خرده فرهنگ‌ها رنگ باخته یا خیر نیاز به مطالعه جدی دارد که به آن توجهی نشده است. دکتر موحدی در تأیید سخنان خود به بخشی از رمان ریشه در اعماق ابراهیم حسن‌بیگی اشاره کرد که در آن ادامه‌ی سخنان خود به رمان مد نظر یعنی «رنج» با ضم «ر» از محمد محمودی نورآبادی اشاره کرد. این رمان جزو رمان‌های تقدیر شده است و به‌عنوان کتاب سال انتخاب شده اما مغفول مانده است. به‌رحال وی به موضوع «خین بس» یا «خون بس» که خرده‌فرهنگی در مناطق لر نشین است به‌این معنی که برای مصالحه دو طرف دعوا که قاتل و مقتول هستند و مدام درگیر قصاص



می‌شوند، متعهد می‌شوند به منظور پایان‌دادن به این دور باطل، دختری از خانواده‌ی قاتل به مقتول هدیه دهند که به‌واسطه‌ی این عقد صلح برقرار شود. در این داستان بسیار جالب، شخصیت اصلی در خون‌خواهی قاتل پدرش می‌فهمد او به جبهه رفته و با ارزیابی این‌که اگر او را بکشم کسی نمی‌فهد و همه فکر می‌کنند خمپاره یا ترکش بوده و در نتیجه قصاصی هم انجام نمی‌گیرد؛ در پی قاتل به جبهه می‌رود که این داستان جل‌شدن خرده فرهنگ او در فرهنگ جدید است که فرهنگ دفاع مقدس، ارزش‌های او را متحول می‌کند و از تصمیم منصرف می‌شود و... سپس دکتر موحدی با توجه به این‌گونه رمان‌ها که تأثیر و تأثر خرده فرهنگ‌ها را نیز نمایش داده به اهمیت طرح این‌گونه مباحث اشاره کرد. وی سخنان خود را با تشکر از حضور و همکاری استادان پایان داد و از آن‌ها درخواست کرد با ارائه‌ی مقالات و آثار خود در جمع‌آوری

مطالب ارزشمند دفاع مقدس همکاری کنند تا اثری جامع در خیرنامه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی این زمینه فراهم شود.



شهید سلیمانی و سیاست خارجه

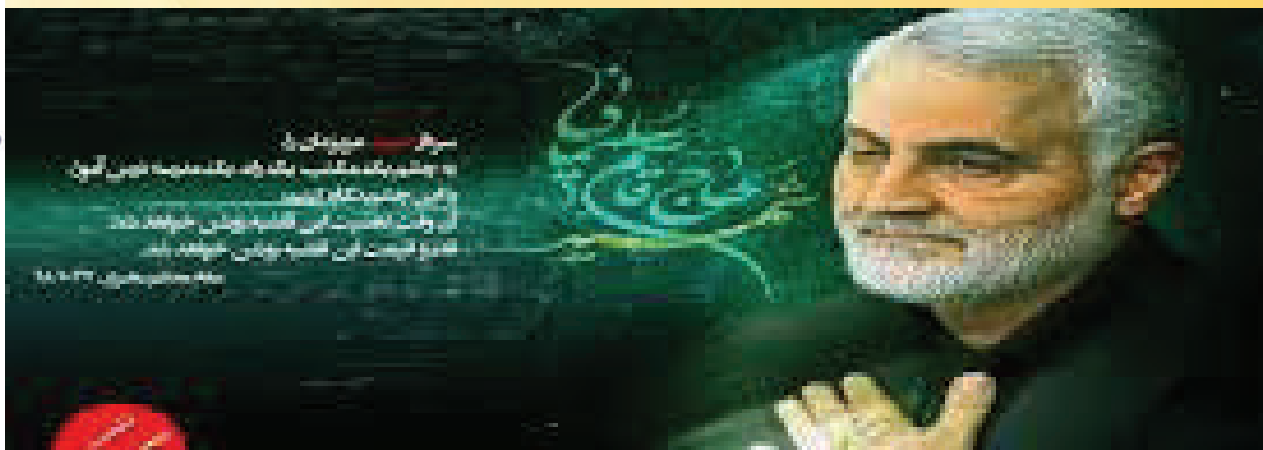
بیست و سومین نشست از سلسله نشست‌های علمی مشترک همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب و مکتب شهید سلیمانی با موضوع «شهید سلیمانی و سیاست خارجه» صبح روز سه‌شنبه، ۲۷ آبان ۱۳۹۹ به صورت مجازی برگزار شد.

در این نشست که با همکاری پایگاه بسیج کارکنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز مقاومت بسیج کارکنان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و گروه معارف اسلامی دانشگاه امام حسین (ع)، برگزار شد دکتر حسین نصیرزاده عضو هیأت علمی دانشگاه و کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل و دکتر محمدعلی فتح‌الهی رئیس پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به سخنرانی پرداختند.

در ابتدای این مراسم دکتر نصیرزاده با تقدیم سلام و درود به روان پاک شهیدان و ابراز ارادت به حضور مقام عظمای ولایت گفت: افتخاری است که با جمعی از دوستان و فرهیختگان مباحث مربوط به بیانیه‌ی گام دوم انقلاب را دنبال کنیم که از آرمان‌های شهید بزرگوار سردار سلیمانی بود. شهیدی که از تشکیل اسراییل دوم در منطقه جلوگیری کرد. سردار سلیمانی نشان داد عرصه‌ی سیاست خارجی تبادل توأم با عمل است با حفظ روابط، گفتارها و معیارها.

در ادامه‌ی نشست دکتر محمدعلی فتح‌الهی سخنان خود را آغاز کرد و گفت: از برگزارکنندگان این نشست تشکر می‌کنم که بحث جدی مربوط به نقش شهید سلیمانی در سیاست خارجی را دنبال می‌کنند که از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب هم نشأت گرفته است. امیدوارم نشستی که برگزار می‌کنیم، مقدمه‌ای برای فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی بیشتر در این زمینه باشد و برای فعالان عرصه‌ی سیاست خارجی در گام دوم انقلاب اسلامی زمینه‌سازی کند.

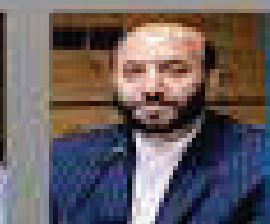
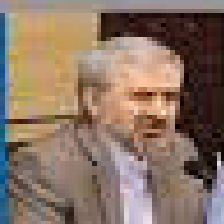
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزود: اصولاً سیاست خارجی برای پیگیری اهداف یک کشور در عرصه‌های بین‌المللی در پیش گرفته می‌شود. این پیگیری‌ها گاهی در عرصه‌ی رفت‌وآمدها و مذاکرات مرسوم جریان دارد و گاهی هم به این مسئله عمیق‌تر نگاه می‌کنیم که باید بسترسازی کنیم و مقدمات فکری و سیاسی امور را فراهم سازیم. گاهی اگر بستر کاری فراهم نباشد، هرچقدر هم در



شهید سلیمانی و سیاست خارجه

سلسله نشست‌های علمی مشترک همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب مکتب شهید سلیمانی

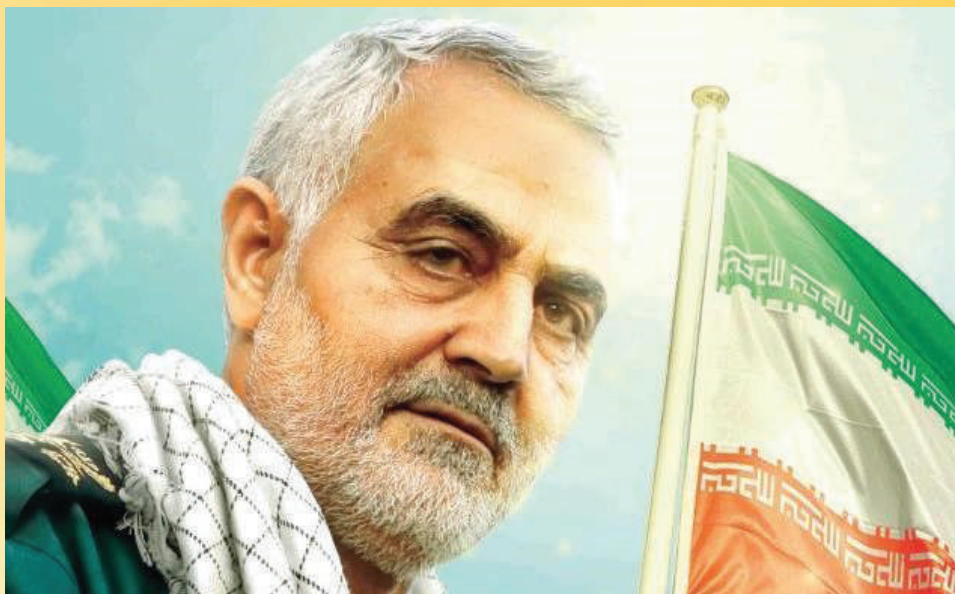
سخنران:
دکتر محمدعلی فتح‌الهی
رئیس پژوهشکده نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل
پژوهشکده علوم انسانی، مطالعات فرهنگی



هم‌زمانی:
دکتر حسین نصیرزاده
عضو هیأت علمی دانشگاه و
کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل



زمینه‌ی سیاست خارجی تلاش کنیم نمی‌توانیم نتیجه بگیریم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دشمنان ما اجازه نمی‌دادند جمهوری اسلامی در بستر بین‌المللی با همسایگان خود رابطه‌ی متوازن و معقولی داشته باشد و با جنگ هشت‌ساله و برخی اقدامات تلاش کردند ما در سیاست خارجی مان‌ناکارآمد شویم اما امام خمینی (ره) در همان جنگ با عراق نیز به دنبال پیروزی نظامی نبود و دید عمیق‌تری نسبت به انقلاب و جنگ داشتند.



دکتر فتح‌الهی تأکید کرد: تعابیر و نگاه امام (ره) به دفاع مقدس بالاتر از سطح نظامی و زمینی بود و بیشتر بستر فکری و عقیدتی جنگ را دنبال می‌کردند که بعد از جنگ هشت‌ساله توانستیم سیاست خارجی قابل قبولی داشته باشیم.

دکتر فتح‌الهی با اشاره به پدیده‌ی داعش و جنگ سوریه ادامه داد: اتفاق مهم منطقه در سال‌های اخیر جنگ سوریه بود که سردار سلیمانی توانست روسیه را قانع کند تا در جنگ نظامی سوریه وارد عمل شود و بخشی از کار را دنبال کند. در ادامه دولت ترکیه هم از حضور در مذاکرات «آستانه» استنکاف می‌کرد اما سردار سلیمانی توانست دولت ترکیه را هم پای کار بکشد در حالی که این کشور با کشورهای غربی همکاری داشت. سردار سلیمانی در حوزه‌ی افغانستان و دیگر حوزه‌ها نیز دیپلمات برجسته و فعالی بود و با بستر فکری آمریکا که زور، قلدری، تجاوز و ظلم بود، مقابله کرد تا مکتب سلیمانی در مکتب نظام سلطه ایستادگی کند و ...

رئیس پژوهشکده‌ی نظریه‌پردازی سیاسی و روابط بین‌الملل پژوهشگاه تأکید کرد: با این‌که دوران هشت‌ساله‌ی جنگ تمام شده و رژیم صدام از بین رفت اما بستر مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی کشور شکل نگرفت تا این‌که سردار گران‌مایه وارد عمل شد و سردار دل‌ها بودن سردار سلیمانی دل‌های منطقه را عوض کرد. شاید غلط نباشد بگوئیم که سردار سلیمانی کار نیمه‌تمام جنگ را تمام کرد. ما در جنگ هشت‌ساله به خیلی از اهداف خود نرسیده بودیم و سلطه‌ی غرب و استکبار اجازه نمی‌داد کشورهای منطقه پیام انقلاب را بگیرند تا اینکه شهید سلیمانی ارتباط خودش را با جنگ قطع نکرد و آن‌را به‌روزرسانی و در دو اتفاق بزرگ منطقه به خوبی نقش‌آفرینی کرد. اکنون هم مردم سوریه و عراق پس از بیداری اسلامی متوجه شدند که نمی‌توانند با آمریکا رابطه‌ی خوبی داشته باشند و استقلال خود را حفظ کنند و ...

دکتر فتح‌الهی در خاتمه تصریح کرد: کاری که سردار سلیمانی با داعش کردند و در نهایت شهادت سمبلیک ایشان با ابومهدی‌المهندس در عراق برادری دو کشور را تثبیت کرد و دل‌های دو ملت را برای همیشه پیوند داد و بستر سیاست خارجی ما وارد مرحله‌ی جدیدی شد و طبق تعابیری که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب توسط مقام معظم رهبری آمده است، تحرک جدیدی در منطقه شکل گرفت که گسترش سیاسی و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان در واقع توسط پرچمدار و مالک‌اشتر مقام معظم رهبری نتیجه داد و حالا مکتب سردار سلیمانی یک مکتب فکری است ضمن این‌که ملاقات‌ها و رفتارهای ایشان نیز برجسته بود. گفتنی است دبیر اجرایی این نشست منوچهر صابر، معاون مدیر فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و معاون علمی پژوهشی مرکز مقاومت بسیج کارکنان وزارت علوم بود.



مؤلفه‌های ارتباطی پیش‌بینی‌کننده‌ی غربال‌گری سرطان

نشست مؤلفه‌های ارتباطی پیش‌بینی‌کننده‌ی غربال‌گری سرطان به همت پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و با همکاری کرسی ارتباطات علم یونسکو و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات به صورت مجازی برگزار شد.

در این نشست که روز پنجم آبان ۱۳۹۹ برگزار شد، داود مهربانی عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات به بیان یافته‌های تحقیقات خود در زمینه‌ی عوامل ارتباطی مؤثر بر رفتارهای پیشگیری در حوزه‌ی سلامت پرداخت.



به گفته‌ی وی، شناخت این عوامل نیازمند تحقیقات بین‌رشته‌ای است که امروزه از آن تحت عنوان ارتباطات سلامت یاد می‌شود و با توجه به گسترش روزافزون رسانه‌ها و تنوع گسترده آنها، و همچنین تغییراتی که در نوع ارتباطات انسانی شکل گرفته است، توجه بسیاری از محققان و همینطور سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است.

مهربانی در این نشست با نگاهی به اهمیت غربال‌گری سرطان بیان کرد: تشخیص بسیاری از سرطان‌ها در مراحل اولیه بیماری می‌تواند مانع از بحرانی‌شدن آنها شود و نسبت به درمان آن موفق‌تر عمل کرد. وی تأکید کرد: با این وجود مؤلفه‌های متعددی در قصد انجام غربال‌گری سرطان نقش دارند. بخشی از این مؤلفه‌های به عوامل ارتباطی بازمی‌گردد.

عضو هیأت علمی پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات با مهم خواندن توجه به تحقیقات رشته‌ی ارتباطات سلامت بیان کرد: به نظر می‌رسد که توجه به این رشته می‌تواند نقش مهمی در رفع بسیاری از مشکلات سلامت که ریشه‌ی آنها در عدم آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای نادرست است، ایفا کند.

مهربانی در ادامه با پرداختن به نتایج تحقیقات خود بیان کرد که براساس ادبیات تحقیق، باورهای سلامت افراد، اطلاعاتی که از منابع مختلف دریافت می‌کنند، اعتبار این قبیل یافته‌ها، سطح مفید بودن آنها و همچنین ارتباطات بین فردی شامل ارتباطات پزشک - بیمار، و یا بیمار با اعضای خانواده می‌توانند در پیش‌بینی کردن قصد انجام غربال‌گری سرطان نقش داشته باشند.

وی که تحقیق خود را به طور مشخص بر بیماری سرطان روده‌ی بزرگ متمرکز کرده است، افزود: اگرچه میزان ابتلا به سرطان روده‌ی بزرگ در مقایسه با کشورهای غربی در ایران پایین و نزدیک موارد مشابه در کشورهای منطقه بوده، اما ابتلای افراد زیر ۴۰ سال و همچنین تأکید متخصصان بهداشت کشور نشان می‌دهد که این بیماری می‌تواند در آینده افراد بیشتری را مبتلا کند.

این پژوهشگر رشته‌ی ارتباطات سلامت در ادامه خاطر نشان کرد: درصد بسیاری پایینی (حدود هشت درصد) از مشارکت در این مطالعه دانش بالایی نسبت به سرطان روده‌ی بزرگ داشتند. جوان‌ترها (افراد ۲۱ تا ۴۰ سال) دانش بهتری نسبت به این سرطان گزارش کرده و افراد ۷۲ تا ۸۰ سال شرکت‌کننده در این مطالعه دانش پایینی نسبت به این سرطان داشتند.

نتایج این مطالعه که در سال ۱۳۹۷ در تهران و با مشارکت ۳۸۶ پاسخ‌گو انجام شده همچنین نشان داد که



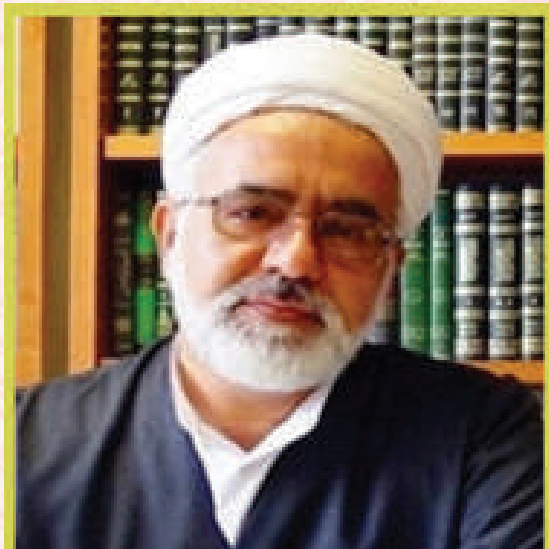
به‌طورکلی دانش افراد نسبت به سرطان روده‌ی بزرگ پایین است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان در این مطالعه منابع کسب اطلاعات خود را به ترتیب، اینترنت، پزشکان و تلویزیون معرفی کرده‌اند که مفیدترین اطلاعات از پزشکان، تلویزیون و سپس اینترنت دریافت می‌شود. بر اساس نتایج این مطالعه افزایش حس آسیب‌پذیری (حساسیت درک شده)، منافع و موانع درک شده در مسیر قصد انجام غربال‌گری سرطان و همچنین توانایی فرد برای مدیریت شرایط خود (خودکارآمدی درک شده) از جمله مواردی معرفی شدند که رابطه‌ی مثبتی با قصد انجام غربال‌گری داشتند. به‌گفته‌ی عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات، افزایش سطح دانش سرطان و همچنین بهبود روابط پزشک - بیمار می‌توانند در ایجاد انگیزه به منظور قصد انجام غربال‌گری نقش مثبتی ایفا کنند. مهربانی در ادامه و بر اساس نتایج تحقیق خود پیشنهادات زیر را با هدف فراهم ساختن بسترهای انجام غربال‌گری بیان کرد:

- افزایش آگاهی افراد از عوامل خطرزا (ریسک فاکتورها) و علائم هشدار دهنده‌ی سرطان
- استفاده از پزشکان و پرستاران در فضای اینترنت با هدف افزایش آگاهی نسبت به بیماری سرطان
- استفاده از ظرفیت‌های ارتباطات بین فردی (شامل پزشکان و پرستاران) در بستر اینترنت می‌تواند با هدف انتقال اطلاعات مفید به مخاطبان
- استفاده از روش‌های علمی مؤثر به منظور افزایش دانش افراد از بیماری‌های مختلف از جمله سرطان
- طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای به منظور افزایش تمایل برای انجام غربال‌گری سرطان در سالمندان
- باتوجه به پایین‌بودن سطح دانش در بین این رده‌ی سنی
- توسعه‌ی روابط بین فردی بیمار - پزشک با هدف تبعیت از توصیه‌های پیشگیرانه



جلسه‌ی مشترک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

جلسه‌ی مشترک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به صورت مجازی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۹۹ با حضور رؤسای این دو پژوهشگاه، معاونان و مشاوران برگزار شد. در ابتدای این جلسه، دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به تجربه‌ی



مشترک دو پژوهشگاه در زمینه طرح‌های کاربردی محور تأکید کرد که این موضوع می‌تواند عرصه‌های متنوعی را برای همکاری‌های دو طرف ایجاد کند. در ادامه، دکتر علی محمد حکیمیان رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه درباره‌ی مجموعه فعالیت‌های اجتماعی پژوهشگاه، حوزه و دانشگاه از جمله: در زمینه‌ی پیش‌گیری از طلاق، استاد مشاوره و تسهیل‌گری، خدمات اجتماعی به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین قم، توضیحاتی را ارائه و اقدامات این پژوهشگاه در زمینه‌ی تنوع‌بخشی به محصولات پژوهشی را تشریح کرد.

پس از آن موضوعاتی مانند تشکیل حلقه‌های پژوهشی، مشارکت در حل معضلات اجتماعی مانند حاشیه‌نشینی، کارآفرینی در مناطق محروم و مقوله‌ی پیرشدن جمعیت و سایر فرصت‌های همکاری دو پژوهشگاه در زمینه‌ی ترویجی‌سازی و کاربردی‌سازی علم مورد بحث قرار گرفت و مقرر شد با انعقاد تفاهم‌نامه‌ی همکاری مشترک، به صورت جدی به این مباحث پرداخته شود.



تسلیت رئیس پژوهشگاه به مناسبت درگذشت دکتر فیرحی

از شمار دو چشم یک تن کم
وز شمار خرد هزاران بیش



درگذشت عالم فرزانه استاد دکتر داوود فیرحی را به جامعه‌ی علمی کشور خصوصاً اصحاب علوم انسانی تسلیت می‌گوییم.
او نمود موفق تلائم علم و دین و نزدیکی حوزه و دانشگاه؛ تجسم هم‌آیی اخلاق و سرآمدی در تحقیق و فهم؛ و تعیین مجسم امکان داشتن اما نخواستن بود.
او از ثمرات شجره‌ی طبیه‌ی دین و محصول حقیقت‌جویی بود. فقدان این دانشی‌مرد خاضع در اوج بارآوری علمی ثلمه‌ای جبران‌ناپذیر است. امیدوارم که راه و منش او از سوی همه‌ی دوست‌دارانش دنبال شود.

حسینعلی قبادی
رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



علوم انسانی به مثابه بستری برای صلح پایدار

به مناسبت روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه، مدیریت فرهنگی پژوهشگاه با همکاری پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه، نشست علمی تخصصی با موضوع «علوم انسانی به مثابه بستری برای صلح پایدار: تأملی با رویکرد نشانه‌شناسی» در روز ۲۷ آبان ۱۳۹۹، از طریق فضای مجازی و با حضور علاقه‌مندان برگزار کرد. در ابتدای جلسه دکتر سلمان صادقی‌زاده، مدیر فرهنگی پژوهشگاه ضمن تشکر از سخنران و حاضرین نشست، با اشاره به موضوع سخنرانی دکتر اسپرهم، «بازتاب مفهوم صبح در ادبیات فارسی و عرفان»، توضیحاتی بیان کرد.



و گفت: از قرن ششم به بعد می‌بینیم که عرفان و ادبیات فارسی با بحث صلح گره خورده است و این پیوند دوشاخه‌ی اصلی دارد؛ شاخه‌ی تئوریک و شاخه‌ی شهودی. شاخه‌ی تئوریک، ریشه در آثار محی‌الدین ابن‌عربی دارد و شاخه‌ی شهودی، ریشه در اشعار و آثار عطار، سنایی، مولوی و عبدالرحمن جامی دارد. مولانا در شعری بیان می‌دارد؛

عطار روح است و سنایی دو چشم او
ما از پی سنایی و عطار آمدم

دکتر صادقی‌زاده یادآور شد که، از قرن ششم به بعد صلح با خویشتن و صلح با جهان مطرح می‌شود. این تفاوت صلح در عرفان با معنای مدرن صلح است که در صلح با دیگری تعریف می‌شود و در آثار عارفان آن دوره می‌بینیم که بحث صلح با خویشتن و صلح با جهان مطرح می‌شود. آنجا که مولانا بیان داشته؛

من که صلحم دایما با این پدر
این جهان چون جنتستم در نظر

در ادامه دکتر پاکتچی سخنرانی خود را آغاز کرد و گفت: نمی‌توان انکار کرد که پیشرفت علوم در دو سده‌ی اخیر، در عین رفاهی که برای بشر به ارمغان آورده، موجب گسترش دامنه‌ی جنگ‌ها و افزایش آسیب‌های آن شده است؛ پوشیده نیست که آمار کشتگان و صدمه‌دیدگان دو جنگ جهانی و جنگ‌های دیگر پس از آن، به نوعی دستاورد پیشرفت علوم است و امروز خطرناک‌ترین تهدیدها برای انسان، سلاح‌های پیشرفته‌ای هستند که از آخرین دانش بشری در فیزیک، شیمی و علوم زیستی بهره می‌جویند.

وی یادآور شد: با بهره‌گیری از الگوهای نشانه‌شناسی فرهنگی، می‌توان گفت، رشد شگرف علوم طبیعی و مهندسی در حالی که نسبت به علوم انسانی کم‌توجهی آشکاری صورت گرفته، موجب شده است تا علم در مسیر کلی خود، بیشتر و بیشتر در راستای فرهنگ‌زدایی از زندگی و ذهن انسان‌ها حرکت کند و به‌طور روزافزون بر بی‌معنایی و طبیعی‌شدگی او دامنه زند؛ طبیعی شدن نه به معنای مثبت آن، بلکه به معنای کمینه شدن و روبه اضمحلال نهادن فرهنگ که نتیجه‌ی آن جایگزین شدن قاعده‌های فرهنگی با قانون جنگل، دوراندیشی با لذت‌جویی آنی و استدلال با زور و خشونت است.

رئیس پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری در ادامه خاطرنشان کرد: در چنین شرایطی آشکار است که زمینه برای بروز جنگ‌ها بسیار مستعد می‌شود و کوچک‌ترین برانگیزنده‌ها می‌تواند به جنگی هولناک بیانجامد. شاخه‌های مختلف علوم انسانی که موضوع مطالعه‌ی آنها ابعاد مختلف زندگی انسان است، با وجود تنوع بسیار همگی متمرکز بر معنا و امور معنادار برای انسان هستند و توسعه‌ی این علوم، زمینه‌ی توسعه یافتن معناداری و معناگرایی در زندگی انسان‌ها را فراهم می‌آورد. این امر خود موجب التیام فرهنگ‌زدایی‌های صورت گرفته و تقویت ساختارهای فرهنگی از یکسو و ایجاد زمینه برای روابط بین‌فرهنگی و گفت‌وگو میان جوامع انسانی از سوی دیگر می‌شود که نتیجه‌ی آن کاهش روحیه جنگ‌طلبی و راه جستن به سوی صلح و استفاده از صلح به جای خشونت است. در پایان جلسه، دکتر پاکتچی ضمن تشکر از حاضرین نشست، یادآور شد که نظرها و پرسش‌های خود را به ایشان ارسال کنند تا در اولین فرصت پاسخ داده شود.



ساماندهی بحث استعاره و تقسیمات متشّت آن در بلاغت فارسی

چهل و سومین کرسی ترویجی عرضه‌ی و نقد ایده‌ی علمی با عنوان «ساماندهی بحث استعاره و تقسیمات متشّت آن در بلاغت فارسی» ۲۴ آبان‌ماه ۱۳۹۹ در پژوهشگاه علوم انسانی به صورت مجازی برگزار شد. در این نشست دکتر سعید شفیع‌یون (عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان)، ارائه‌کننده و ناقدین این نظریه دکتر علیرضا نیکوئی (عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان) و دکتر مریم مشرف (عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی) و مدیر علمی نشست دکتر سیده‌مریم عاملی رضایی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه) بودند.

دکتر عاملی رضایی مدیر علمی در ابتدای جلسه توضیح داد مسئله‌ی بلاغت در فارسی حاکی از آن است که در برخی قسمت‌های آنها اعم از تعاریف و ساختار و تقسیم‌بندی‌ها پریشانی و سست‌پیوندی به چشم می‌آید. کم‌نیستند تناقض‌ها و هم‌پوشانی‌های این حوزه که بخشی ناشی از عدم تناسب زبان و ادب پارسی با مباحث بلاغی کلاسیک و جدید که خاستگاه غربی و یا عربی است (مثل بحث استعاره در حرف در بلاغت عربی). بلاغت در هر زبان و فرهنگی، پیچیدگی خاص خود را دارد، حال وقتی بین مسائل و دیدگاه‌های بلاغی چند زبان و ادبیات مختلف، همگرایی و اختلاطی به وجود می‌آید، بدیهی است که هرگونه تشّت و پریشانی در بحث محتمل می‌شود.



در ادامه دکتر سعید شفیع‌یون به ارائه‌ی ایده خود پرداختند و گفتند: عموماً آنان که با بلاغت سر و کار دارند، خود واقفند که در این دانش برخی تقسیمات متشّت است و تعاریف، بعضاً متناقض و پریشان تا به حدی که در تحلیل شواهد یکسان گاه نظرات متفاوت و حتی عکس ارائه شده است. به‌طور خاص باید گفت که در منابع بلاغی در خصوص استعاره عموماً دو چیز؛ یعنی استعاره در مقام هنر‌سازهای برجسته و وجه استعاری، با یکدیگر خلط گشته و موجبات سردرگمی بسیاری شده است. ویژگی‌ای که ما از آن با عنوان وجه استعاری یاد می‌کنیم؛ زیرا ذهن در تحلیل‌های ناخودآگاه خود در مواجهه با این نوع کلام، آن اسم توصیف شده را استعاره تصور می‌کند؛ در حالی که استعاره، با وجود ماهیت تشبیه‌اش از متفرعات مجاز است. در واقع با این رویکرد، پاره‌ای از جزم‌اندیشی‌ها و

چارچوب‌های بسته‌ی بیانی خودبه‌خود سست می‌شود؛ چرا که سیالیت خیال و قالب‌گریزی زبان، تا این حد مرزکشی‌های متکثر و متکلفانه و به‌خصوص غیرادبی را بر نمی‌تابد. استعاره‌ی اصیل، از نظر ما هنر‌سازهای دانسته شده که در همان ساختار مجازی‌اش، تصویری ارائه دهد که تا حد زیادی عینی و محسوس باشد، بنابراین استعاره‌هایی که بر مبنای تشبیه محسوس به محسوس باشند، با این دید، استعاره‌ای کامل به شمار می‌آیند و هرچه با عناصر معقول درآمیزد، که نوع تام و تمام آن تشبیه معقول به معقول است، در ذیل کنایه و تشبیه حالت و موقعیت خواهد گنجید و ضمناً تشبیهات عناصر انتزاعی به عناصر عینی، اساساً نوعی جاندارانگاری و تصویرسازی مبهم از جهانی شاعرانه است. همچنین از لحاظ ساختار زبانی، کانون استعاره یا اسمی است که توصیف می‌شود و ما از لحاظ دستوری، آن را با نام مسندالیه و یا نهاد می‌شناسانیم و یا کل صفت و حالت و فعلی است که به مسندالیه یا نهاد نسبت داده می‌شود و ما آن را با عنوان استعاره‌ی گزاره‌ای شناسانده‌ایم. این هر دو استعاره در بلاغت قدیم به ترتیب با نام‌های استعاره‌ی مصرحه و استعاره‌ی تبعیه شناخته می‌شده‌اند که بنا به آنچه گفته خواهد شد، نام‌گذاری دقیقی نیست. با این حساب می‌بینیم که جمله در زبان به لحاظ ساختاری بیش از این دو نوع استعاره را تاب نمی‌آورد و استعاره‌ی مشهور به مکینه، در تناقض کامل با تعریف و ساختار مجازی استعاره است و البته بیشتر نیز مخالف با چنین استعاره‌ای در برخی کتاب‌های بلاغی اشاره‌وار و پراکنده وجود داشته است.

در ادامه‌ی نشست، دکتر مشرف یکی از ناقدین این کرسی نکاتی را مطرح کرد: در طرح دکتر شفیع‌یون استعاره مصرحه همان نهاد است و استعاره‌ی تبعیه همان گزاره است تشخیص این دو چگونه می‌شود؟ مطالب بیان شده باید از هم تفکیک داده شوند چرا که باعث تناقض می‌شود. این تناقض به خاطر تفکیک نشدن موضوع است و



به خاطر وسیع تر بودن مباحث میباید مثلاً «در می نالد» استعاره است اما «در می گرید» اسناد مجازی است. ما در این ها یک فعلی را به غیر صاحب حقیقی آن نسبت داده ایم و باید از راه عقلانی آن وارد بحث شویم. درست است که شعر عرصه شهودی است ولی در آموزش این گونه نیست و باید عقلانی باشد. البته در برداشت خود ایشان بین «در نالیدن» با «در گریستن» تفاوت است؛ ولی از نظر ما در هر دوی این ها فعلی را به فعل غیر ما هوله استناد داده ایم؛ بنابراین استدلال ها گاهی خیلی قوی نیست مثلاً تحلیل تصویری. برای این تحلیل خواه یا ناخواه وارد فلسفه روان شناسی شویم؛ در حالی که استعاره به صورت پدیدارشناسی محض ما را به بحث هرمنوتیکی می رساند که از آموزش دور می شویم.



وی همچنین در ادامه افزود: ولی باز به ذهنیت گوینده باز می شود و نمی توانیم زمینه ی کلام را به کلی حذف کنیم. این فقدان روش باعث طرح مثال های زیاد شده که اگر روش داشته باشیم با دو مثال می توان مبحث قرینه را توضیح داد و از هم تفکیک کرد که کدام مهم تر هستند و کدام گمراه کننده و تلاش جدید و جالبی در نوع خودش است.

وی معتقد است: اگر هدف نفی استعاره مکنیه است این موضوع با عنوان تصریح شود یا طبقه بندی یعنی اگر بخواهیم به جدال قدما برویم باید با روش خودمان برویم اول باید تفکیک کنیم بعد یکی یکی رفع کنیم این گونه که مطالب در طرح آمده برای آموزش دادن ضعیف است.

سپس ناقد دوم، دکتر نیکوئی، چند نکته مطرح کرد که اهم آنها بدین قرار است: استعاره در واقع مجاز است یا تشبیه یا هر دو است؟ در جای دیگری گفته شده استعاره که هنر سازه تصویر سازی است که از ضرب تشبیه در مجاز حاصل شده است؛ ساختارش مجاز است و رویکردش تشبیهی. شما دو مبناء در نظر گرفته اید: ۱- ساختار مجاز ۲- رویکرد تشبیهی این موارد نیاز به توضیح دارد و تفاوت ساختار و رویکرد چیست؟

۱. وی معتقد است: آیا استعاره در ذیل مجاز قرار می گیرد ثم تشبیه یا نه اول تشبیه بعد جنبه ی انتقال یا نه هر دو با هم بعد سهم این ها چقدر می باشد. این قسمت بحث جالبی در باب اتساع و تأکید و تشبیه دارد که استعاره بر اساس مجاز یا این سه تا شکل می گیرد که این ها بحث هایی هستند که اتفاقاً کمک کنند به مطالبی که شما آنها را نقد می فرمایید.

وی مطرح کرد: شما استعاره را در وجه ادبی و تصویر هنری قرار می دهید و استعاره در وجه فضا سازی عمومی. استعاره به آن معنی نیست. تشخیص این خیلی مهم است که چگونه ممکن است یعنی ما در زبان روزمره با استعاره سرو کار داریم به طور بسیار وسیع؛ ولی ما این جا معیار نداریم!

در پاسخ ناقدین، دکتر شفیع یون گفت: که بین «ابر گریست» با «ابر نگرست» که خیلی هم شبیه به هم هستند، بنده توضیح دادم و معیار همان تصویر محسوس و عینی است؛ به عبارتی در استعاره، تمام حواس مشخص انسانی درگیر می شود؛ اما در «ابر نگرست» یک نوع روحیه جاندارانگاری حاکم است؛ ولی در این حد متوقف می ماند

مصاحبه با دکتر مریم قبادی دبیر هیأت اجرایی جذب اعضای هیأت علمی پژوهشگاه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بزرگترین نهاد پژوهشی رسمی و تخصصی علوم انسانی، برآمده از چندین مؤسسه‌ی پژوهشی، با بیش از نیم قرن سابقه در عرصه‌های علمی و تحقیقاتی، وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که با فراز و فرودهایی که در گذر زمانی پنجاه و اندی ساله داشته اما، هیچ‌گاه از مسیر توسعه باز نایستاده و بلکه روند روبه‌رشد آن در سال‌های اخیر برای همگان، به‌خصوص برای کسانی که سابقه‌ی حضور بیشتری در پژوهشگاه دارند، امری عیان و بی‌نیاز از بیان است. هرچند در این راستا باید تلاش‌ها بیشتر شود، اما توفیقاتی که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در عرصه‌های علمی کسب کرده و روبه‌روز در حال افزایش است (و قطعاً نسبت به گذشته، غیرقابل مقایسه) حاصل تلاشی جمعی است که در بخش‌های مختلف آن صورت گرفته است. یکی از عوامل مؤثر در ارتقاء جایگاه علمی پژوهشگاه، علاوه بر وجود برنامه راهبردی و پایش تمام فعالیت‌ها بر این محور، تقویت هرم تخصصی اعضای هیأت علمی با جذب و به‌کارگیری نیروهای متخصص، جوان، نخبه، با انگیزه، با توانایی شناخت و مهارت در به‌کارگیری شیوه‌های نوین تحقیق در حوزه‌های تخصصی و آشنا با مراکز پژوهشی مرتبط داخلی و بین‌المللی و آگاه از استانداردهای روزآمد پژوهش و ... است. در این شماره از خبرنامه با دکتر مریم قبادی، دبیر هیأت اجرایی جذب پژوهشگاه مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم که در ادامه از نظرتان می‌گذرد

* به‌عنوان اولین سؤال، دبیرخانه در چه زمینه‌هایی فعالیت دارد؟

در واقع، این دبیرخانه محل هماهنگی، اجرا و پیگیری مصوبات و امور جاری «هیأت اجرایی جذب اعضای هیأت علمی»، به‌عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و رسیدگی به امور اعضای هیأت علمی، در زمینه جذب، تبدیل وضعیت، انتقال و مأموریت است. به لحاظ ساختار، ذیل حوزه‌ی ریاست پژوهشگاه فعالیت دارد.

* لطفاً بفرمایید، اعضای این هیأت چگونه انتخاب می‌شوند؟

این هیأت ترکیب‌یافته از اعضای حقوقی (رئیس پژوهشگاه و نماینده نهاد رهبری) و اعضای حقیقی (شماری از اعضای هیأت علمی به پیشنهاد رئیس دستگاه و با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی) که به مدت چهارسال



با حکم دبیر هیأت مرکزی جذب به عضویت این هیأت منصوب می شوند. باید افزود، هیأت اجرایی پژوهشگاه، علاوه بر تصمیم‌گیری در مورد جذب، انتقال و تبدیل وضعیت اعضای هیأت علمی این پژوهشگاه، رسیدگی به امور مشابه اعضای علمی ۷ مؤسسه پژوهشی دیگر (از مؤسساتی که هیأت اجرایی ندارند) را نیز بر عهده دارد.

البته کارگروه‌های علمی (اعم از جذب و تبدیل وضعیت) در این مؤسسات برگزار می‌شود؛ ولی اعضای آن باید به تأیید رئیس هیأت اجرایی رسیده باشد. گزارش ارزیابی این کارگروه‌ها به دبیرخانه اعلام می‌گردد. افزون بر این، بررسی صلاحیت عمومی تمام اعضای این مؤسسات، در تمام مراحل بر عهده دبیرخانه است. مؤسسات اقماری ۷ گانه از این قرارند: پژوهشکده بیمه، پژوهشکده علوم انسانی وابسته به بنیاد دایرة المعارف اسلامی، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع تخصصی جمعیت کشور.

لازم به یادآوری است، بنیاد دانشنامه نگاری، که اینک در شمار یکی از پژوهشکده‌های پژوهشگاه است، پیش‌تر، در شمار این مؤسسات بود.

بنابراین، مرجع نهایی تصمیم‌گیری در خصوص جذب، تبدیل وضعیت و انتقال اعضای هیأت علمی، هیأت اجرایی جذب است. پرونده کامل متقاضیان در جلسات هیأت اجرایی جذب مطرح می‌شود و در خصوص صلاحیت آنان (اعم از علمی و عمومی) برای جذب، تبدیل وضعیت استخدامی، انتقال یا ماموریت آنها تصمیم‌گیری می‌شود.

* در مورد فرایند جذب بفرمایید، چه روندی دارد؟

همان‌طور که می‌دانید، هیأت مرکزی جذب در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، یکی از دو شاخه‌ی اصلی «هیأت عالی جذب» در شورای عالی انقلاب فرهنگی است. هیأت مرکزی در هر سال، به طور متمرکز برای شرکت داوطلبان عضویت هیأت علمی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، در دو مرحله (اینک اما در یک مرحله) اعلام فراخوان دارد. واجدان شرایط در سراسر کشور، در یک زمان از طریق سامانه نور رضوی می‌توانند در این فراخوان‌ها شرکت کنند.

مرکز نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با توجه به ضوابط و معیارهایی خاص، مجوز جذب تعداد محدودی عضو هیأت علمی برای هر یک از نهادهای علمی را صادر می‌کند. بر اساس این مجوز، میزان سهمیه هر رشته، به طور دقیق (و غیرقابل تغییر) به هیأت مرکزی جذب اعلام می‌شود تا در فراخوان اعمال گردد.

پس از اتمام زمان فراخوان عمومی، درخواست‌های متقاضیان به دبیرخانه هیأت اجرایی دانشگاه‌ها و مؤسسات از جمله دبیرخانه هیأت اجرایی جذب پژوهشگاه اعلام می‌گردد. کارشناسان جذب، ضمن دانلود درخواست‌های



دریافتی، آنها را برپایه‌ی آیین‌نامه‌ها و ضوابط قانونی از قبیل شرط سنی، رزومه، رشته و گرایش پالایش می‌کنند.

بررسی توانمندی علمی داوطلبان، یکی از اصلی‌ترین وظایف دبیرخانه است. دبیرخانه در راستای ایفای این وظیفه، برای معرفی اعضای این کارگروه از پژوهشکده‌های ذی‌ربط و مرتبط با تخصص و رشته اعلام‌شده، نظر مشورتی می‌گیرد.

*** در انتخاب استادانی که در فرایند مصاحبه‌ی علمی با داوطلبان شرکت می‌کنند چه معیارهایی را در نظر گرفته می‌شود؟**

دبیرخانه از پژوهشکده‌ها می‌خواهد اعضای کارگروه بررسی توانمندی علمی را در رشته و گرایش مورد نظر طبق ضوابط خاصی معرفی کنند، مثل این که افراد معرفی شده باید دارای حداقل مرتبه علمی دانشیار بوده، در حوزه تخصصی و مرتبط با رشته داوطلب باشند، حداقل دوفرد از خارج از پژوهشگاه باشند و حتی‌الامکان این افراد از یک دانشگاه بخصوص نباشند.

دبیرخانه دقت دارد اعضای معرفی شده با داوطلبان نسبتی علمی (استاد راهنما، مشاور) یا خویشاوندی نداشته باشند. حتی اگر پس از مصاحبه مشخص شود چنین رابطه‌ای وجود داشته، نتیجه را ابطال می‌کند یا خواستار تجدید مصاحبه یا حذف فرد برگزیده منتسب به یک عضو کارگروه خواهد شد.

*** چه معیارهایی در جذب اعضای هیأت علمی جدید مورد توجه دبیرخانه است؟**

علاوه بر ضوابط و مقررات آیین‌نامه‌ای، قطعاً مهم‌ترین معیار، سطح علمی داوطلب است، این که داوطلب در حوزه تخصصی‌اش، صاحب‌نظر باشد با گستره‌ی دانش در رشته و تخصص خود آشنا باشد، دست کم در یکی از ساحت‌های علمی - تخصصی خود تحلیل‌های قابل دفاع داشته باشد. اینجا صرف محفوظات و اطلاعات جایگاهی ندارد، بلکه بیشتر روحیه پرسشگری، نقادی و توان پژوهشی داوطلب مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد.

راه تشخیص این ویژگی اساسی، ارزیابی آثاری است که از وی تا آن زمان منتشر شده است و البته قدرت پاسخ‌گویی به پرسش استادان در حوزه‌ای که خود داوطلب با ارائه‌ی طرح پژوهشی آن را تعیین می‌کند. بدیع بودن طرح و ایده‌ی پژوهشی، تسلط و قدرت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و نحوه‌ی دفاع از ایده تا حد زیادی نشانگر سطح علمی داوطلب خواهد بود.

به‌علاوه، تسلط یا دست‌کم آشنایی به یکی، دو زبان خارجی، میزان شناخت و مهارت وی در به‌کارگیری شیوه‌های نوین تحقیق در حوزه تخصصی‌اش، آشنایی با مراکز پژوهشی مرتبط داخلی و بین‌المللی، آگاهی از استانداردهای روزآمد پژوهش و نیز هر یک، در شناخت روحیه‌ی پژوهشی و گستره و سطح آن تعیین‌کننده است.

گفتنی است، تمام تلاش ما این است که مصاحبه‌شوندگان احساس امنیت و آرامش داشته باشند؛ چون به طور طبیعی، فضای مصاحبه استرس‌زاست. حتی گاه شده کمی از زمان جلسه‌ی مصاحبه با ورود داوطلب، به شوخی و خوش‌وبش می‌گذرد تا از این جهت مطمئن شویم که داوطلب در شرایط روحی مناسبی قرار دارد. تجربه نشان داده کسانی هستند که بالاترین استعدادها را دارند اما در این شرایط ممکن است دچار استرس شده و نتوانند توانایی‌های خودشان را به نمایش بگذارند. پس این وظیفه‌ی ماست تا با تلطیف فضا به آنها اطمینان و آرامش لازم را القا کنیم. و به حول و قوه‌ی الهی در این زمینه موفق بودیم.

در زمان مصاحبه، ضمن بررسی دقیق مدارک و مستندات متقاضیان، بر اساس معیارهای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی به این آثار امتیاز داده می‌شود.

گزارش برگزاری کارگروه در اختیار هیأت اجرایی قرار می‌گیرد. هیأت پس از بررسی روندکار و امتیازات، واجدین شرایط را (که اغلب دارندگان بالاترین امتیاز) هستند، جهت ادامه روند تأیید می‌نماید. کاربرد امتیازات جهت ادامه فرایند، در سامانه نور رضوی بارگذاری می‌شود و پرونده داوطلب وارد مرحله استعلام می‌شود. دریافت پاسخ استعلام از مراکز سه‌گانه، تقریباً ۲ تا ۳ ماه به‌طول می‌انجامد.

پس از وصول تأییدیه صلاحیت فرد از این سه نهاد، دبیرخانه موظف است برای برگزاری جلسه کارگروه عمومی برنامه‌ریزی کند. اما اگر جواب استعلام‌ها خوب نباشد، دستور توقف فرایند جذب به دبیرخانه ابلاغ و پرونده بایگانی می‌شود.



* اگر ممکن است کمی درباره‌ی کارگروه عمومی توضیح دهید. ترکیب اعضای آن چگونه است؟

این کارگروه متشکل از نماینده نهاد رهبری در دانشگاه‌ها و تعدادی از اعضای هیأت علمی است که با پیشنهاد رئیس پژوهشگاه و تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی و با حکم دبیر هیأت مرکزی جذب، برای چهارسال به عضویت این کارگروه درخواست خواهند آمد.

در پژوهشگاه، علاوه بر این اعضا، یکی از اعضای هیأت اجرایی به‌عنوان نماینده رئیس مؤسسه در این جلسات حضور دارد.

وظیفه این کارگروه، ارزیابی صلاحیت عمومی داوطلبانی است که در مرحله علمی پذیرفته شده‌اند. این ارزیابی از طریق مصاحبه با متقاضیان و بر اساس معیارهای مصوب و مورد تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی، انجام می‌گیرد.

در این جلسه هم تلاش بر حفظ حرمت و کرامت این عزیزان و برخورد‌های گرم و صمیمانه است تا گفت‌وگو در محیطی امن و آرام انجام گیرد.

پس از تأیید فرد توسط کارگروه عمومی، کل پرونده (شامل نتیجه مصاحبه علمی و عمومی، نتیجه استعلام، رزومه و ...) در هیأت اجرایی مطرح می‌شود که اصطلاحاً می‌گوییم صلاحیت عمومی وی در جلسه هیأت اجرایی مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از تأیید هیأت اجرایی پرونده به صورت الکترونیکی و نیز فیزیکی برای هیأت مرکزی جذب، جهت بررسی نهایی و تأیید فرستاده می‌شود.

در صورت تأیید و ابلاغ رأی موافقت با عضویت پیمانی، از سوی رئیس هیأت اجرایی، مجوز صدور حکم پیمانی وی، به معاونت مالی، اداری و مدیریت منابع ابلاغ می‌شود.

در صورتی که عضویت پیمانی داوطلب، تأیید نشده باشد، دبیرخانه به‌جداً پیگیر موضوع خواهد بود. اما مواردی هم بوده که تلاش‌ها حاصلی نداشته است.

* دبیرخانه در زمینه‌ی تبدیل وضعیت چه نقشی دارد؟

تبدیل وضعیت، انواع مختلفی دارد، راتبه به پیمانی، طرح سربازی به پیمانی، کارشناس به پیمانی، پیمانی به رسمی آزمایشی و رسمی آزمایشی به رسمی قطعی. البته در حال حاضر کارشناس به پیمانی ممنوع بوده، طرح سربازی نیز تقریباً اجرا نمی‌شود، ولی راتبه به پیمانی به صورت محدود وجود دارد.

عمده پرونده‌ی تبدیل وضعیت‌ها مربوط به دو مورد (۱) از پیمانی به رسمی آزمایشی (۲) از رسمی آزمایشی به قطعی است.

تبدیل وضعیت به رسمی قطعی: امور مربوط به بررسی صلاحیت علمی متقاضیان تبدیل وضعیت از آزمایشی به قطعی، تحت نظارت هیأت ممیزه انجام می‌گیرد. اما بحث استعلام از مراکز سه‌گانه و بررسی صلاحیت عمومی آنان در دبیرخانه‌ی هیأت اجرایی پیگیری می‌شود و نهایتاً در هیأت اجرایی درباره‌ی آن تصمیم‌گیری می‌شود.

تبدیل وضعیت به رسمی آزمایشی: امور مربوط به تبدیل وضعیت پیمانی به رسمی آزمایشی اعم از بررسی صلاحیت علمی و صلاحیت عمومی تحت نظارت هیأت اجرایی انجام می‌گیرد. این متقاضیان پس از گذشت حداقل ۲ سال از زمان تأیید پیمانی و براساس مصوبه هیأت اجرایی با داشتن ۴ پایه می‌توانند درخواست تبدیل وضعیت بدهند. بدین منظور باید کاربرگ‌های مخصوص را تکمیل نموده و به همراه مستندات دسته‌بندی شده و منظم به دبیرخانه تحویل دهند.

پس از بررسی‌های اولیه این جداول از سوی کارشناسان دبیرخانه و رفع اشکالات، کاستی‌ها، تطبیق با مستندات و ... در صورتی که امکان کسب امتیاز لازم برای متقاضی وجود نداشته باشد (یا احتمالش کم باشد)، دبیرخانه از وی می‌خواهد پس از تقویت رزومه مجدداً پرونده را به گردش بیندازد.

اما اگر امکان کسب امتیاز لازم به نظر کارشناسان وجود داشته‌باشد، پرونده در دو بخش، به جریان می‌افتد:



۱). درخواست تشکیل کمیسیون ماده ۱ از معاونت کاربردی سازی علوم انسانی و فرهنگی. این کمیسیون در معاونت تشکیل و نتیجه‌ی آن به دبیرخانه اعلام می‌شود.

۲). برگزاری کارگروه بررسی توانمندی علمی در رشته تخصصی داوطلب و بررسی مستندات و امتیازدهی اعضای این کارگروه به آثار و فعالیت‌های ارائه شده.

برای برگزاری این کارگروه، مثل جذب، با مکاتبه با رئیس پژوهشکده درخواست معرفی اعضای کارگروه صورت می‌گیرد. در غیاب عضو هیأت علمی، آثار و دستاوردهای علمی (آموزشی، پژوهشی و اجرایی) وی به دقت توسط استادان حاضر در جلسه، بررسی و بر اساس آیین‌نامه ارتقاء، امتیاز داده می‌شود. در صورت کسب امتیازهای لازم، صلاحیت علمی وی برای تبدیل وضعیت در این مرحله مورد تأیید قرار می‌گیرد. پس از بارگذاری این کاربرگ‌ها در سامانه رضوی، باز روند استعلام در این مرحله تکرار می‌شود.

پس از دریافت نتیجه استعلام‌ها و برگزاری کارگروه عمومی، در صورت تأیید صلاحیت عمومی، پرونده کامل تبدیل وضعیت (به رسمی آزمایشی یا قطعی) در هیأت اجرایی مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تأیید هیأت اجرایی برای بررسی و تأیید نهایی، به صورت الکترونیکی و فیزیکی برای هیأت مرکزی جذب ارسال می‌شود.

پس از عبور از این مراحل و عدم بروز مانعی، مجوز تبدیل وضعیت به دبیرخانه ابلاغ خواهد شد. آنگاه، از سوی رئیس هیأت اجرایی، این مجوز جهت صدور حکم تبدیل وضعیت از پیمانی به آزمایشی، به معاونت مالی، اداری و مدیریت منابع ابلاغ می‌شود.

نحوه انتقال اعضای هیأت علمی به پژوهشگاه چگونه است؟

یکی دیگر از زمینه‌های خدماتی این دبیرخانه، رسیدگی به درخواست‌های انتقال اعضای هیأت علمی از دانشگاه‌ها و مراکز علمی دیگر به پژوهشگاه است.

همین‌جا از فرصت استفاده کنم و به اطلاع همکاران گرامی برسانم که به دلیل وجود برخی مشکلات و طولانی بودن فرایند جذب عضو هیأت علمی، ترجیح مسئولان پژوهشگاه این است که از ظرفیت انتقال اعضای علمی استفاده کنند.

هر چند این انتقال، به دلیل وجود مشکلاتی در نقل ردیف استخدامی از شهرستان به تهران، برای اعضای علمی غیر تهرانی تقریباً فریب به محال می‌نماید، اما در مورد انتقال از دانشگاه‌ها و مراکز علمی تهران به پژوهشگاه کاملاً امکان اجرا دارد و بسیار هم مطلوب است. شایسته است، پژوهشکده‌ها برای تأمین یا تکمیل کادر علمی خود را از این فرصت به نحو شایسته استفاده کنند.

دبیرخانه پس از وصول هر درخواست انتقال، ضمن مکاتبه با رئیس پژوهشکده مرتبط با رشته تخصصی متقاضی، از ایشان می‌خواهد با بررسی رزومه‌ی داوطلب، در شورای پژوهشی پژوهشکده، در خصوص این تقاضا اعلام نظر کنند.

گاهی پژوهشکده‌ها از دبیرخانه می‌خواهند برای داوطلب انتقال، کارگروه علمی تشکیل دهد تا آثار و دستاوردهای علمی وی در آن جلسه مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا پس از آن، نظر نهایی خود را اعلام کنند. در صورت موافقت پژوهشکده با تقاضای انتقال عضو هیأت علمی، گزارشی از گردش کار آن در هیأت اجرایی مطرح می‌شود. در صورتی که این انتقال محظورات قانونی نداشته باشد، در آغاز با مأموریت یکساله‌ی داوطلب موافقت می‌شود و در صورت رضایت از عملکرد وی، در سال بعد، انتقال دائم محقق خواهد شد.

*** حرف یا نکته‌ی خاصی اگر دارید بفرمائید؟***

از شما سپاسگزارم که این فرصت را فراهم آوردید تا بتوانم دبیرخانه‌ی جذب را با جزئیات و دقایق بیشتری به همکاران فرهیخته‌ام معرفی کنم. مایلم اعلام کنم، دبیرخانه‌ی جذب افتخار دارد با تکیه بر موازین، مقررات و ضوابط نه تنها زمینه‌ی ورود و جذب نخبگان جوان را تسهیل کرده است، بلکه در سطحی فراتر در جهت اصلاح و بهبود این فرایند، گام‌های مؤثری برداشته و حضوری فعال و اثرگذار در این میان داشته است. برای نمونه، این دفتر در جهت اصلاح وضعیت فرایند جذب، در ارتباط مستمر و پیگیر با هیأت مرکزی جذب، آنان را متقاعد ساخت که کاربرگ‌های بررسی توانایی علمی داوطلبان بر اساس معیارها و استانداردهای پژوهشی باید تغییر کند. (لازم به ذکر است که کاربرگ‌هایی که داوطلبان، بر اساس آنها ارزیابی می‌شدند، با معیارهایی آموزشی تنظیم شده بود و غالب داوران در زمان اعطای امتیازها، با مشکلات جدی مواجه بودند و بعضاً ممکن بود حقوقی از داوطلبان ضایع شود).

پس از تشکیل پنج جلسه نیم‌روزی در وزارت علوم و با حضور ۵ مؤسسه‌ی دیگر پژوهشی، این پیشنهاد دبیرخانه پژوهشگاه، به ثمر رسید و کاربرگ‌های جدید بر اساس معیارهای پژوهشی، طراحی شد. پس از بررسی دقیق و نهایی شدن، برای ارائه به شورای عالی انقلاب فرهنگی آماده شد و سرانجام پس از تصویب در این شورا به تمام مراکز پژوهشی در سراسر کشور ابلاغ شد.

افزون بر این، جذب پژوهشگاه، به دلیل تعامل فعال و منظم با هیأت مرکزی جذب، از سوی وزارت علوم تحقیقات و فناوری به‌عنوان قطب جذب ۷ مؤسسه و مرکز پژوهشی تعیین شده است، که این، خود، زمینه‌ی برقراری ارتباط گسترده، عمیق و جدی‌تر پژوهشگاه با سایر مراکز پژوهشی را فراهم ساخته است

* تحلیل شما از عملکرد دبیرخانه‌ی جذب پژوهشگاه علوم انسانی در دوران اخیر (از سال ۹۲ به بعد) چیست؟ چه دستاوردهایی داشته است؟

پژوهشگاه علوم انسانی، بزرگترین نهاد پژوهشی رسمی و تخصصی علوم انسانی، برآمده از چندین مؤسسه‌ی پژوهشی، با بیش از نیم قرن سابقه در عرصه‌های علمی و تحقیقاتی، وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که با وجود فراز و فرودهایی که در گذر زمانی پنجاه و اندی ساله‌اش داشته اما، هیچگاه از مسیر توسعه باز نایستاده، بلکه روند رو به رشد آن در سال‌های اخیر برای همگان، به‌خصوص برای کسانی که سابقه‌ی حضور بیشتری در پژوهشگاه دارند، امری عیان و بی‌نیاز از بیان است.

هرچند ممکن است پژوهشگاه، با وضع آرمانی فاصله داشته باشد، اما توفیقات رو به افزایشی که در عرصه‌های علمی کسب کرده (و قطعاً نسبت به گذشته، غیرقابل مقایسه است) حاصل تلاشی جمعی است که در بخش‌های مختلف آن صورت گرفته است.

یکی از عوامل مؤثر در ارتقاء جایگاه علمی پژوهشگاه، علاوه بر وجود برنامه راهبردی و پایش تمام فعالیت‌ها بر این محور، تقویت هرم تخصصی اعضای هیأت علمی از طریق جذب و به‌کارگیری پژوهشگرانی توانا، متخصص، نخبه، ایده‌پرداز، مسئله‌شناس، ژرف‌نگر و با نگاه به افق‌هایی بلند بوده است. کسانی که در به‌کارگیری شیوه‌های نوین تحقیق در حوزه‌های تخصصی خود صاحب مهارت‌اند، با مراکز پژوهشی تخصصی داخلی و بین‌المللی آشنا هستند و استانداردهای روزآمد پژوهش را به‌خوبی می‌شناسند.

گواه صدق این ادعا، کسب بیش از ۹ جایزه از جشنواره‌های مختلف علمی بین‌المللی و داخلی: فارابی، کتاب سال، جشنواره پایان‌نامه‌های دانشجویی، سینمایی، جایزه بین‌المللی علم اطلاعات و دانش‌شناسی و... توسط این پژوهشگران جوان و بانگیزه است.

حضور در عرصه‌های گوناگون علمی بین‌المللی شاهد دیگری است بر زمان‌شناسی، مخاطب‌آشنایی و ... که با هدف صیانت از جایگاه علمی پژوهشگاه و ارتقاء همه‌جانبه آن در سطوح ملی و بین‌المللی صورت گرفته است.

در مجموع در این دوره‌ی حدوداً ۷ ساله، بیش از ۵۴ نفر به‌عنوان عضو هیأت علمی در رشته‌های مختلف از بهترین‌های دانشگاه‌های ایران و خارج از کشور در پژوهشگاه جذب و مشغول به کار شده‌اند.

۷۰ نفر از همکاران پژوهشگاه طی این مدت، تبدیل وضعیت یافته‌اند:

۲۵ نفر به رسمی قطعی تبدیل وضعیت یافته‌اند.

۳۹ نفر به رسمی آزمایشی تبدیل وضعیت یافته‌اند.

۶ نفر تبدیل وضعیت از راتبه به پیمانی داشته‌اند.

گفتنی است آمار مربوط به تبدیل وضعیت و جذب اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های اقماری به طور جداگانه و در قالب نمودارهایی ارائه شده است.

در موضوع انتقال، از میان ده‌ها تقاضا، سه مورد منجر به انتقال دائم شده و دو متقاضی دیگر در مرحله آزمایشی مأموریت قرار دارند و بقیه‌ی درخواست‌ها مورد موافقت قرار نگرفتند.

این مواردی که مطرح شد، گوشه‌ای از فعالیت این دبیرخانه در این چند سال اخیر است که در حد توان کوشیده است با شفافیت در محیطی امن، فضایی سالم و به دور از اعمال نظرهای شخصی و بی‌ضابطه، بهترین گزینه‌ها را از میان واجدان شرایط برگزیند و ثمر آن، اینک در معرض قضاوت اهل دقت و نظر قرار دارد.

ما این توفیقات را مَرهُونِ بِنیانِ صدق و شجره‌ی طیبه‌ای می‌دانیم که استاد فقید مرحوم دکتر صادق آئینه‌وند بنا نهاد و تَوْتی اَکْهَما کُل حَینِ بِلِذْنِ رَبِّهَما....

با آرزوی سلامتی و بهروزی برای شما و همه‌ی همکاران گرامی در پژوهشگاه



نشست مشترک پژوهشگاه و مرکز مطالعات راهبردی ناجا

روز چهارشنبه، دوم مهر ماه ۱۳۹۹، دکتر قبادی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی میزبان جانشین «مرکز مطالعات راهبردی ناجا» دکتر نبی‌اله روحی و دکتر پاشایی، مسئول همکاری‌های علمی آن مرکز بود. این جلسه با همراهی دکتر زهرا پارساپور (معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی)، محمدعلی مینایی (عضو شورای مدیران و مشاور طرح جامع اعتلای علوم انسانی) دکتر سلمان صادقی‌زاده (مدیر فرهنگی)، دکتر الهام ابراهیمی (مدیر نوآوری و کاربردی‌سازی پژوهش‌های علوم انسانی) و دکتر سجادی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات اجتماعی پژوهشگاه) برگزار شد.

پس از قرائت آیاتی از قرآن کریم، دکتر قبادی ضمن خوشامدگویی به معرفی اعضای جلسه پرداخت. سپس دکتر روحی با معرفی مرکز مطالعات راهبردی ناجا، مأموریت‌های این مجموعه را تحلیل محیط اعم از ملی منطقه‌ای، محیط فرمانطقه‌ای و تحلیل تأثیر تحولات محیطی بر حوزه‌ی نظم و امنیت، تدوین و تبیین مکتب امنیت انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معماری ناجای آینده در چارچوب مکتب الگوی امنیت بومی انتظامی جمهوری اسلامی، تهیه طرح‌های راهبردی برای ناجا و حوزه‌های نظم و امنیت برای کل کشور و بالاخره نظریه‌پردازی و ایده‌پردازی برشمرد. وی در ادامه، نیاز عاجل این مجموعه را همکاری با مراکز علمی برشمرد و از همکاری با پژوهشگاه استقبال کرد.

در ادامه دکتر قبادی ضمن معرفی اجمالی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان قدیمی‌ترین و بزرگترین پژوهشگاه علوم انسانی در منطقه، ارتباط با طبقات مختلف دانش پژوهان و نهادهای گوناگون را جزو اولویت‌های پژوهشگاه دانست. در ادامه، دکتر پارساپور، ابراهیمی، مینایی، سجادی و صادقی‌زاده ضمن اشاره به مشترکات و زمینه‌های قابل همکاری دو طرف، موضوعاتی در این خصوص بیان کردند که دکتر روحی نیز ضمن استقبال از پیشنهادهای مطرح شده، حضور در میزهای تخصصی مرکز مطالعات راهبردی ناجا را از جمله راه‌های اصلی تعامل دو طرف دانست.

در انتهای جلسه طرفین ضمن ابراز تمایل به انعقاد تفاهم‌نامه، نمایندگانی را برای تسهیل و تسریع کار معرفی کردند.



مهر و آبان ۱۳۹۹

کرونا، قرنطینه در قاب روایت زنان

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری نشست تخصصی مجازی «کرونا، قرنطینه در قاب روایت زنان» را روز چهارشنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۹۹ با حضور دکتر الهام ملک‌زاده (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر سمیه تاجیک اسماعیلی (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)، برگزار کرد.



در ابتدای نشست دکتر سمیه تاجیک اسماعیلی، عضو هیأت علمی دانشگاه، بحث خود را بدین شرح آغاز کرد: طی چند ماه اخیر، کشورهای جهان با مشکل یکسانی به نام شیوع ویروس کرونا مواجه شده‌اند. اما نکته‌ی جالب توجه این است که واکنش‌ها به این ویروس و تبعات آن متفاوت بوده و هست. به‌عنوان نمونه زنان واکنش متفاوتی نسبت به مردان در مورد کرونا و قرنطینه داشته‌اند و به جرأت می‌توان گفت، زنان بیشترین تأثیرات را از کرونا و ایام قرنطینه چه در سطوح فردی، روانی، عاطفی و چه در سطوح خانوادگی و اجتماعی پذیرفته‌اند.

گسترده‌ی شیوع ویروس کرونا و گستره وسیع تأثیرات این بیماری در حوزه‌ها و ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و حتی فرهنگی به گونه‌ای است که بدون شک این ایام در تاریخ بشر دوره‌ای متفاوت را رقم می‌زند.

با توجه به اینکه زنان به‌عنوان محور اصلی خانواده، بیشترین تأثیر را بر روی سایر اعضای خانواده دارند، توجه به روحیات، تجارب و عواطف آنها به‌ویژه در این ایام از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. زنان با پایگاه اجتماعی، اقتصادی متفاوت و با نقش‌های گوناگون، اثرات متفاوتی را از قرنطینه تجربه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه زنانی با پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر، اثرات مثبتی را مشاهده کرده‌اند. این زنان به علت دورکاری، فرصت پیدا کرده‌اند که زمان بیشتری را با همسر و فرزندان خود سپری کنند یا حتی زمان بیشتری را برای خود و نیازهای عاطفی، روانی و جسمانی خود صرف کنند اما در این میان برخی زنان، به‌ویژه زنانی از پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر در این ایام نگرانی، استرس یا حتی خشونت بسیار بیشتری را متحمل شده‌اند.

در ادامه‌ی نشست دکتر الهام ملک‌زاده عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در خصوص نتایج روایت‌های زنان در دوران کرونا گفت: روزهای آخر سال ۱۳۹۸ در حالی به پایان رسید که در سراسر جهان پاندمی کرونا، خواب از چشم همگان و در صدر آن کادر درمان و پزشکی کشورهای مختلف ربوده بود. روزهایی پراضطراب، غمگین، پر از ترس و ناامیدی. بی‌معنی شدن دنیا و هرآنچه که دنیایی است. دور شدن از یکدیگر حتی مادر از فرزند، گویی آخرالزمان است. واقعاً هست. مگر آخرالزمان چه چیزی است که در ماه‌هایی که بر مردم دنیا رفته، تجربه نشده باشد. امان از سوداگران و فرصت‌طلبان که حتی با مرگ هم تجارت می‌کنند. گویی اصلاً برای این وجود دارند که در بدترین روزهای زمین نیز، کریه‌ترین چهره‌ی طمع و سودجویی غیرانسانی خود را به نمایش بگذارند. مهم نیست که از چه رنگ و نژادی هستند و در چه نقطه‌ای از جهان زندگی می‌کنند. غم و وحشت تلخ گسترش کرونا کم نیست که سوداگران مرگ هم بر سنگینی آن افزوده و پرپر شدن پرستاران و پزشکان و افراد دست‌اندرکار امداد و درمان بیماران کرونایی و تلف شدن سرمایه‌های کشورها، باز پوچی و بی‌ارزش بودن دنیا را به رخ می‌کشد. تناقض عجیبی است. دلزدگی غریبی است که با رساترین صدا تنها یک چیز را در اذهان تکرار می‌کند که دنیا فقط سراب دل‌فریبی است.

دکتر ملک‌زاده ادامه داد: حالا شوک اولیه‌ی کرونا پشت سر گذاشته شده، قرنطینه‌های اجباری و اختیاری هر دو در کشورهای مختلف تجربه شدند و مردم و مسئولان هر نقطه از جهان که درگیر این پاندمی شده‌اند، برای بیرون آمدن از مرداب کرونا، در تلاش‌اند. دانشمندان از نخستین روزها، همه‌ی توان علمی خود را برای شناسایی و راه‌های مقابله و تسلط بر این ویروس را می‌آزمایند، روان‌شناسان به صرافت نجات روان‌های پریشان شده در این جنگ یک‌طرفه بشر با موجودی ناشناخته افتاده‌اند. فعالان و محققان رشته‌های مختلف به تکاپو برای این‌که هریک با توجه به تخصص خود دست به کاری بزنند که حال دنیا را خوب کنند. وضعیت را بفهمند و برای عادی کردن شرایط، کاری کرده باشند. فرقی نمی‌کند از شیمی‌دان‌ها و متخصصانی که در ساخت و تولید



مواد شوینده و ضدعفونی کننده گرفته تا محققان حوزه‌های علوم اجتماعی و کسانی که برای بالا بردن بیشترین ایمنی در برابر نفوذ ویروس در کار ساخت و تولید پارچه و ماسک و سایر اقلام پیش‌گیرانه هستند. محققان تاریخ و مورخان نیز در زمره‌ی همین کسانی که در سراسر مناطق درگیر پاندمی کرونا در جهان، بی‌کار نماندند. برای خود رسالتی هم آفریدند. ثبت و ضبط حوادث، زنده نگه داشتن تلاش‌ها، از خودگذشتگی‌ها و اقدامات مردمی و دولتی در سراسر دنیا با هدف حفظ این اقدامات و تجربه‌های زیسته در بحران کرونا برای نسل‌های بعدی. گامی فراتر هم گذاردند و در گذشته‌ی پژوهشی در تاریخ بیماری‌های واگیر و اپیدمیک از لابه‌لای متون و اسناد، بدین



باور که کاربست تجربیات تاریخی و شناسایی اقدامات گذشتگان در موقعیت‌های مشابه تا چه حد می‌تواند با توجه به روحیات و وضعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی مناطق مختلف، مفید باشد. با این ملاحظه که در موقعیت‌های مشابه در گذشته کشورها و سرزمین‌ها از جمله ایران، کمک‌رسانی و انجام کارهای پشتیبانی و حمایت از ساکنان درگیر با بیماری، توسط حکومت‌ها چگونه بوده است و اساساً در سطور تاریخ چه گزارش‌هایی از این ایام به جای مانده است. با وجود همه‌ی پیشرفت‌های دنیای کنونی، اینک و در قرن‌نیمه‌های اختیاری یا اجباری، تا چه حد این پیشرفت‌ها کارآمد است؛ و آنجا که علم و پیشرفت راه ندارد یا کارایی لازم را ندارد، با توجه به تجربیات سرزمینی چگونه می‌توان امکان زندگی را مسیر کرد؟

ملک‌زاده افزود: در ایران نیز طی ایام قرن‌نیمه و ماه‌های گذشته، بازار داغی از سخنرانی‌های مجازی، وینارها و مقالات منتشر شده در این خصوص به راه افتاده است. بسیاری همچون موارد مشابه بر موج حادثه سوارند و به مرور به کلیشه‌هایی برای عقب‌نماندن از کاروان کرونا مسافر این امواج شده‌اند، برخی نیز در تلاشی ارزشمند و آرام، با همان هدف ثبت و ضبط روزهای تلخ جهان کنونی، دست به فعالیت‌های پژوهشی عمیقی زده‌اند. از آن جمله اقدام عالمانه گردآوری و ثبت تاریخ کرونا و بیماری‌های واگیر به منظور ثبت تاریخ طبقات عادی جامعه و به تعبیری دقیق‌تر تاریخ مردم است که به همت و هدایت دکتر داریوش رحمانیان به مرحله‌ی اجرا درآمده است.

موضوع کنونی نیز برای مشارکت در این اثر ارزشمند تهیه، تدوین و ارائه شده است (توسط خودم). با توجه به حوزه‌ی مطالعاتی تاریخ اجتماعی ایران در دوره‌ی معاصر و تاریخ زنان، تلاش شده با ثبت و ضبط دلنوشته‌ها، خاطرات، تجربیات و آثار تعدادی از زنان طبقات مختلف جامعه، ایام قرن‌نیمه ایشان به تصویر کشیده و مجموعه‌ای از این نوشته‌ها از زنان ایرانی ساکن شهرهای مختلف ایران و کشورهای دیگر تدوین شود. جامعه‌ی این پژوهش، زنانی با طیف‌های اجتماعی متنوع اعم از زنان دانشگاهی، خانه‌دار، معلم، هنرمند، فعال مدنی و سیاسی هستند که بعضاً بدون ذکر مشخصات، مگر در صورتی که مایل به معرفی خود بوده‌اند به آنها پرداخته شده است. در نوشته‌های این زنان هیچ‌گونه دخل و تصرف و ویرایشی به عمل نیامده و تلاش شده با حفظ سبک نوشتار و بازتاب افست و خیزهای روحی، احساسی و تمایلات قلبی‌شان که در این ایام و در قالب کلمات از آنها صادر شده، خاطرات و مطالب، ثبت و ارائه شود. طبیعتاً دسته‌بندی و تحلیل‌هایی که از روایت‌های زنان این مجموعه در خصوص خاستگاه و پایگاه طبقاتی هر یک، بازنگری در ترسیم فضای جامعه در ایام کرونا از دیدشان، کنش و واکنش‌های احساسی در مواجهه با مصائب و مشکلات ناشی از کرونا در ایام قحطی و ...، در این پژوهش لحاظ نشده است.

در پایان نشست دکتر ملک‌زاده تأکید کرد: در واقع تلاش شده است در زیر پوست کلمات این زنان، آرزوها، ترس‌ها، واقعیات و وضعیتی که بر زنان ایرانی طی ایام قرن‌نیمه و اوج تمهیدات پیش‌گیرانه جلوگیری از ابتلای به کرونا، نشان داده شود. با این هدف که در گام نخست، مجموعه روایت‌های زنان، از کرونا و ایام قرن‌نیمه تدوین و در گام بعدی، کار بررسی و تحلیل این روایات به پژوهش مستقل دیگری موکول شود. امید می‌رود این تلاش، بتواند گوشه‌ای از پرده‌ی جامعه‌ی این روزهای ایران از منظر زنان را کنار زده و در معرض دید آیندگان قرار دهد.

نشست تخصصی رویکردهای تحقیقی ادبیات تطبیقی

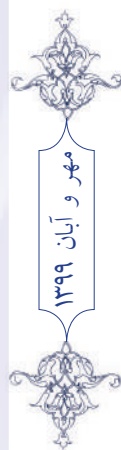
گروه عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در راستای انجام کلان مسئله‌ی «چالش‌های ادبیات تطبیقی در ایران»، نشست تخصصی «رویکردهای تحقیقی ادبیات تطبیقی» را با سخنرانی دکتر بهمن نامور مطلق (استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه شهید بهشتی) و با حضور اعضای گروه عربی شورای بررسی متون و چندین استاد متخصص حوزه‌ی ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های ایران در روز پنجشنبه مورخ ۸ آبان ۱۳۹۹ به صورت مجازی برگزار کرد. در این نشست تخصصی که به مدت سه ساعت به طول انجامید، ابتدا دکتر نامور مطلق به ارائه‌ی سخنرانی خویش پیرامون رویکردهای تحقیقی در ادبیات تطبیقی پرداخت. سپس حضار شرکت‌کننده در این جلسه به طرح سؤالات خود پرداختند و در نهایت دکتر نامور مطلق پس از پاسخ به این سؤالات جمع‌بندی نهایی خود را ارائه کرد. این سخنرانی به شرح ذیل تقدیم می‌شود.

ابتدا دکتر بهمن نامور مطلق ضمن قدردانی و تشکر از گروه عربی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی



بابت برگزاری چنین جلسات سودمند در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی، ابراز خرسندی کردند که استمرار چنین جلساتی منجر به بهبود وضعیت مطالعات حوزه‌ی ادبیات تطبیقی در ایران خواهد شد. وی با اشاره به یکی از مشکلات مهم ادبیات تطبیقی در ایران به‌ویژه در رشته‌ی ادبیات عرب در مقایسه با سایر رشته‌های فرانسه و انگلیسی یعنی نداشتن روش در تحقیقات گفت، بنده امروز بنا دارم که سخنرانی خود را در زمینه‌ی روش‌شناسی ادبیات تطبیقی ارائه کنم.

دکتر نامور مطلق ادامه داد: همان‌طور که می‌دانیم تطبیق امری بسیار مهم هست بنده تطبیق را در سه سطح تقسیم کرده‌ام که اشاراتی خدمت شما عرض می‌کنم. اولین آن سطحی هست که یک ویژگی عمومی برای شناخت هست و هر موجودی که دارای اختیار است برای انتخاب این اختیارات را دارد. انتخاب موقعی ممکن است که تطبیق و تنوع وجود داشته باشد به این منظور که هرکسی که دارای عقلانیت است، اختیار نیز دارد و هرکسی اختیار دارد، انتخاب نیز دارد و هرکسی که انتخاب دارد، تنوع نیز دارد و هر جا تنوع وجود دارد، تطبیق نیز وجود دارد. ما برای یک انتخاب باید تطبیق را انجام دهیم و این تطبیق موجب آن می‌شود که آن انتخاب را انجام دهیم. تفاوت انسان با بقیه موجودات این است که انسان، تطبیق را بیشتر از حیوان به کار می‌بندد. مسئله‌ی تحقیق منحصر به انسان نیست بلکه حیوانات نیز در انتخاب جفت به تطبیق دست می‌زنند. بنابراین، هر موجود زنده‌ای، خودبه‌خود از تطبیق استفاده می‌کند و انسان بیش از بقیه دارای انتخاب است و بیش از بقیه تطبیق انجام می‌دهد؛ به همین خاطر، به انسان موجود تطبیق‌گر گفته می‌شود. همان‌طور که فیلسوفان انسان را موجودی متفکر می‌نامند و روان‌شناسان انسان را دارای روان می‌دانند یا جامعه‌شناسان انسان را موجودی اجتماعی می‌دانند، ما تطبیق‌گران نیز از این منظر به انسان نگاه می‌کنیم و تفاوت انسان با حیوان را در تطبیق‌گری او می‌دانیم. بنابراین می‌توان چنین گفت که تطبیق عین شناخت است و اغلب جریان‌های فکری،



در این مورد اشتراک نظر دارند. اگرچه عده‌ای از فلاسفه همچون افلاطون قائل به این هستند که اگر تطبیق نباشد نیز می‌توان شناخت حاصل کرد اما دیگران معتقدند که تطبیق برای شناخت است مثل تشخیص رنگ سیاه از سفید. حتی تفاوت انسان‌ها نیز در تطبیق و انتخاب‌هایی است که انجام می‌دهد. اگر بتوانیم جامعه‌ای را تربیت کنیم که بتواند خوب تطبیق انجام دهد، این جامعه موفق‌تر خواهد بود اگر با مکانیزم‌های تطبیق آشنایی بیشتری داشته باشیم آن وقت پیشرفت سریع‌تری خواهیم داشت به این معنا که ما دائماً در حال تطبیق هستیم. پس انسانی که خوب بتواند تطبیق را انجام دهد خوب می‌تواند خرید کند و حتی در سیاست بهتر عمل کند. نکته‌ی دیگر این‌که، تطبیق به یک روش تبدیل شده است که همه‌ی علوم هم از آن استفاده می‌کنند؛ در کنار همه‌ی روش‌های تحقیق مثل کمی یا کیفی و اکتشافی، تجربی و... یکی از روش‌ها تطبیق است. پس تطبیق در این‌جا در یک مرحله بالاتر قرار می‌گیرد و شناخت کلی نیست بلکه یک روش تحقیقاتی است که ما آن را یک فراروش می‌دانیم چون فرا است و ما می‌توانیم در دل آن نقدهای مختلف را داشته باشیم.

در پروپزال نویسی به خاطر غلبه‌ی علوم اجتماعی بر دیگر علوم، دانشجو ملزم می‌شود که مشخص کند روش تحقیقش کمی است یا کیفی؟ کتابخانه‌ای است یا مصاحبه‌ای؟ ولی متأسفانه روش تطبیق نادیده گرفته می‌شود. روش تحقیق تطبیقی، فراروش به شمار می‌رود زیرا روش تطبیقی شیوه‌های رسیدن به یک روش است؛ شیوه‌هایی که در خدمت یک روش قرار می‌گیرد نه این‌که خودش یک روش باشند. عمدتاً در حوزه‌ی ادبیات بین سطح دوم و سطح سوم که بنده قصد دارم توضیح دهم، اشتباهی به وجود آمده است و آن این‌که ما سطح سوم را به جای سطح دوم به کار می‌بریم. در جایی فراروش در نظر گرفته می‌شود که ما آن را یک روش در نظر گرفتیم و آن را تکرار می‌کنیم اما سطح سوم که ما در نظر می‌گیریم رویکردهای تطبیقی هستند که در این قسمت کمی، رویکردهای تطبیقی رویکردهایی هستند که یک روش نیستند بلکه یک مجموعه‌ای هستند که در داخل آن روش و نظریه وجود دارد اما به‌صورت خرد در رویکرد است. نظریه، روش موضوع و خیلی مهم است که توضیح می‌دهد منابع مخصوص، اصطلاحات مخصوص دارد. پس سطح سوم تخصصی‌تر و خاص‌تر می‌شود و به دانش‌های تطبیقی مرتبط می‌شود این رویکرد است یعنی ما رویکردهایی داریم در تطبیق که مخصوص مطالعات تطبیقی هستند بلکه مخصوص تطبیقی در دانش‌های تطبیقی هستند.

رویکردهای تطبیقی یعنی رویکردهایی که مخصوص مطالعات تطبیقی در دانش‌های تطبیقی هستند. مجموعه‌های معرفتی با صورت‌بندی‌های مختلف وجود دارند که یکی از آنها به‌صورت ناب خودش مثل فیزیک و ریاضی هستند و یکی از آنها بینارشته‌ای‌ها است که تلفیق چندرشته است. یک صورت‌بندی دیگر وجود دارد که به آن دانش‌های تطبیقی می‌گویند که با نگرشی دیگر بر اساس تطبیق پیکره‌های مطالعاتی مختلف شکل گرفته است و ادبیات تطبیقی هم یکی از آنهاست که با آناتومی تطبیقی شروع می‌شود.

وی تأکید کرد: این دانش‌های تطبیقی به مطالعه‌ی پیکره‌های خود و دیگری می‌پردازند. یک خودفرهنگی ایرانی باید با یک دیگری فرهنگی تطبیق شود که بتوان آن کار را تطبیقی دانست. بنابراین باید روابط بین فرهنگی باشد تا بین فرهنگی شکل بگیرد. پس دانش‌های بینا تطبیقی با یک پارادایم یا با یک شکل معرفتی اروپاییان در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، شکل می‌گیرد و ادامه پیدا می‌کند. ادبیات تطبیقی یکی از شاخه‌های مهم ادبیات است که مأموریت آن روابط عمومی و روابط بین‌الملل ادبیات جهان یعنی رابطه‌ی ادبیات با ادبیات فرهنگ‌های دیگر است. پس ادبیات تطبیقی به بینا فرهنگی ادبیات می‌پردازد.

اما سؤالات مهم این است که آیا ادبیات تطبیقی برای مطالعه دارای رویکردهایی است و آیا رویکردهای ادبیات تطبیقی دسته‌بندی و طبقه‌بندی می‌شوند و آیا خود ادبیات تطبیقی رویکردی را ابداع کرده است یا خیر؟ پاسخ این است که ادبیات تطبیقی یکی از شاخه‌های علمی و نظام‌مندی است که برای خود نظریه‌ها و روش‌های خود را دارد. روش بسیار مهم است و هر دانشی روش‌های خاص خود را دارد و دانش‌ها به واسطه‌ی روش‌های خود از یکدیگر متمایز می‌شوند، ادبیات تطبیقی هم روش خاص خود را دارد. دانش‌ها به واسطه‌ی روش‌ها شناخته می‌شوند و ادبیات تطبیقی نیز به همین شکل است. برخی با روش‌های ادبیات تطبیقی به بررسی ادبیات انسانی پرداخته‌اند. اصولاً دانش‌های مختلف روش‌های گوناگونی اختراع کرده‌اند و به ادبیات تحمیل کرده‌اند؛ مثلاً جامعه‌شناسی ادبیات، فلسفه‌ی ادبیات، روان‌شناسی ادبیات، اسطوره‌شناسی ادبیات. بعضی روش‌ها درونی هستند مثل واژه‌شناسی رویکردهای درونی هستند. دانش‌های تطبیقی چه کار می‌کنند و با چه رویکردهای مطالعه می‌کنند. ادبیات‌های تطبیقی هم از رویکردهای دیگر عاریت می‌گیرند مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اسطوره‌شناسی. ادبیات تطبیقی خود روش‌های جدیدی را ابداع کرده که این روش‌ها مهم هستند. رویکردهای دیگر جواب ندادند و مجبور شده برای برخی مطالعات خودش رویکردهایی را خلق کند و عاریتی نیست حتی ادبی هم نیست و مال خودش است.

چهار رویکرد تحقیقی برای پاسخ دادن به نیازهای ادبیات تطبیقی وجود دارد که عبارتند از:



- ۱- رویکرد شرق شناسی (توسط ادوارد سعید مطرح شده است و از دل ادبیات تطبیقی استخراج شده است)
 - ۲- رویکرد پسااستعماری (توسط چندین هندی تبار همچون لیلا گاندی و ... مطرح شده است)
 - ۳- رویکرد تصویرشناسی (در دل ادبیات تطبیقی شکل گرفته است با آلمانی‌ها شروع می‌شود، فرانسوی‌ها آن را ادامه می‌دهند)
 - ۴- رویکرد نقد جغرافیایی (توسط وستوارد در سال ۲۰۰۰ مطرح شده است که خاستگاه آن ادبیات تطبیقی است)
- در خصوص هر کدام از این رویکردها کتاب‌های زیادی نوشته شده است و من قصد ندارم این‌ها را کامل معرفی کنم فقط قصد دارم وجه تطبیقی این رویکردها را بیان کنم.
- شرق‌شناسی مثل پسااستعماری است، حوزه‌های زیادی دارد اما بخش ادبی آن موضع بحث در ادبیات تطبیقی است. شرق‌شناسی مثل جنبش شمال آفریقایی، رویکردهایی هستند که در دل ادبیات تطبیقی شکل گرفته‌اند. رویکردهای انتقادی و مبتنی بر نظریه هستند و صرفاً توصیفی تحلیلی نیستند.
- رویکرد پسااستعماری، هم استعمارگر و هم استعمارشونده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تمام متن‌های قرن شانزدهم تا قرن بیستم و احياناً تا به امروز همگی تحت تأثیر استعمار هستند. شکل و سبک نوشتاری همگی تحت تأثیر استعمار است. استعمار موضوع تحقیقات شده است به‌خصوص در این رابطه هندی‌ها پیش‌تاز هستند، هندی‌ها (هومی بابا- استیواک-لیلا گاندی) با طرح رویکرد مطالعات پسااستعماری خود را در زمره‌ی کشورهای صاحب رویکرد قرار دادند. به‌طور مثال کتاب ملیت و روایت هومی بابا کتاب بسیار خوبی است که از دریدا، ادوارد سعید و غیره در آن استفاده می‌کند. در این کتاب کلید واژه‌هایی همچون ادبیات مهاجرت، سفر، تبعید، ملت، آمیختگی، محاکات، تقلید، پیوند و ترجمه که همگی معطوف به مهاجرت هستند و در زمره‌ی ادبیات تطبیقی هستند، وجود دارد. مطالعات پسااستعماری همراه با مطالعات فرهنگی شروع می‌شود. در مطالعات پسااستعماری، مضامینی همچون فرودست نیز وجود دارد.
- مکتب فرانسه خیلی شرق‌شناسی و پسااستعماری را رشد نداد بلکه این دو رویکرد بیشتر تحت تأثیر مکتب آمریکایی بوده است ولی بدین معناییست که در مکتب فرانسه این مسائل وجود نداشته است. سرشت و خواستگاه پسااستعماری، تطبیق است. زمانی می‌توان رویکرد پسااستعماری را مطرح کرد که در آن دو فرهنگ استعمارگر و استعمارشونده وجود داشته باشد.
- سومین رویکرد برآمده از ادبیات تطبیقی، تصویرشناسی است. شروع آن آلمانی‌ها بوده است و سپس فرانسوی آن را ادامه دادند. تصویرشناسی مثل بقیه رویکردها و مثل کلیت دانش ادبیات تطبیقی تحت تأثیر خود و دیگری است. تصویرشناسی یعنی تصویر دیگری در هنر و ادبیات دیگری. تصویرشناسی در فرانسه به دهه‌های شصت و قبل از آن برمی‌گردد.
- تصویرشناسی همزاد ادبیات تطبیقی است اما در قرن بیستم سامان می‌گیرد و به دست فرانسوی‌ها می‌افتد و متدیک‌تر می‌شود و به روش تبدیل می‌شود. هانری پاژو یکی از افرادی است که این مباحث را دسته‌بندی می‌کند و اصلاح‌گر تصویرشناسی می‌شود. بنده نیز دو مقاله به زبان فارسی و فرانسه در حوزه‌ی تصویرشناسی نوشته‌ام که در این زمینه راه‌گشاست.
- تصویرشناسی در معنای تطبیقی بدین معناست که هر تصویری موجب آگاهی من نسبت به دیگری می‌شود. تصویرشناسی به بررسی و معرفی انواع استروتیپ (کلیشه) مثل استروتیپ‌های فرهنگی می‌پردازد. مثلاً می‌گویم ژاپنی‌ها انسان‌های دقیقی هستند این یک نوع استروتیپ هست که در ذهن‌ها منجمد شده است.
- همچنین در سفرنامه‌ها ما از رویکرد تصویرشناسی استفاده می‌کنیم چون به تبیین تصویر سفرهای یک فرد در یک مکان خاص پرداخته می‌شود. بنابراین تصویرسازی ماهیت تطبیقی دارد که نیاز به خود فرهنگی و دیگری نیاز دارد. این رویکرد، روش تحقیق خاص خود را دارد که از دل ادبیات تطبیقی شکل می‌گیرد.
- رویکرد نقد جغرافیایی توسط برترام وستوارد مطرح شده است. این رویکرد خواستگاه ادبیات تطبیقی دارد، در اواخر قرن بیستم شکل گرفت و در سالهای ۲۰۰۰ به بعد به‌عنوان آخرین رویکردهای ادبیات تطبیقی مطرح شده است.
- اگرچه امروزه در دوره‌ی پساامکتبی سیر می‌کنیم اما هنوز تأثیرات از مکتب‌های مختلف فرانسه و امریکا و پسااستعماری وجود دارد. ما در طول تاریخ رویکردهای نقدی مختلفی داشتیم یکی از اولین رویکردهای شکل گرفته در قرن نوزدهم رویکردهای تاریخی بود که پس از آن رویکردهای اجتماعی، گیاه‌شناسانه، هرمونیک، اسطوره‌شناسی نشانه‌شناسی و ... شکل گرفت. به‌طور کلی بیست رویکرد نقد مختلف داریم. هیچ‌گاه تا اواخر قرن نوزدهم چیزی به نام نقد جغرافیایی نداشتیم، یعنی مکان یا جغرافیا و فضا برای خود نقدی مستقل نداشت. در اواخر قرن بیستم هست که فضا و مکان سهم خود را از رویکردهای نقدی می‌گیرد و چیزی به



نام نقد جغرافیایی شکل می‌گیرد که ریشه در جنگ جهانی دوم و تقسیمات کشوری دارد. نقد جغرافیایی در ایران کمتر شناخته شده است.

اصول نقد جغرافیایی عبارت است از: فضامندی-زمان‌مندی (توجه به فضا)، مرزشکنی (خروج از فضای پیرامون)، چندکانونگی (ارجاعیت یعنی گذار از متن و ارجاع دادن به بیرون از متن). در نقد جغرافیایی بر خلاف نقد ساختارگرایی توجه از متن برداشته می‌شود و به محیط و جغرافیا توجه می‌شود. در این نقد، از خودمحوری یا خودگرائی عدول می‌شود و به دیگرمحوری و جغرافیامحوری پرداخته می‌شود.

نقد جغرافیایی، یک فضا مثل میدان آزادی را از دیدگاه‌های مختلف در آثار ادبی بررسی می‌کند. این نقد در عین حال چهار اصل عملی دارد: الف) چندکانونگی (اثر از داخل و یک اثر از غیر ساکنین)، ب) چند حسی، ج) چند لایه‌ای (د) بینامتنیت. در این نقد باید، یک اثر از ساکنین آن منطقه، یک اثر از مهاجرین، و یک اثر از خارجی‌ها (مسافرین) داشته باشیم. مثلاً نقد جغرافیایی کربلا یک مورد مثال در این زمینه است. مثلاً نقد جغرافیایی پیرامون بازار امامزاده صالح یک مثال دیگر است.

دانش ادبیات تطبیقی از دانش‌هایی است که برای خودش رویکرد ایجاد کرده است و این بیانگر این است که رویکردها و روش‌های مطالعاتی چقدر برای این دانش اهمیت دارد. طبقه‌ی اول رویکردها، رویکردهای ادبیات تطبیقی عاریتی از دیگر علوم مثل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است، که دانش‌های تطبیقی باید آن را آماده سازی و دست‌کاری کنند و بعد، از آن خود کنند. طبقه‌ی دوم رویکردهایی هستند که ذاتاً تطبیقی هستند و بسیار در ادبیات تطبیقی مفید هستند، مثل بینامتنیت که ذاتاً تطبیقی است اما این‌که آیا تطبیقی بینافرهنگی است یا نیست این یک بحث دیگر است. طبقه‌ی سوم رویکردهای خاصی بودند که ادبیات تطبیقی این‌ها را ابداع کرد و این‌ها را وضع کرد برای برطرف کردن نیازهایی که بقیه نمی‌توانستند آن را انجام دهند.

در پایان سخنرانی دکتر نامور مطلق، دکتر متقی‌زاده از دکتر نامور مطلق به خاطر این سخنرانی ارزشمند تشکر کرد و گفت: در این جلسه، کارآمدی و سودمندی ادبیات تطبیقی در حوزه‌ی ادبیات تبیین و صورت‌بندی جدیدی از ادبیات تطبیقی ارائه شد و گسترده‌ی ادبیات تطبیقی و مطالعات جدید ادبیات تطبیقی در چهار رویکرد تحقیقی ادبیات تطبیقی (شرق‌شناسی، پسااستعماری، تصویرسازی و نقد جغرافیایی) توضیح داده شد. همچنین شرق‌شناسی به‌عنوان یکی از ابداعات ادبیات تطبیقی ذکر شد، با توجه به این‌که شرق‌شناسی سابقه‌ای حدود ۸ تا ۹ قرن در جهان اسلام و غرب دارد و ادبیات تطبیقی نیز علمی جدید به‌شمار می‌رود، این نیز یک نکته‌ی بسیار مهم است که ما باید مدنظر داشته باشیم.

در ادامه حاضرین در جلسه به ارائه‌ی سؤالات خود در مورد سخنرانی دکتر نامور مطلق پرداختند که مشروح آن به شرح ذیل است:

پرسش‌های حاضرین در جلسه:

پرسش دکتر ابویسانی: آیا تمامی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، در همین چهار حوزه یعنی: شرق‌شناسی، پسااستعماری، تصویرشناسی، و نقد جغرافیایی جای می‌گیرند؟

پرسش دکتر حسین کیانی: فرایند تحقیق در رویکردهای چهارگانه چگونه است؟ آیا کتاب و مقاله وجود دارد که این فرآیندها را تبیین کرده باشد؟ آیا مطالعات تطبیقی داخل یک فرهنگ می‌تواند داخل در ادبیات تطبیقی باشد؟ مثلاً اگر شاعری معاصر از اندیشه‌ی صعلیک جاهلی (عیاران) استفاده کرده باشد، پژوهش در این موضوع داخل در مطالعات تطبیقی است؟

پرسش‌های دکتر هادی نظری‌منظم: دو رگه‌های ایرانی عربی‌سرایی و عربی‌نویسی آیا جزو ادبیات فارسی هستند یا جزو ادبیات عربی و آیا می‌توان آنان را با ادبیات عرب مقایسه‌ی تطبیقی کرد؟

آیا تصویرشناسی در آخرین تحولاتش به شعر و رمان هم می‌پردازد؟ آیا شرط تفاوت زبان در مکتب فرانسه همچنان پابرجاست یا تفاوت فرهنگی و بین‌رشته‌ای جای آن نشسته؟

پرسش دکتر فرامرز میرزایی: چه تفاوتی بین رویکرد تصویرگرایی و نقد جغرافیایی وجود دارد زیرا به نظر می‌آید که تصویر مکان است؟

پرسش دکتر محمد خاقانی اصفهانی: تفاوت موازنه با مقارنه چیست؟

پرسش دکتر قهرمانی‌مقبل: با توجه به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های متعدد پژوهش‌های تطبیقی میان زبان و ادبیات فارسی و عربی چگونه می‌توان نظریه‌ها و مکتب‌های تطبیقی را بومی‌سازی کنیم تا کارهای کیفی بر کارهای کمی غلبه کند؟ آیا می‌توان امید داشت ما هم نظریه یا رویکردی متناسب با ادبیات خودمان ابداع کنیم؟ چگونه می‌توان به به نظریه‌های جدید مکتب فرانسه دسترسی پیدا کرد؟

پرسش دکتر حجت رسولی: آیا این رویکردهای تطبیقی حاصل استقرای شما بوده است یا خیر؟

پرسش دکتر مقدم متقی: چه ضرورتی دارد ما در ادبیات تطبیقی خود را ملزم به بررسی دو اثر از دو ملیت و دو



فرهنگ مختلف کنیم؟ به‌ویژه این‌که این با تعریف حضرت‌عالی از تطبیق که فرمودید تطبیق یعنی این‌که، قدرت اختیار وجود دارد مثلاً در خرید کالا ما تطبیق انجام می‌دهیم. بسیار خوب وقتی ما محدوده‌ی اختیار و قدرت تطبیق خودمان را محدود به دو اثر خاص با ویژگی‌های خاص از دو ملیت قرار می‌دهیم این با اصل تعریف‌تان از واژه‌ی تطبیق که مقایسه در آن به‌صورت عام است مغایرت دارد. آیا این انحصار در تطبیق به معنای اروپامحوری و غرب‌محوری در مطالعات ادبی ما نیست؟ لذا بنده معتقدم این تعریف می‌بایست اصلاح شود دلیل بر این مدعا این است که تطبیق در دو اثر ادبی ولو از یک ملیت یا یک جامعه‌ی خاص منجر به گسترش بیشتر مرزهای دانش می‌شود و انتفاع ادبی بیشتری هم خواهیم داشت به‌عنوان نمونه وقتی قصاید دو شاعر از یک ملیت واحد را در رسیدن به اهداف اجتماعی خود بر پایه‌ی نقد جامعه‌شناسی بررسی می‌کنیم مثلاً (تحلیل و بررسی قصاید سمیع قاسم و محمود درویش بر پایه‌ی نظریه ساخت‌گرایی تکوینی در رسیدن به اهداف انتفاضه)، و در نهایت به این نتیجه برسیم که علل موفقیت و ارزش ادبی مثلاً اثر ادبی اول یا دوم به این دلایل ادبی ... است. این تحلیل ادبی اولاً تطبیقی است ثانیاً از یک ملت واحد است و ثالثاً منجر به گسترش مرزهای دانش هم شده است و علاوه بر این از طریق این نقد و تطبیق افق‌های جدیدی برای شاعرهای بعدی در رسیدن به اهداف‌شان نیز می‌گشاید.

پرسش دکتر یدالله رفیعی: آیا اگر موضوعات مختلف را در یک اثر مثل قرآن یا در آثار مختلف یک نویسنده مثل ابن‌هشام بررسی شود، این مسائل جزو ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود؟
پرسش دکتر ابوالحسن امین مقدسی: بررسی مکان و زمان در سیر تطور اندیشه‌ی یک نویسنده داخلی می‌تواند ادبیات تطبیقی شمرده شود؟ به نوعی با نقد جغرافیایی ارتباط می‌دهیم و فرهنگ بیرون نیز عامل مؤثر است. دکتر نامور مطلق در پاسخ، پرسش‌های مطرح‌شده را به سه دسته تقسیم کرد و به‌صورت تفصیلی به چند سؤال به‌تناسب وقت جلسه پاسخ داد.

دسته‌ی اول پرسش‌ها راجع به پیکره‌ی مطالعاتی ادبیات تطبیقی بود. دسته‌ی دوم سؤالات راجع به خود روش و رویکردهای ادبیات تطبیقی بود. دسته‌ی سوم سؤالات راجع به وضعیت امروزی مکاتب و به‌خصوص مکتب فرانسه بود که پاسخ آن نیاز به یک گزارش تحلیلی دارد که امروز فرصت پاسخ نخواهد شد.

در مورد پاسخ به دسته‌ی اول سؤالات، بنده ادبیات تطبیقی را ادبیات روابط بین‌الملل و عمومی می‌دانم، به این معنا که ما دو حوزه در ادبیات تطبیقی داریم یکی مطالعات بین‌فرهنگی است که در این مورد همه‌ی مکاتب با هم یک‌نظر دارند. و دیگری مطالعات بینارشته‌ای است که این خود نیاز به بحث‌های متنوعی دارد. بینارشته‌ای می‌تواند بینارشته‌ای درون‌فرهنگی باشد، بنابراین همه‌ی فعالیت‌های ادبیات تطبیقی بین‌فرهنگی نیست و می‌تواند درون‌فرهنگی باشد که بینارشته‌ای در آن جای می‌گیرد. این نکات بحث‌های مفصلی دارد که نیاز به یک جلسه‌ی دیگر دارد. راجع به اصل پیکره‌ی مطالعات ادبی، من خودم را محدود به ادبیات-ادبیات می‌کنم چون می‌توانم بگویم ادبیات-هنر، ادبیات-فلسفه، ادبیات-علوم اجتماعی، و.. که این‌ها همگی در ذیل مطالعات بینارشته‌ای قرار می‌گیرد. اولین تحقیقات ادبیات تطبیقی هم مطالعات درون‌رشته‌ای بوده است و به‌صورت ادبیات-ادبیات بوده است یعنی درون رشته‌ای-بین‌فرهنگی بوده است.

اما در پاسخ به دسته‌ی دوم سؤالات که برخی گفتند چه لزومی دارد برای مطالعه‌ی ادبیات تطبیقی باید دو فرهنگ وجود باشد؟ پاسخ بنده این است که این تعریف بنده نیست بلکه تعریف ادبیات تطبیقی است و کسی هم در این مورد اختلاف ندارد. اما این‌که آیا می‌توان یک متن را مورد مطالعه‌ی ادبیات تطبیقی قرار داد؟ آیا ادبیات تطبیقی الزاماً باید بینامتنی باشد؟ و بینامتنی بین‌فرهنگی باشد؟ این‌که آیا متن ما می‌بایست حتماً از درون یک فرهنگ باشد، این بحث دیگر است، پس ما می‌توانیم تک‌متنی و درون‌متنی کار تطبیقی انجام دهیم اما حتماً باید بین‌فرهنگی باشد. لذا بحث تک‌متنی را می‌شود کنار گذاشت چون می‌توان سفرنامه‌ها را مورد مطالعه قرار داد بدون این‌که بخواهیم یک چیز دیگری هم باشد. اما در مورد بینامتنی‌ها، این‌که فقط درون زبان فارسی یا عربی باشد، نمی‌شود در این مورد کار تطبیقی انجام داد چون ادبیات تطبیقی نیست. اما این سؤال مطرح شد که این مسئله با تطبیق که اختیار دارد، مغایرت ندارد؟ پاسخ این است که ما سه لایه تطبیق داریم، ما داریم راجع به لایه‌ی خاص آن که تبدیل به یک رویکرد و دانش شده است سخن می‌گوییم، اولی معادل با شناخت بود، دومی معادل با روش بود، سومی معادل با دانش بود که همین مورد نظر ماست. در ادبیات تطبیقی ما متعهد به یک دانش شدیم، مثل این‌که شما بگویید می‌شود در فیزیک کار شیمی بکنیم؟ نمی‌شود چون برای این کار درست نشده است چون روش‌ها، نگرش و منابع آن متفاوت است. بنابراین ادبیات تطبیقی یک حوزه‌ی مطالعاتی دارد که تعریف شده است، ادبیات تطبیقی یک دالی است که این مدلولش است، دیگر نمی‌شود گفت، ما امروز می‌خواهیم مثلاً در ایران، مدلول آن را عوض کنیم، بنابراین ادبیات تطبیقی به‌عنوان



یک دانش در برگیرنده‌ی مطالعه‌ی شاهنامه و خمسه نیست چون هر دو از یک زبان و یک فرهنگ هستند و تفاوت فرهنگی ندارند. شاید سؤال شود که کاری که راجع به تطبیق شاهنامه و خمسه می‌کنیم چیست؟ پاسخ این است که این کار مطالعات تطبیقی در ادبیات ملی است. ادبیات ملی حوزه‌ی فعالیت خودش مجزا است. بنابراین آن چیزی که در یک فرهنگ و زبان مطالعه تطبیقی می‌شود، در حوزه‌ی ادبیات ملی قرار می‌گیرد و هر آن‌چه که در حوزه‌ی ادبیات ملی قرار می‌گیرد در حوزه‌ی ادبیات تطبیقی قرار نمی‌گیرد بلکه حوزه‌ی ادبیات تطبیقی شامل بررسی یک اثر از یک ملت و یک اثر از یک ملت دیگری می‌شود یا این‌که در یک اثر، یک فرهنگ با فرهنگ دیگر تلاقی داشته باشد. این تعریف ربطی به مکاتب مختلف ادبیات تطبیقی در آمریکا و فرانسه ندارد و ما نمی‌توانیم صورت‌بندی جدیدی از تعریف ادبیات تطبیقی ارائه کنیم و نمی‌توانیم بر خلاف اصول اصلی ادبیات تطبیقی حرکت کنیم. به‌طور کلی ما یک ادبیات جهانی داریم، یک ادبیات ملی داریم، یک ادبیات عمومی و همگانی داریم، یک ادبیات تطبیقی داریم، که حوزه‌های هر یک با دیگری متفاوت است و نمی‌توان خلاف اصول هر یک حرکت کرد و گرنه اغتشاش در پیکره‌ی مطالعاتی به‌وجود می‌آید.

دکتر نامور مطلق توضیح داد: در مورد رویکردهای تحقیقی در ادبیات تطبیقی، بنده این رویکردها را با شناختی که از ادبیات تطبیقی داشتم توانستم این رویکردها را استخراج کنم، و اگر کسی از شما رویکرد دیگری معرفی کند، استقبال می‌کنم. در مورد این‌که آیا یک استاد ادبیات تطبیقی باید به‌همه‌ی این رویکردها اشراف کامل داشته باشد؟ پاسخ بنده این است که اگر یک استاد فقط بتواند در یکی از رویکردهای ادبیات تطبیقی کار کند، کفایت می‌کند و نیازی نیست که یک استاد ادبیات تطبیقی در تمامی این رویکردها تخصص کافی داشته باشد، بنده موظفم که متامند کار کنم چون رشته‌ی اصلی بنده این است، لذا باید همه‌ی این رویکردها را بشناسم ولی کسی که تخصص اصلی‌اش ادبیات تطبیقی نیست نیاز به شناخت کل این رویکردها ندارد و او می‌تواند فقط یکی از این رویکردها را به‌صورت تخصصی کار کند. علاوه‌براین رویکردها می‌شود از رویکردهای عمومی‌تر دیگر مثل جامعه‌شناسی ادبی، روان‌شناسی ادبی نیز استفاده کرد و روح تطبیقی در آنها افزوده شود. شرط اصلی در استفاده از این رویکردها این است که حتماً دو پیکره از دو فرهنگ مختلف باشد.

در مورد این‌که آیا می‌توانیم «سوزان باسنت» را هم به‌عنوان تطبیق‌گر، در ترجمه‌پژوهی وارد کنیم؟ پاسخ این است که بله می‌شود این کار را انجام داد اما فرق آن با رویکردهای مدنظر بنده این است که در آنجا سوزان باسنت فقط بخش‌هایی را بیان می‌کند، و راجع به موضوعات ادبیات تطبیقی است. در این زمینه کسان دیگری هم هستند که به مطالعات مضمونی می‌پردازند، مثلاً در اسطوره «برونر» را می‌توان نام برد، اما کسانی که رویکرد مطالعاتی ادبیات تطبیقی را ابداع کردند، من این چهار رویکرد و این اشخاص را پیدا کردم. باسنت بیشتر حوزه‌ی مطالعاتی را انتخاب کرده است و گفته، آیا ادبیات تطبیقی بخشی از آن است یا ... تأثیر و تأثرات تاریخی و مبادلات را مطرح کرده است. یکی از بحث‌های ایشان این است که موضوعات مطالعات ترجمه آیا ادبیات تطبیقی است یا خیر؟ و گاهی معتقد بود که ادبیات تطبیقی مسلط است و گاهی گفت، مطالعات ترجمه مسلط است. به‌طور کلی نظرات باسنت در این حوزه‌ها را نمی‌توان به‌عنوان یک رویکرد مثل رویکردهای مختلفی که ذکر کردم، معرفی کرد. برای مطالعات ترجمه هم باید از رویکردها استفاده شود. در مورد پاسخ به این پرسش که «بررسی مکان و زمان در سیر تطور اندیشه‌ی یک نویسنده‌ی داخلی می‌تواند ادبیات تطبیقی شمرده شود؟»

نامور مطلق در خاتمه گفت: نظر بنده این است که این از نوع سؤالات آزاردهنده برای تطبیق‌گران است، و جواب خیلی واضح و روشنی برای آن وجود ندارد. اما توضیح این است که ما دو بحث درون مؤلفی و بین‌مؤلفی داریم، حالا سؤال این است که آیا آثار مختلف یک مؤلف را می‌شود با یکدیگر مقایسه کرد؟ یا آیا می‌توان آثار دوره‌ی دوم او را به‌عنوان بخش آثار جامعه‌ی دوم مطرح کرد یا خیر؟ شرط اول این است که یک‌طرف آن باید ادبیات باشد دوم این‌که، ما دو شاخص بزرگ به نام زبان و فرهنگ داریم که اولی توسط فرانسوی‌ها و دومی توسط آمریکایی‌ها مطرح می‌شده است، حالا اگر یک مؤلف در یک‌جا مطالبی نوشته و سپس در جایی دیگر نیز مطالبی ذکر کرده است، این‌که این دو اثر آیا به دو فرهنگ تعلق دارد یا خیر؟ اصولاً این‌جا یک مقداری شاخص‌ها و عوامل متعددی باید دخیل باشند تا بتوان نظر داد. نظر شخصی بنده این است که درون مؤلفی را ادبیات تطبیقی تلقی نمی‌کنم، چون نمی‌توان دو فرهنگ متفاوت را مورد بررسی قرار داد مگر این‌که زندگی مؤلف را دو فرهنگ متفاوت بدانیم. نکته‌ی دیگر این‌که این موضوع در مورد مهاجرت متفاوت است چون در دو جای مختلف زندگی کرده‌اند و می‌توان این موضوع را به تنهایی در رویکرد پسااستعماری مورد مطالعه قرار داد.

کرونا و آزمون خانواده محوری

گروه پژوهشی مطالعات زنان پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی با همکاری پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری نشست تخصصی مجازی با عنوان «کرونا و آزمون خانواده محوری» را در روز سه‌شنبه ۶ آبان‌ماه ۱۳۹۹ با حضور و سخنرانی دکتر عبدالکریم خیامی، استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه و دکتر بشیر معتمدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دبیر علمی نشست برگزار کرد.



در ابتدای نشست دکتر عبدالکریم خیامی عضو هیأت علمی و استاد دانشگاه بحث خود را با مرور مهمترین گزاره‌های ناظر به کلان-روندهای جهانی کرونا و پساکرونا در اندیشه‌ی صاحب‌نظران آغاز و به‌عنوان نمونه ۱۰ گزاره را ارائه کرد:

- جابه‌جایی سریع و پر حجم انواع ارتباطات، از واقعیت فیزیکی به واقعیت مجازی: به سوی زندگی دوم
- به چالش کشیدن انگاره‌های بنیادین مدرنیته: تردید در توانایی مطلق علم جدید، تواضع علم و گرایش بیشتر به معنویت (الهی یا بدون خدا)
- تناقض دوگانه در جایگاه دولت‌ها: اقتدار دولت‌های محلی / احاله در هم‌گرایی‌های جهانی
- سرعت چشم‌گیر فرایند همگرایی فناوری‌های ارتباطی در همه‌ی ساحت‌ها: خانوادگی، صنعتی، اجتماعی و ..
- تسهیل‌گری برای جهانی با تمدن‌های متکثر: به سوی جهانی پساآمریکایی
- تغییر ایماژ بشر از جهان: از فضایی شناخته شده و تحت سیطره به فضایی پر از اسرار ناشناخته
- افزایش چشمگیر شکاف طبقاتی
- مخدوش شدن پایه‌های برخی مکاتب فلسفی-نظری مانند برساخت‌گرایی
- حرکت از اجتماع و جامعه به سمت جامعه‌ی پلت‌فرمی (جامعه‌ای که پس از جامعه شبکه‌ای مطرح می‌شود)
- تهدید دموکراسی با نظامی‌گری پزشکی (گویی دموکراسی - با معانی متفاوتش - به دلیل حاکمیت گفتمان پزشکی، محدود شده است).
- دکتر خیامی سپس ضمن طرح این پرسش که «تغییرات کرونایی، پایدار و پارادایمی خواهند بود یا موضعی و ناپایدار؟» پاسخ آن را مهم ولی نیازمند نشست مستقل دیگری دانست.
- در ادامه وی با اشاره به چالش‌های خانواده‌ها در دوره‌ی کرونایی، فهرستی از رایج‌ترین آنها را ارائه کرد: افزایش خشونت‌های خانگی در برخی خانواده‌ها، افزایش تنش‌ها و اختلافات، افزایش تنگناهای اقتصادی و معیشتی، پیامدهای آموزش مجازی و بحث امکانات و فضا و لزوم حمایت و نظارت خانواده‌ها، اضطراب ناشی از ابتلای اعضای خانواده، سوگ خفته در خانواده‌هایی که عضو فوتی داشته‌اند، تغییر دفعی در سبب مصرف رسانه‌ای و هم‌زمان ضعف سواد رسانه‌ای، بیکاری سرپرست خانواده، برخی تبعات منفی دورکاری، چالش‌های سلامت جسمی و بی‌حرکی، افت کیفیت ساعات اوقات فراغت کودکان، ابهام در شیوه تعامل با اعضای خانواده‌ی گسترده مانند پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها.
- این پژوهشگر حوزه‌ی خانواده و ارتباطات پس از طرح چالش‌ها، به ارزیابی عملکرد نهاد خانواده ایرانی در



آزمون کرونا و میزان تاب‌آوری آن پرداخته و در این زمینه دو نوع پاسخ یا دوگونه (نوع آرمانی وبری) نظری در ایران را معرفی کرد.

گونه‌ی اول: کرونا؛ افشاگر واقعیت، تسریع یا تعمیق فروپاشی

این گونه‌ی نظری معتقد به مردودی کارنامه خانوادگی ایرانی در مقابل کروناست، اما عمدتاً این ضعف و گسیختگی را در منظری تاریخی تبیین می‌کند و کرونا را صرفاً بازنماینده و برملاکننده‌ی عمق متزلزل خانوادگی ایرانی و انباشت تاریخی تناقض‌ها و تعارض‌های پنهان و آشکار در آن می‌داند.

مهمترین محورهای این گونه‌ی نظری و یا ارزیابی عبارتند از:

- کرونا عامل و افشاکننده‌ی لایه‌های پرتعارض زیرین نهاد خانواده
- رقابت چندین ساله‌ی خانه و خیابان، و سرریز شدن تعارض‌ها در خانه با حذف نسبی خیابان
- افزایش حجم کار خانه و فقدان آموزش و تمرین تقسیم کار خانه در سنت خانواده ایرانی (در اینجا علاوه بر ساختار سنتی، فقدان آموزش تقسیم کار در خانه موجب ایجاد بار مضاعف بر دوش زنان شده و این عضو کانونی و به تبع آن تمام خانواده را با اختلالاتی روبرو کرده است).
- نگرانی‌ها، سوگ‌ها و اضطراب‌های فروخته در این دوران و تأثیرات درازمدت آنها
- افزایش انواع خشونت‌های خانگی (فیزیکی-کلامی-عاطفی) در دوران کرونا (قربانیان خشونت‌ها به ترتیب: زنان، دختران، کودکان و سالمندان هستند).

- حذف یا محدود شدن فضاها یا حریم خصوصی افراد

- توجه به تأثیر ریشه‌های تاریخی مردم‌سالاری در جامعه و پدرسالاری در خانواده

- عرف، مانع گزارش خشونت‌های خانگی

- دو حجاب که مانع واقع‌بینی است: ۱- ایدئولوژیک یا قدسی کردن خانواده

۲- محافظه کاری حاکم برجامعه شناسی ایران

گونه‌ی دوم: تاب‌آوری و دیدن فرصت‌ها

به عکس گونه‌ی بالا، ارزیابی این دسته از صاحب‌نظران از عملکرد و میزان تاب‌آوری خانوادگی ایرانی مثبت است و این نهاد را در جامعه‌ی ایرانی و در چنین شرایطی برخوردار از اصالت و قوام و پایداری می‌دانند. این گونه‌ی نظری ضمن پذیرش بروز برخی تعارض‌ها و حتی انواعی از خشونت‌ها در خانوادگی ایرانی طی دوره‌ی بحران کرونا، آنها را "طبیعی" و "غیربحرانی" دانسته و معتقد است برخی در طرح این معضلات دچار سیاه‌نمایی یا بزرگ‌نمایی شده‌اند و ما باید فرصت‌های ایجاد شده برای نهاد خانواده در این دوران را هم ببینیم. مهم‌ترین محورهای مورد تأکید این گونه‌ی نظری عبارتند از:

- خانواده، مهم‌ترین پناه‌گاه در کرونا برخلاف همه‌ی حملات مدرنیستی و پسامدرنیستی به آن.

- افزایش فهم و آگاهی اعضای خانواده از هم‌دیگر با دستاوردهایی چون: قدرشناسی، تقسیم کار، درک متقابل اعضا از مشکلات هم‌دیگر، ظرفیت‌شناسی‌های جدید درون خانوادگی

- فرصت بروز یا ابراز نگرانی‌های فروخته اعضای خانواده

- کاهش توزیع عواطف و احساسات در بیرون خانواده و تمرکز درون خانواده

- فرصت گفت‌وگوهای نو: یک توفیق ناگزیر برای حل تعارض‌های طبیعی

- انتقاد از بازنمایی‌های سیاه از خانوادگی ایرانی

- کرونا، گذرگاهی دشوار اما منتج به تعالی خانوادگی ایرانی

دکتر خیامی پس از این، آمارهایی که نهادها و مؤسسات و سازمان‌های مختلف کشور، از اسفندماه سال گذشته تاکنون منتشر کرده‌اند را به‌طورتجمیعی ارائه کردند و سپس به تحلیل مبسوط و تطبیقی آنها پرداخت و مبتنی بر آن، برخی نتایج که «می‌توان» و یا «نمی‌توان» از آنها گرفت را بیان کرد.

وی در ادامه، استنباطهایی که هر دو الگوی فکری پیش‌گفته، از این آمارها کرده‌اند را نقد و بررسی کردند و سپس با اضافه کردن تحلیل‌هایی کیفی از برخی رویدادهای اجتماعی و فرهنگی و دینی در این بازه‌ی زمانی؛ در نهایت خود را - با لحاظ دو تعدیل «خانواده فردگرا» و «تشتت در منابع هنجاری و معنابخش» - به گونه‌ی دوم نزدیک‌تر و همسوتر اعلام کرد.

سخنران این نشست در بخش پایانی سخنانش، به ارزیابی تفکیکی عملکرد چهار نهاد «دین»، «آموزش»، «رسانه» و «حاکمیت» در قبال نهاد خانواده ایرانی پرداخت و توفیقات و آسیب‌ها و کاستی‌های هر یک از آنها را در این زمینه بیان کرد.

در پایان نشست دکتر معتمدی دبیر علمی نشست، پس از ارائه‌ی یک جمع‌بندی مباحث مطرح شده از سوی سخنران، پرسش‌های خود و مخاطبین را مطرح و دکتر خیامی به آنها پاسخ گفت.



رسانه‌های ایرانی و ناگهانی کرونا

نشست «رسانه‌های ایرانی و ناگهانی کرونا» روز ۱۴ مهرماه ۱۳۹۹، از سوی پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به صورت مجازی با حضور دکتر حسن نمکدوست (مدیر آموزش مؤسسه‌ی همشهری)، امید جهانشاهی (دکتری مدیریت رسانه)، سعید ارکان‌زاده (دکتری ارتباطات و روزنامه‌نگار) و به دبیری دکتر منصور ساعی برگزار شد.



در ابتدا دکتر ساعی گفت: ایران زمین به‌عنوان سرزمین در چشم باد حوادث تلخ در طول تاریخ، در سه سال اخیر نیز چندین رویداد و حادثه تلخ نظیر آتش سوزی ساختمان پلاسکو، زلزله دردناک کرمانشاه، سیل ویرانگر بهار ۱۳۹۸ و سقوط هواپیمای اوکراینی و ناگهان کرونا در اواخر سال ۱۳۹۹ را تجربه کرده است. غافلگیری ویژگی مهم رسانه‌های ما در بسیاری از این حوادث تلخ بوده است. برخی از این حوادث نظیر زلزله و سیل دارای سابقه بودند اما اپیدمی کرونا بدون سابقه و ناگهان رخ داد. در هر دو شرایط رسانه‌های ما غافلگیر شدند. با گذشت بیش از ۷ ماه از ظهور و اعلام خبر شیوع کرونا در ایران زمان مناسبی برای بررسی میزان و کیفیت کنشگری و نقش‌آفرینی رسانه‌های رسمی و رسانه‌های اجتماعی در ایران است.

رسانه‌ها در دوران کرونا چه کردند و چه نکردند؟

در ادامه دکتر نمکدوست گفت: در هر کنش ارتباط جمعی ما با پنج متغیر سروکار داریم که اعضای آن عبارتند از: تولیدکننده‌ی متن، خود متن، مخاطب (که در معرض این متن است)، رسانه‌ای (که از طریق آن متن، جمعی می‌شود) و بافت یا جامعه. نکته‌ای که درباره‌ی بحث ما مطرح است، آن بافتار اجتماعی که رخداد کرونا در آن به وجود آمد و رسانه‌ای شد، در کل این فرایند ارتباطی بسیار تأثیرگذار بود. معنا یا استباطی که



از هر کنش ارتباط جمعی رخ می‌دهد از برهم کنش این پنج عامل رخ می‌دهد. بافتار در آن وضعیت تاریخی خاص، عامل مهمی بود. چون یک فضای به‌شدت بی‌اعتمادی یا کم‌اعتمادی نسبت به هر پیامی که در سطح وسیعی از سوی حکومت مطرح می‌شد در جامعه وجود داشت. دلایل آن متعدد است. تازه‌ترین رویداد به موضوع کرونا که افکار عمومی را کاملاً متأثر کرد و به‌میزان بسیار زیادی از اعتمادی که به پیام‌هایی که از طریق حکومت در اختیار جامعه قرار می‌دهد، دامن زد، حادثه‌ی شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی بود که جامعه به شدت تحت تأثیر این حادثه قرار داشت. همین امر باعث شد رسانه‌ها در آن مقطع خود را سرزنش می‌کردند مثلاً تیرهایی که ما شرمنده هستیم، اشتباه کردیم در روزنامه‌ها منتشر شد. چون رسانه‌ها احساس می‌کردند با نقل روایت رسمی حکومت درباره‌ی سرنگون کردن هواپیما، به‌نوعی در جریحه‌دار شدن افکار عمومی مشارکت داشته‌اند.

بحران کرونا در ایران هم به‌درستی از سوی مدیریت بحران، مدیریت نشد و به این کم‌اعتمادی دامن زد. رویکرد رسمی درباره‌ی کرونا در ابتدا رویکرد انکار بود و این رویکرد بسیار مصرانه بود گویی هیچ اتفاقی نیافتاده است و ناگهان حضور چنین بحرانی سنگینی بیان شد! در چنین بافتاری نمی‌شود عملکرد رسانه‌ها را به تنهایی مورد ارزیابی قرار داد بلکه باید هر پنج ضلع و یکی از آن اصل‌ها که رسانه‌ها هستند، مورد بحث و دقت گذاشت. نمی‌توان رفتار مدیریت بحران، رفتار نابه‌سامانی باشد و وقتی که رسانه‌ها می‌خواهند آن را پوشش دهند ما انتظار رفتار صحیح و به سامان از رسانه‌ها داشته باشیم.



سپس جهانشاهی با اشاره به اینکه ارتباطات اساساً برای تبادل معناست و آن چیزی که معنا را آشکار می‌کند، تفسیر است، گفت: این تفسیر به همان بافت اجتماعی که از ابعاد مختلف می‌توان درباره‌ی آن صحبت کرد، مربوط می‌شود. مثلاً نگاهی که مردم به رسانه دارند، نگاه دولت به رسانه و انواع متغیرهای دیگر. متأسفانه اعتماد سیاسی که در جامعه ما طبق تحقیقات مختلف انجام شده در ۲۰ سال گذشته یک سیر نزولی را طی کرده است. کم‌شدن اعتماد سیاسی بر کمتر شدن اعتماد مردم به رسانه‌های رسمی تأثیر گذاشته است. معتقدم کرونا اگرچه به صنایع مختلف لطمه زد و به اقتصاد سازمان‌های رسانه‌ای لطمه زد، اما برای حرفه‌ی روزنامه‌نگاری یک فرصت مغتنم و عالی ایجاد کرد. روح روزنامه‌نگاری را زنده کرد. به رسانه‌های رسمی یک فرصت داد تا اعتماد از دست‌رفته را بازسازی کنند. حتی روزنامه‌نگاری شهروندی هم به‌خاطر کرونا بسیار جدی شد. پزشکان، پرستارها و کادر درمان شروع به حرف‌زدن با مردم کردند.

هنگام اعلام رسمی ورود کرونا به کشور در سازمان صدا و سیما یک اتفاق کرونا در معاونت سیاسی به سردبیری خانم میرسیدی تشکیل شد که مدام در حال پوشش اخبار کرونا بودند و خبرنگارها موظف بودند مدام تولید محتوا در این زمینه داشته باشند. صدا و سیما تلاش کرد تا در دو بعد خبر و اطلاع‌رسانی و آموزش، برنامه‌های متعددی به‌طور مرتب درباره‌ی کرونا پخش کند. تا حدی هم موفق بود. مخصوصاً شبکه‌ی خبر که توسط مردم بسیار دیده شد. این نکته را هم باید یادآور شوم که اعتماد مردم در حوزه‌ی سلامت به

رسانه‌ها تقریباً بیشتر از دیگر بحران‌هاست. از یک جایی به بعد موضوع کرونا از دستور کار دولت خارج شد و دیگر در اولویت قرار نگرفت. به همین خاطر سایه‌اش روی عملکرد رسانه‌ها افتاد. یعنی اعضای ستاد مبارزه با کرونا دچار مشکل شدند. چون دولت خواسته‌های آنان را عملی نمی‌کرد، مثلاً جلوگیری از مسافرت‌ها و... که دولت آنان را اجرایی نکرد. این موضوع دلایل زیادی داشت از جمله این که دولت نمی‌توانست زیر بار مسائل مالی قرنطینه و محدودیت‌ها برود. در کشورهایی که محدودیت اعمال شد، دولت از نظر اقتصادی به کسب و کارها کمک کرد. ولی این مسئله برای ایران عملی نبود. این یک بعد قضیه است. بعد دیگر به نظام مدیریتی کشور برمی‌گردد که مشکلات خاص خود را دارد. مثلاً در همه‌ی بحران‌های ما با تعدد سخن‌گو روبرو هستیم، که درباره‌ی کرونا هم این مسئله به وجود آمد و همه این‌ها بر عملکرد رسانه‌ها تأثیرگذار است. مسائل تأثیرگذار دیگر بر عملکرد رسانه؛ تناقض‌ها و کشمکش‌ها مدیران با یکدیگر و سیاسی شدن بحران کرونا بود. مدیریت بیماری‌های واگیر در برخی کشورها کاملاً غیرسیاسی و حرفه‌ای است. اما در کشور ما این مسئله هم سیاسی شد.

در ادامه ارکان‌زاده با بیان اینکه با ورود کرونا به کشور رسانه‌های رسمی در ابتدا به‌خاطر راهپیمایی ۲۲ بهمن



و انتخابات مجلس خیلی به این مسئله پرداختند و ناگهان با تأیید ورود کرونا به کشور و رسانه‌ای شدن آن، به یک‌باره مردم با یکدیگر این نکته را زمزمه کردند که ما از قبل می‌دانستیم، ولی رسانه‌ها به آن نمی‌پرداختند، گفت: این جاست که اعتماد مردم به رسانه‌ها نشانه می‌رود. اولین برخورد رسانه‌های ما با کرونا با یک ماجرای سیاسی ترکیب شده بود و تا چند هفته سؤالاتی مطرح می‌شد که رسانه‌ها کمتر سراغ آنها می‌رفتند و باز همین مسئله اعتماد مردم را ضعیف‌تر می‌کرد. مثلاً این سؤال مطرح شد چرا قم قرنطینه نشد و... اما رسانه‌ها و مسئولان کمتر به این مسائل پرداختند. دهه‌هاست که مردم در حال رصد رسانه‌های رسمی هستند و همه‌ی آنها می‌دانند یک رسانه چرا درباره‌ی یک ماجرا سکوت می‌کند و چرا به خیلی از مسائل نمی‌پردازند. من هم با صحبت دکتر جهانشاهی درباره‌ی این که کرونا فرصتی برای بازگرداندن اعتماد دوباره مردم به رسانه‌های رسمی بود، موافقم.

سپس نمکدوست درباره‌ی چارچوب بندی اخبار در رسانه‌های رسمی گفت: رسانه‌ها میز بحران ندارند و روزنامه‌نگار، خودانگیخته و غیرسازمان یافته اطلاعات را منتشر می‌کند در بحرانی مثل کرونا ما با تمام ارزش‌های خبری به یک‌باره مواجه شدیم. هر هفت ارزش خبری در بحران کرونا و در مقیاس جهانی وجود داشت. به همین خاطر کرونا جز موارد نادری است که می‌تواند در مقیاس جهانی فارغ از تمام مرزها، در جامعه‌ها درگیر شده و طبیعی است که این بحران مورد توجه قرار گیرد. به همین خاطر اگر این بحران مورد توجه و پوشش قرار نگیرد، عجیب است. وجهه‌ی انسانی کرونا بسیار قوی است. در واقع رویکردی است که ما در خبرها به دنبال آنها هستیم و این رویکرد به خبرهای ما معنای اصلی را می‌دهد. به همین خاطر طبیعی است که رسانه‌ها در مقیاس جهانی به آن پردازند.

ما به دنبال پوشش رسانه‌ای اخبار کرونا بوده ایم، اما یک تلاش حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و یک تلاش سازمان یافته و اندیشیده شده، دارای نقشه و راهبرد نبوده بلکه رفتار خود به خودی ما بوده است. یکی از بدیهی‌ترین



و مقدماتی‌ترین کارها در مواقع بحرانی، تشکیل میز بحران است. هر چند از دوستانم در تحریریه‌های مختلف می‌شنوم که تلاش کردند به این سمت گام بردارند، اما واقعیت این است که این اتفاق باید در مقیاس عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تری رخ می‌داد. هر چند من کار همکارانم را در این حوزه کم‌ارزش نمی‌دانم، اما بحرانی مثل کرونا نیاز به یک رفتار سازمان‌یافته، هدف‌مند، با برنامه و پشتیبانی داشت که آن را نداشتیم و نداریم. مدیریت بحران در ایران یک‌سری از مسائل را براساس علایق خودش تفسیر می‌کند و بر اساس آن رفتار می‌کند. مثلاً انتقادی که به مدیریت سیاسی جامعه می‌شود این بود که چرا در خیلی از مواقع، اطلاع‌رسانی ناکافی صورت می‌گیرد و این انتقادی است که ما سال‌ها به مدیران می‌کنیم. وقتی این انتقاد به گوش مدیریت بحران جامعه رسید، بنابراین این‌طور تصمیم‌گیری شد که مدیران مسئول را به یک جلسه دعوت کند و به آنها بگوید، اوضاع خیلی خراب است ولی در این باره چیزی به مردم نگوئیم. در واقع مدیریت بحران معتقد است که یک‌جوری رفتار کنید که مسئله را بیان کرده باشید ولی نگوئید اوضاع از چه قرار است. اوضاع را مدیریت کنید که مردم وحشت‌زده نشوند و ساختار جامعه به هم نخورد. این موضوع هم درباره‌ی هواپیما و هم کرونا صدق می‌کند. تصور این است که ما با یک تیر دو نشان می‌زنیم اول، انتقادی که رسانه‌های جریان اصلی به ما دارند را پاسخ می‌دهیم و از طرفی دیگر آنها را همراه خود می‌کنیم که آن اطلاعات را به صورت قطره‌چکانی در اختیار جامعه قرار دهند و این وضعیت خوبی نیست.

جامعه‌ی ایران به دلایل وضعیتی که دارد آمادگی و امکان این‌که با تمام وجود از منظر اقتصادی بحران کرونا را کنترل کند، ندارد. اما دولت این را نمی‌پذیرد. اگر ما در یک وضعیت به سامان بودیم بایستی همه‌ی جوانب حقیقت را تا حد ممکن در اختیار جامعه قرار می‌دادیم. اگر به مردم بگوئید ما مجبور هستیم که فعالیت اقتصادی را باز کنیم و با وجود این گشایش، باز هم بحران داریم و به مردم اعلام کنید فکری برای خودشان کنند خیلی با این رویکرد که بگوئیم همه چیز خوب است، تفاوت خواهد داشت. الان بیشتر انتقادهای توسط مدیریت بحران، خطاب به مردم است که رعایت نمی‌کنند. گویی مردم باید در این باره سرزنش شوند که آمار مبتلایان بیشتر می‌شود. هر چند من هم می‌دانم مردم رعایت نمی‌کنند، اما یک سری واقعیت‌ها در پس این رعایت نکردن وجود دارد که این مهم باید توسط رسانه‌ها حلاجی و جوانب آن سنجیده شود.

دکتر نمک‌دوست تأکید کرد: این‌که نمی‌توانیم در وضعیت بحرانی واقعیت‌ها را به مردم بگوئیم یک سم شدید است. در وضعیت بحرانی، بایستی مردم در جریان موضوعات قرار بگیرند. متأسفانه ما در وضعیت شفاف اطلاع‌رسانی قرار نداریم. به همین خاطر ما یک چارچوب روشن و تعریف شده برای اطلاع‌رسانی درباره‌ی کرونا که عاری از سیاست و منطبق با استانداردهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری باشد، نداریم. الان در وضعیتی قرار داریم که هر کس هر روزنامه‌نگار و رسانه جریان اصلی بنا بر روش و منش کلی که دارد و برایش تعریف شده، عمل می‌کند.

تلاش خودانگیخته و بدون سازمان یافته روزنامه‌نگاران که حداکثر اطلاعات (به این معنا که هر چه دست‌شان بیاید) را منتشر می‌کنند، وضعیت روشنی نیست که از چارچوب‌بندی خاصی صحبت کنیم. در ادامه جهان‌شاهی به چارچوب ادبیات جنگ در برابر ادبیات زندگی در رسانه‌ها پرداخت و گفت: به اتاق فکر برای مدیریت بحران کرونا، کاملاً احساس می‌شود چراکه گویی کرونا در حال کنترل ماست. در حالی‌که رسانه‌ها باید این بحران را کنترل کنند. به نظرم در دو دسته می‌توان آن را چارچوب‌بندی کرد یکی عوامل معرفتی و دیگری عملکردی. عوامل معرفتی به این معنا که رسانه برای ما و دولت چه معنایی دارد. عوامل عملکردی هم مربوط به مسائل چگونگی کار کردن رسانه‌ها در کشور ما می‌شود.

برای روایت کرونا در کشور دو نگاه وجود دارد، یکی خودش را در شکل ادبیات زندگی نشان می‌دهد و دیگری خودش را به صورت ادبیات جنگ نشان می‌دهد. به تیرها و روایت اخبار در رسانه‌ها نگاه کنید، مبارزه با کرونا، کرونا را شکست می‌دهیم و... این نگاه، یک رویکرد فرهنگی است و ادبیات جنگی دارد. در حالی‌که ما باید با کرونا زندگی کنیم. این مسائل نشان می‌دهد ما در حوزه‌ی ارتباطات سلامت ضعف‌ها و خلأهای جدی داریم. اما مواجهه با ادبیات جنگ که اخبار کرونا را چارچوب بندی کرده چه تبعاتی در جامعه داشته است؟ ورزش نکردن، انزوا و خانه‌نشینی، ترس و استرس فراوان به‌خاطر کرونا نیست، بلکه به‌خاطر بد عمل کردن ما در قبال بحران است. هرچند من با سخت‌گیری در رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی مصر هستم، اما نحوه‌ی روایت ما از بحران کرونا و ادبیات ما در مواجهه با این بحران، باید برای زندگی باشد و با کرونا کنار بیاییم.

اگر استقلال حرفه‌ای رسانه‌ها به رسمیت شناخته شود، رسانه‌ها می‌توانند مدیریت حرفه‌ای داشته باشند. آن‌وقت ادبیات جنگ تبدیل به ادبیات زندگی می‌شود. همچنین ما در همه‌ی بحران‌ها چاره‌ای جز این‌که



روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و جامعه‌ی مدنی را بپذیریم، نداریم. رسانه‌های حرفه‌ای و انجمن‌های صنفی کاملاً حرفه‌ای، باید برای مقابله با کرونا وجود داشته باشند. مسئله‌ی بعدی اهمیت رسانه‌های اجتماعی در واکنش به مسائل امروز است و در این حوزه با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم و نمی‌دانیم که رسانه‌های اجتماعی باید به این مسائل ورود کنند یا نه. این بلا تکلیفی به تشدید روانی این بحران دامن زده است.

دکتر جهانشاهی تأکید کرد: وقتی سراغ ارتباطات سلامت می‌رویم نمی‌توان انتظار داشته باشیم بحث‌های اصلی در آلت‌رناتیو یا در شبکه‌های اجتماعی شکل بگیرد. به نظرم مباحث بنیادی و انتظارات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مثل صحت و دقت در حوزه‌ی ارتباطات سلامت در شبکه‌های اجتماعی صورت نمی‌گیرد. مسئولیت و بار اصلی این کار بر دوش رسانه‌های جریان اصلی است. چون ما با جان و سلامت انسان‌ها سر و کار داریم. هر چند بسیاری از همکاران و پزشکان، صفحات اینستاگرامی خوبی درباره‌ی اطلاع‌رسانی کرونا دارند که قابل توجه است. اما این تجربه باید یک یادآوری مهم باشد که رسانه‌های اجتماعی نمی‌توانند جایگزین نقش رسانه‌های جریان اصلی باشد. مردم بایستی به رسانه‌های جریان اصلی اعتماد کنند.

رسانه‌های جریان اصلی برای این‌که بتوانند کار خود را در حوزه‌ی ارتباطات سلامت انجام دهند، هرگز دانش روزنامه‌نگاران به تنهایی نمی‌تواند کمک قطعی و غایی به آنها کند. کرونا یک امر تخصصی است و ما نیاز داریم تا متخصصان مسائل مختلف در پوشش رسانه‌ای با ما مشارکت کنند. ما می‌دانیم که تمام مسائل زیستی ما متأثر از کرونا است، خب این نشان می‌دهد که بحران فعلی، یک‌وجهی نیست. وقتی صحبت از کرونا و رویکرد رسانه‌های جریان اصلی می‌کنیم منظورمان این است که، بایستی موضوع از منظرها و رویکردهای مختلف به دقت کاویده شود و این معنایش حضور دانش‌های تخصصی در همه‌ی این حوزه‌هاست. در آن میز کرونا برای پوشش دادن بحران، باید معنی سلامت را فراگیرتر از آنچه هست، ببینیم. یعنی مثلاً سلامت روان، اجتماع و اقتصاد را ببینیم.

رسانه‌های اجتماعی یک ظرفیت بزرگ برای بحران‌ها و انسان امروز ایجاد کرده که متأسفانه ما از آن محروم هستیم. فرهنگ گفت‌وگو کردن در جامعه‌ی ما مشکل دارد و این مشکل خودش را در رسانه‌های اجتماعی نشان داده و اجازه نمی‌دهد رسانه‌های اجتماعی، ظرفیت کارآمدی که می‌توانند برای کرونا داشته باشند را بازی کنند. رسانه‌های اجتماعی تمام روابط ما را تغییر دادند از جمله روابط دوستی و کاری ما بستر کار شده است و کسب‌وکار رسانه‌ای ما زیر چتر دیجیتالی شدن است.

سپس ارکان‌زاده به رسانه‌های جریان اصلی پرداخت و گفت: ما پیش از این‌که درباره‌ی رسانه‌های اجتماعی صحبت کنیم باید یک مرحله به عقب بیایم ببینیم رسانه‌های جریان اصلی ما در حال چه کاری هستند؟ البته که این موضوع به فلسفه‌ی نظام سیاسی برمی‌گردد که انتظارش از رسانه‌ها چیست. به تجربه ثابت شده مقامات و مسئولان چه در بحران و چه در خارج بحران از رسانه‌ها، تنها انتظار انعکاس صحبت‌های خودشان را دارند و کارکرد رسانه برایشان ملموس نیست. متأسفانه مسئولان ما بیشتر به مراعات و امید دادن تا صداقت در انتشار واقعیت تأکید دارند. همین مسائل باعث می‌شود روزنامه‌نگاران مجبور شوند در همان حوزه که وظایف‌شان تعریف شده بازی کنند و در خیلی از مواقع به ادبیات احساسی و شعاری روی می‌آورند و رسانه‌ها در اشک درآوردن مخاطب از یکدیگر سبقت می‌گیرند. در حالی که گفتن واقعیت واقعاً مردم را آرام می‌کند. در نظام رسانه‌ای ما، رسانه‌های جریان اصلی نمی‌توانند کارکرد اصلی خود را انجام دهند و همه‌ی این بار بر دوش رسانه‌های اجتماعی می‌افتد. رسانه‌های اجتماعی همچون عاری از استانداردهای تعریف شده در روزنامه‌نگاری است، نمی‌توانند حرفه‌ای عمل کنند.

ما در رسانه‌های جریان اصلی دچار «یک از جا در رفتگی شدیم» که چون نمی‌توانند کارکرد اصلی خود را انجام دهند از جای خود در رفتند. اما این کارکرد را رسانه‌های اجتماعی هم نمی‌توانند انجام دهند. پس ما با یک بی‌نظمی در رسانه‌ها روبه‌رو هستیم که این وضعیت متأثر از وضعیت اقتصادی جامعه هم هست. چون ابر تورمی که با آن روبه‌رو بودیم با کرونا گره خورده که همین باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی می‌شود.

در صورت تداوم کرونا، مواجهه و راهبرد رسانه‌ها باید چگونه باشد؟

سپس جهانشاهی با بیان اینکه تداوم کرونا موجب تقویت روزنامه‌نگاری محلی و دیجیتالی شدن محتوا می‌شود، گفت: کرونا باعث شد رسانه‌های محلی در دنیا بیشتر مورد توجه قرار بگیرند. دلیل آن هم این بود که تعداد تلفات فقط عدد نیست بلکه جان انسان‌هاست که گرفته می‌شود، و روزنامه‌های محلی این فرصت را پیدا کردند تا از یک نگاه همدلانه‌تر اخبار و روایت قربانیان را منعکس کنند و از این منظر روزنامه‌نگاری محلی بسیار رشد کرد و در آینده هم روزنامه‌نگاری محلی باز هم تقویت خواهد شد. ارتباطات سلامت و روزنامه‌نگاری بحران کرونا چون با درد مردم و مشکل خاص روانی در ارتباط است، تصویر در آن بسیار مهم است و این مورد هم منطبق با دیجیتالی شدن است. در واقع دیجیتالی شدن باعث شده روایت‌ها کوتاه و



تصویری شوند.

سپس نمکدوست به روزنامه‌نگاری سلامت پرداخت و گفت: وقتی یک بحران طولانی و مستمر می‌شود چگونه رسانه‌ها می‌توانند آن را به‌عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی در دستور کار جامعه نگه دارند؟ چون واقعاً ذهن مردم خسته می‌شود و یک میل درونی برای خوب‌شدن اوضاع داریم. پس شک نکنید به محض تأیید همه‌ی جوانب کشف واکسن کرونا، این خبر تیتراژ تاریخی برای همه رسانه‌ها خواهد بود و طوفانی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جریان اصلی به پا می‌شود. یکی از چالش‌های روزنامه‌نگاری علم و روزنامه‌نگاری سلامت به‌خصوص در وضعیت کنونی، دو گانه‌ای است که مرحوم فرهمند آن را به خوبی بیان کرد: «ما باید همواره تلاش کنیم نو را آشنا کنیم و آشنا را نو کنیم». ما تا چند ماه پیش چنین ویروسی را نمی‌شناختیم، ناگهان این ویروس نو و غیرمترقبه پیدا شد که تمام جوانب زندگی ما را متأثر کرد. کار روزنامه‌نگاری علم این است که بتواند این پدیده کاملاً نو که هیچ کس اطلاعاتی درباره آن ندارد را، به گونه‌ای آشنا برای مردم توضیح دهد. این چالشی است که همواره ما در روزنامه‌نگاری علم و سلامت با آن روبرو هستیم.

روی دیگر این چالش، نو کردن مسائل آشناست. الان ما می‌توانیم بگوییم بخش قابل توجه‌ای از جوامع اطلاعاتی که درباره‌ی کرونا دارند، بیشتر از اطلاعاتی است که مردم سالیانی با آن درگیر بودند. طبیعی است که این موضوع تکراری و کسالت‌بار می‌شود و این‌جا چالش دوم به وجود می‌آید که چطور موضوع به‌شدت آشنا شده را به بحث‌های نو گره بزنیم تا برای مردم تکراری نباشد و مخاطب برای شنیدن درباره‌ی آن اشتیاق داشته باشد. نیاز به این دو چالش درباره‌ی کرونا در یک زمان فوق‌العاده کوتاه به طرز حیرت‌انگیزی زیاد شده است. اما این کار بسیار تخصصی است.

به نظرم ما در حوزه‌ی روزنامه‌نگاری در تلاش برای یک‌سری اندیشه‌ورزی و چاره‌اندیشی‌ها هستیم. مثلاً انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران چندماه پیش اعلام کرد که یک بازنگری درباره‌ی اطلاع‌رسانی کرونا داشته باشیم و در بیانیه‌اش پیشنهاد چند انجمن و کارگروه حرفه‌ای و کارآمد با روزنامه‌نگاران برای انجام کار خلاق داد. همچنین من با چند مدیر روزنامه جلسه‌ای داشتم که خود آنها اذعان داشتند برای اطلاع‌رسانی درباره‌ی کرونا چه باید کرد؟ یعنی آنها هم قبول داشتند که اطلاع‌رسانی به روال قبل در حال از دست دادن اهمیت و کارکرد خود است و به فکر برنامه و چاره‌ای بودند. به همین خاطر تا حدی به تلاش رسانه‌ها برای تغییر روند اطلاع‌رسانی‌شان امیدوارم.

در پایان این نشست مجازی، ارکان‌زاده با تأکید بر نقش مستقل رسانه‌ها در پیشبرد کار خود، گفت: برخورد مسئولان و رسانه‌ها با کرونا، نباید باعث رخوت حرفه‌ی روزنامه‌نگاری ما شود. نباید فراموش کنیم که روزنامه‌نگاری ایرانی رندی‌های خاص خود را دارد و ما در بحران کرونا به این رندی خیلی نیاز داریم. به‌نظرم همین رندی باعث شده ما در همین چند ماه با وجود افسردگی کنار هم بخندیم یا اوضاع را پیش ببریم. روزنامه‌نگاران ما وقتی می‌دانند در این مسیر مطالب و فرم تکراری شده و نیاز است با محتوای جدید کار کنند؛ باید توجه داشته باشند که این قضیه به‌صورت مستقل و از طریق صنف خود رسانه‌ها پیش برود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات با همکاری
کرسی ارتباطات علم، یونسکو و انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات برگزار می‌کند:

رسانه‌های ایرانی و ناگهانی کرونا

سخنرانان:

دکتر حسن نمکدوست
دکتر امید جهان‌شاهی
دکتر سعید ارکان زاده
دبیر نشست: دکتر منصور ساعی

دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۹۹ ساعت: ۱۷ تا ۱۹

لینک یوستن به نشست: <https://webinar.thes.ac.ir/b/the-qqn-4am>



گزارش فعالیت‌های ستاد برگزاری هفته‌ی پژوهش

جلسه‌ی مشورتی برنامه‌های هفته‌ی پژوهش با حضور نمایندگان پژوهشکده‌ها و مراکز

جلسه‌ی مشورتی برنامه‌های هفته‌ی پژوهش با حضور نمایندگان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشگاه روز چهارشنبه، ۳۰ مهرماه ۹۹ به صورت غیرحضوری برگزار شد. در ابتدای جلسه، دکتر ملایی توانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه و رئیس ستاد هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در سال ۹۹، با اعلام شعار منتخب هفته‌ی پژوهش سال ۹۹ پژوهشگاه با عنوان «پژوهش‌های علوم انسانی، مسئولیت اجتماعی و چشم‌انداز ایران در قرن آینده»، به تشریح برنامه‌های در نظر گرفته شده برای هفته‌ی پژوهش پرداخت. رئیس ستاد هفته‌ی پژوهش با برشمردن محورهای اصلی و فرعی برگزاری پنل‌ها توسط پژوهشکده‌ها و مراکز، اظهار امیدواری کرد، مشارکت فعالانه اعضای پژوهشگاه در پنل‌ها و نیز سایر برنامه‌های در نظر گرفته شده همچون رونمایی



از چند حلقه‌ی پژوهشی، برگزاری مراسم تکریم از بازنشستگان هیأت علمی دو سال اخیر پژوهشکده‌ها، مراکز و سایر برنامه‌ها، علاوه بر هم‌افزایی در مسیر پژوهش‌های علوم انسانی در ایران و پژوهشگاه شود، باعث تقویت روحیه‌ی نشاط و همدلی میان اعضای پژوهشگاه نیز شود.

در ادامه دکتر عاملی رضایی، مدیر امور پژوهشی و مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش، با تشریح اقدامات صورت گرفته به منظور اجرای هرچه شایسته‌تر مراسم هفته‌ی پژوهش، از نمایندگان پژوهشکده‌ها و مراکز به‌عنوان پل ارتباطی میان ستاد و پژوهشکده‌ها و مراکز یاد کرد که می‌توانند با ایفای نقش پررنگ و فعالانه، سهمی به‌سزا در برگزاری برنامه‌های هفته‌ی پژوهش به‌ویژه در برگزاری پنل‌ها، برگزاری نمایشگاه داخلی پژوهشگاه، تکریم بازنشستگان پژوهشکده‌ها و مراکز، معرفی فعالیت‌ها و دستاوردهای اعضای پژوهشکده‌ها و مراکز در قالب ارائه‌ی گزارش عملکرد و نیز سایر برنامه‌های متنوع در نظر گرفته شده برای ایام هفته‌ی پژوهش داشته باشند. مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش با اشاره به بحران کرونا و زمان برگزاری مراسم هفته‌ی پژوهش، از برنامه‌ریزی لازم برای برگزاری پنل‌ها به صورت مجازی در صورت لزوم خبر داد و از نمایندگان حاضر در جلسه خواست ضمن تشریح مسائل مطرح شده در جلسه با رئیس‌ان و اعضای پژوهشکده‌ها و مراکز، نسبت به تعیین عنوان و سخنرانان پنل‌های پیشنهادی خود به مدیریت امور پژوهشی حداکثر تا تاریخ ۲۱ آبان‌ماه ۹۹ اقدام کنند.

سپس اعضای حاضر نیز درباره‌ی مسائل و موضوع‌های مقرر برای جلسه از جمله عناوین و محورهای پیشنهادی برای ارائه در پنل‌های هفته‌ی پژوهش، بررسی امکان انتشار مقالات در مجلات علمی - پژوهشی و یا مجموعه مقالات؛ نحوی ارائه‌ی گزارش عملکرد و انعکاس فعالیت‌های پژوهشکده‌ها و مراکز؛ و سایر مسائل به بحث و گفت‌وگو پرداختند.

اولین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه

اولین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش با حضور اعضای این ستاد روز دوشنبه مورخ ۹۹/۷/۲۱ در سالن حکمت پژوهشگاه برگزار شد. در ابتدای جلسه، دکتر ملایی توانی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه و رئیس ستاد هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه با اعلام شعار منتخب هفته‌ی پژوهش سال ۹۹ پژوهشگاه با عنوان «پژوهش‌های علوم انسانی، مسئولیت اجتماعی و چشم‌انداز ایران در قرن آینده»، به تشریح برنامه‌های



متنوع در نظر گرفته شده برای هفته‌ی پژوهش سال جاری پرداخت و به مواردی همچون مشارکت معاونت کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی در مراسم هفته‌ی پژوهش، برنامه‌ریزی برای بزرگداشت استادان بازنشسته با مشارکت پژوهشکده‌ها و مراکز، معرفی مرکز نوآوری پژوهشگاه، معرفی پژوهشگران برتر در حوزه‌های مختلف، برگزاری پنل ارزیابی مقایسه‌ای برنامه‌ی راهبردی اول و دوم پژوهشگاه از سوی دفتر نظارت و ارزیابی و نیز سایر برنامه‌ها اشاره کرد.

رئیس ستاد هفته‌ی پژوهش محورهای اصلی و فرعی برگزاری پنل‌ها توسط پژوهشکده‌ها و مراکز را که ذیل دو محور اصلی و چند محور فرعی سامان داده شده‌اند، چنین برشمرد:

الف) چشم‌انداز علوم انسانی ایران در قرن ۱۵ خورشیدی: ۱. نقد راه رفته؛ ۲. آینده‌پژوهی: طرح‌هایی برای آینده؛ ۳. نگاه مقایسه‌ای به تحول قرن در ایران و جهان

ب) مسئولیت اجتماعی پژوهش‌های علوم انسانی با تمرکز بر بحران کرونا و واقعیت‌های کلان کشور: ۱. نقش پژوهش‌های علوم انسانی در راه‌گشایی مسائل اجتماعی کرونا (کرونا و فقر، کرونا و عدالت اجتماعی، کرونا و مسئولیت مدنی، کرونا و واقعیت‌های کلان کشور، و...); ۲. نقش پژوهش‌های علوم انسانی در راه‌گشایی مسائل فرهنگی کرونا (کرونا و دین‌داری، کرونا و سوگواری، کرونا و آموزش، و...); ۳. نقش پژوهش‌های علوم انسانی در راه‌گشایی مسائل اقتصادی کرونا (کرونا و بحران‌های اقتصادی، فرصت‌ها و محدودیت‌های اقتصادی کرونا، و...); ۴. نقش پژوهش‌های علوم انسانی در راه‌گشایی مسائل اداری کرونا (کرونا و دورکاری، کرونا و تحول ساختار اداری، و...);

دکتر ملایی‌توانی رونمایی از فعالیت چند حلقه‌ی پژوهشی را از برنامه‌های مهم مراسم هفته‌ی پژوهش عنوان کرد. همچنین معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه هدف از تشکیل حلقه‌های پژوهشی را سامان‌دهی فعالیت‌های علمی و پژوهشی اعضای دانست که در حوزه‌ها و موضوعات مشابه در پژوهشکده‌ها و مراکز

مختلف پژوهشگاه فعالیت دارند

تا با تکمیل و تجمیع حاصل دستاوردهای آنان، منجر به هم‌افزایی در مسیر پژوهش‌های علوم انسانی در ایران و پژوهشگاه شود.

در ادامه‌ی نشست دکتر مریم عاملی رضایی، مدیر امور پژوهشی و مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش، با تشریح بخش دیگری از اقدامات صورت گرفته به منظور اجرای هرچه شایسته‌تر مراسم از جمله: معرفی نماینده‌ی پژوهشگاه به وزارت علوم جهت مشارکت فعالانه در نمایشگاه دستاوردهای پژوهشی و فناوری و فن‌بازار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ صدور احکام اعضای ستاد هفته‌ی پژوهش؛ ارسال فراخوان شرکت در رقابت پژوهشگر برتر به اعضای هیأت علمی، کارشناسان و دانشجویان پژوهشگاه؛ مکاتبه با رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز درخصوص مشارکت در برنامه‌های در نظر گرفته شده برای این هفته با اعلام محورهای پنل‌ها و



برنامه‌ها؛ درخواست معرفی نماینده از پژوهشکده‌ها و مراکز برای مشارکت فعال‌تر در اجرای برنامه‌ها و سایر فعالیت‌های صورت گرفته، اظهار کرد مطابق برنامه‌ریزی صورت گرفته و مشابه سال‌های گذشته، در چارچوب و هماهنگی با برنامه‌های مراسم هفته‌ی پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مراسم هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در هفته‌ی آخر آذرماه برگزار خواهد شد.

سپس اعضای حاضر نیز درباره‌ی مباحث مطرح شده، دیدگاه‌های خود را مطرح و درخصوص موضوع‌های مقرر برای جلسه از جمله: تعیین مسئول برگزاری نمایشگاه داخلی پژوهشگاه، تعیین مسئول تهیه‌ی ویژه‌نامه و هماهنگی، مشارکت فعالانه و گسترده‌تر پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشگاه در مراسم هفته‌ی پژوهش، انعکاس فعالیت‌های مدیریت تحصیلات تکمیلی و مدیریت نشر و ویرایش در هفته‌ی پژوهش و ویژه‌نامه به بحث و گفت‌وگو پرداختند و مقرر شد جلسه‌ی آتی ستاد روز دوشنبه مورخ ۵ آبان برگزار شود.

دومین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در سال ۹۹

دومین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش با حضور اعضای این ستاد روز دوشنبه مورخ ۵ آبان ۹۹ به صورت مجازی تشکیل شد. در ابتدای جلسه دکتر عاملی رضایی، مدیر اجرایی هفته‌ی پژوهش و مدیر امور پژوهشی پژوهشگاه، ضمن آرزوی سلامتی برای اعضای پژوهشگاه، گزارشی از تمهیدات و فعالیت‌های صورت گرفته برای برگزاری مراسم هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه ارائه کرد. مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش با اشاره به بحران بیماری کرونا (کووید ۱۹) و ضرورت رعایت دستورالعمل‌های ابلاغی در این زمینه برای حفظ سلامتی اعضای پژوهشگاه، بر ضرورت برنامه‌ریزی‌های مناسب و در نظر گرفتن احتمال برگزاری غیرحضوری و مجازی بیشتر فعالیت‌های هفته‌ی پژوهش امسال به‌ویژه پنل‌ها تأکید کرد. وی در ادامه با اشاره به مسائل مطرح شده در جلسه با نمایندگان پژوهشکده‌ها و مراکز، از مصوبات جلسه با نمایندگان پژوهشکده‌ها و مراکز یاد کرد که از مهم‌ترین آنها درخواست ارائه‌ی موضوع پنل‌ها و سخنرانان پیشنهادی از پژوهشکده‌ها و مراکز و نیز ارائه‌ی فعالیت‌ها و برنامه‌های خود در نمایشگاه داخلی هفته‌ی پژوهش به شکل ارائه‌ی گزارش عملکرد یا نمایش فعالیت اعضا بود.

در ادامه‌ی جلسه سایر اعضا نیز با ارائه‌ی گزارشی از اقدامات صورت گرفته در بخش‌ها و مراکز مربوط، به بحث و بررسی برنامه‌های پیشنهادی برای برگزاری در مراسم هفته‌ی پژوهش، از جمله:
- تشکیل کارگروه مدیریت محتوا و مباحث مرتبط با ارائه‌ی نسخه‌ی آنلاین از ویژه‌نامه و کیفی‌تر شدن مطالب آن؛ برنامه‌ریزی برای نمایش عکس‌ها و نماهنگ‌ها و در نظر گرفتن صفحه‌ی ویژه‌ای برای هفته‌ی پژوهش در تارنمای پژوهشگاه.



- برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای برگزاری مناسب و درخور شأن نمایشگاه داخلی هفته‌ی پژوهش به‌ویژه برگزاری نمایشگاه به صورت مجازی و نمایش دستاوردهای پژوهشگاه در یک سال گذشته.
- بررسی پل‌های پیشنهادی برای ارائه در هفته‌ی پژوهش از سوی پژوهشکده‌ها و مراکز.
- و نیز سایر مسائل و محورهای مرتبط با برنامه‌های هفته‌ی پژوهش پرداختند.

سومین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در سال ۹۹

سومین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش با حضور اعضای این ستاد روز دوشنبه، ۱۹ آبان ۱۳۹۹، به صورت مجازی تشکیل شد. در ابتدای جلسه دکتر ملایی‌توانی، رئیس ستاد هفته‌ی پژوهش، با آرزوی سلامتی برای همه‌ی همکاران پژوهشگاه از زحمات بی‌وقفه دکتر بهاره نصیری، که در سال‌های گذشته با ستاد هفته‌ی پژوهش به‌عنوان مسئول امور اعضای هیأت علمی همکاری داشت، قدردانی کرد و با اشاره به قبول مسئولیت دکتر حمید سجادی، اظهار امیدواری کرد که فعالیت‌ها در این دفتر به نحو مطلوب و شایسته پیش برود. سپس دکتر مریم عاملی‌رضایی، مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش، با تشریح اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته برای برگزاری مناسب و شایسته مراسم هفته‌ی پژوهش همچون: اخذ گزارش‌های عملکرد از معاونت‌ها، مدیریت‌ها و واحدهای مختلف پژوهشگاه برای انعکاس در ویژه‌نامه‌ی هفته‌ی پژوهش؛ اقدامات صورت گرفته به منظور تهیه نمانگ‌های مربوط به بخش ارباب معرفت با همکاری روابط عمومی؛ دریافت مقالات در زمینه‌ی کرونا و برنامه‌ریزی برای انتشار آنها در مجموعه مقالات مرتبط با کرونا؛ از ارسال فهرست و مدارک متقاضیان هیأت علمی و غیرهیأت علمی به دبیرخانه هیأت ممیزه‌ی پژوهشگاه به منظور بررسی و اعلام نتیجه‌ی متقاضیان و معرفی پژوهشگران برتر و شایسته‌ی تقدیر پژوهشگاه در سال ۹۹ خبر داد.

در ادامه‌ی جلسه نیز سایر اعضا با ارائه‌ی گزارش از اقدامات صورت گرفته در بخش‌ها و مراکز مربوط، به بحث و گفت‌وگو درباره‌ی دستورجلسات پرداختند و مقرر شد:

- با توجه به وضعیت بحران کرونا، در تهیه‌ی نمانگ‌های مربوط به ارباب معرفت تا حد امکان با در نظر گرفتن شرایط سلامتی استادان بازنشسته اقدام لازم صورت گیرد در صورت ضرورت متن مکتوب از مصاحبه با پیشکسوتان تهیه شود.

- درخصوص نحوه‌ی حضور و مشارکت پژوهشگاه در نمایشگاه هفته‌ی پژوهش، فناوری و فن‌بازار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پیگیری و اقدامات لازم حسب شرایط موجود صورت گیرد و در صورت برگزاری غیرحضوری نمایشگاه، تمهیدات لازم اندیشیده شود.
- متن کامل کتاب‌های بنیاد فرهنگ که به شکل لوح فشرده موجود است، در نمایشگاه مجازی داخلی پژوهشگاه و در سایت به نمایش گذاشته شود.
- مهلت ارسال مقالات درباره‌ی کرونا تا ۳۰ آبان ۱۳۹۹ تمدید شود.

چهارمین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در سال ۹۹

چهارمین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش با حضور اعضای این ستاد روز دوشنبه مورخ ۳ آذر ۹۹ به صورت مجازی تشکیل شد. در ابتدای جلسه دکتر عاملی رضایی، مدیر ستاد هفته پژوهش، با آرزوی سلامتی برای همه‌ی همکاران پژوهشگاه به تشریح اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته برای برگزاری مراسم هفته‌ی پژوهش همچون: روند در حال تکمیل و رو به افزایش پل‌های مربوط به پژوهشکده‌ها و مراکز؛ ارائه‌ی جزئیاتی از ۱۰ مقاله دریافت شده برای انتشار در مجموعه مقالات کرونا؛ ادامه‌ی پیگیری‌های اخذ گزارش‌های عملکرد از معاونت‌ها، مدیریت‌ها و واحدهای مختلف پژوهشگاه برای انعکاس در ویژه‌نامه‌ی هفته‌ی پژوهش؛ دریافت درخواست‌های پژوهشکده‌های متقاضی برای تشکیل حلقه‌های پژوهشی در کنار سایر فعالیت‌های صورت گرفته پرداخت. در ادامه‌ی جلسه هریک از اعضای ستاد گزارشی از پیشرفت فعالیت‌های مرتبط با حوزه‌های خود از جمله موارد زیر را ارائه کردند:

- گزارش تقویت و تجهیز سایت برای نمایشگاه مجازی و همچنین تقویت زیرساخت‌ها و خطوط اینترنتی پژوهشگاه برای برگزاری جلسات مجازی
- گزارش فرایند آماده‌سازی ویژه‌نامه‌ی هفته‌ی پژوهش و طی شدن مراحل نهایی طراحی آن
- گزارش آماده‌سازی نمانگ‌های مربوط به بخش ارباب معرفت (اساتید بازنشسته پژوهشگاه) و فرایند تهیه آنها با توجه به شرایط موجود
- گزارش فرایند آماده‌سازی نمایشگاه مجازی داخلی پژوهشگاه



- گزارش کارگاه‌ها و نحوه مشارکت پژوهشگاه در نمایشگاه هفته‌ی پژوهش، فناوری و فن‌بازار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- گزارش اقدامات مدیریت تحصیلات تکمیلی شامل معرفی دانش‌آموختگان برتر و تهیه کتابچه‌ای در این باره و برنامه‌ریزی برای رونمایی آنلاین از رساله‌ها در هفته‌ی پژوهش.
- در پایان مقرر شد ضمن انجام هماهنگی‌های لازم و اطلاع‌هیریک از اعضا از فرایندهای صورت گرفته، هم‌افزایی بیشتری در بخش‌های مختلف برای برگزاری هرچه بهتر مراسم صورت گیرد.

پنجمین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش پژوهشگاه در سال ۹۹

پنجمین جلسه‌ی ستاد هفته‌ی پژوهش با حضور اعضای این ستاد روز دوشنبه مورخ ۱۷ آذر ۹۹ به صورت مجازی تشکیل شد. در ابتدای جلسه دکتر مریم عاملی‌رضایی، مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش، با آرزوی سلامتی برای اعضای ستاد و همکاران پژوهشگاه، ضمن اشاره به نهایی شدن پل‌های هفته‌ی پژوهش و مشخص شدن سخنرانان داخلی و خارجی و همچنین برگزاری برنامه‌های شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به صورت مجزا و البته در قالب هفته‌ی پژوهش، گزارشی از سایر فرایندهای صورت گرفته از جمله: تعیین مدیران پل‌ها و انجام هماهنگی‌های لازم و مکاتبه با آنها برای روند اجرای برنامه‌ها به صورت مجازی به‌ویژه ضبط برنامه‌ها؛ مقالات دریافتی در حوزه‌ی کرونا و ارسال و هماهنگی‌های صورت گرفته برای طی کردن فرایندهای مربوط به داوری و انتشار در نشریه‌ی جامعه‌پژوهی فرهنگی؛ و نیز سایر اقدامات انجام شده برای اجرای هرچه بهتر مراسم هفته‌ی پژوهش ارائه کرد.

در ادامه‌ی جلسه هریک از اعضای ستاد گزارشی از پیشرفت فعالیت‌های مرتبط با حوزه‌های خود از جمله موارد زیر را ارائه کردند:

- گزارش آماده‌سازی ویژه‌نامه‌ی هفته‌ی پژوهش و انتشار آن
 - گزارش فرایند آماده‌سازی نمایشگاه مجازی داخلی پژوهشگاه
 - گزارش آخرین وضعیت نحوه مشارکت پژوهشگاه در نمایشگاه هفته‌ی پژوهش، فناوری و فن‌بازار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
 - گزارش تهیه پوستر پل‌های برنامه‌های هفته‌ی پژوهش، و آماده‌سازی نمائنگ‌های مربوط به بخش ارباب معرفت (اساتید بازنشسته پژوهشگاه)
- در پایان این نشست مجازی مدیر ستاد هفته‌ی پژوهش ضمن تشکر و قدردانی از تلاش‌ها و مساعی اعضای ستاد، با تأکید مجدد بر ضرورت انجام هماهنگی‌های لازم، اظهار امیدواری کرد: با توجه به برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های صورت گرفته، همدلی و همراهی بخش‌های مختلف پژوهشگاه، شاهد برگزاری مناسب و در خور شأن مراسم هفته‌ی پژوهش در سال ۹۹ باشیم.



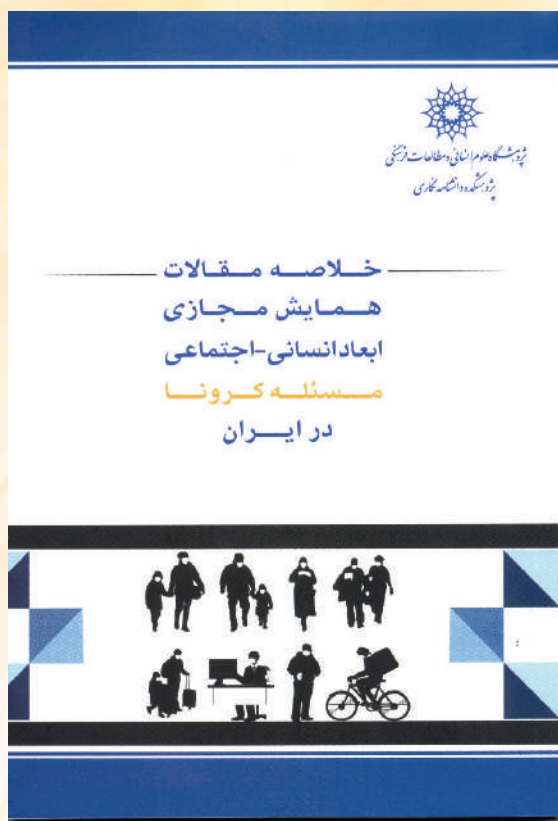
خلاصه مقالات همایش مجازی ابعاد انسانی-اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران منتشر شد

مواجه شدن با بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ در دوران صنعت و پیشرفت بشر در بسیاری از علوم و جان باختن انسان‌های زیادی دانشمندان جهان را در تمامی رشته‌های دانش به تفکر و تعمق فروبرد. از این رو دانشمندان علوم مختلف مخصوصاً علوم انسانی و اندیشمندان این حوزه برای مشکلات آموزشی، تربیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از آن راه‌حلهایی به مردم و مسئولان نشان دادند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با نگاهی عالمانه و رویکرد فرهنگی و تمدنی به مسائل و معضلات جامعه با اعتقاد راسخ به نقش شاخه‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی در مدیریت بحران‌ها، با همفکری و یاری اعضای هیأت علمی و کارشناسان خود با زحمات بی‌وقفه به برگزاری همایش ابعاد انسانی-اجتماعی مسئله‌ی کرونا در ایران پرداخت و با استمداد از جامعه‌ی علمی و دانشگاهی، ملی و بین‌المللی، مقالات و سخنرانی‌های ارزشمندی دریافت کرد و با برگزاری ۱۲ پیش‌نشست، همایش اصلی را در ۱۰-۱۳ خرداد ۱۳۹۹ طی سخنرانی‌های علمی در فضای مجازی در معرض اندیشه عموم قرار داد. این دوازده پیش‌نشست با سخنرانی و ایده‌پردازی استادان دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها تشکیل شد که عبارت‌اند از:

تأملات فلسفی درباره بحران کرونا، رویکرد تاریخی-اجتماعی به مسئله کرونا، ملاحظات روانشناختی در مورد مسئله کرونا، کرونا، علوم انسانی و پزشکی، کرونا، بازار کار و استراتژی‌های سازمانی، نشست رویکرد چندرشته‌ای به مسئله کرونا، کرونا و تربیت، زنان، کرونا و ابعاد انسانی-اجتماعی و فرهنگی، نشست علوم طبیعی و علوم انسانی در مسئله کرونا (به‌صورت آفلاین)، نظام تربیت مدرسه‌ای (آموزش و پرورش) ایران در آزمون کرونا، سیمای نظام آموزش عالی ایران در دوران پساکرونا، مدیریت فضای خانواده در شرایط کرونا با رویکرد روانشناختی تربیتی

با عنایت به گستره‌ی موضوعی همایش و جلب همکاری از ۳۷ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی، در همایش اصلی بیش از ۴۵۰ نفر از علاقه‌مندان و دانشگاهیان از سخنرانی‌ها و نشست‌ها بهره بردند. این مجموعه‌ی خلاصه مقالات به قلم ۱۱۷ استاد برتر ایران و سایر کشورهای جهان در ۹۶ مقاله به کوشش پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به اهتمام دکتر احمد پاکتچی در ۲۰۳ صفحه منتشر شده است.



گزارش برگزاری کارگاه مجازی آشنایی با روش‌ها، رویکردها و مکاتب تفسیری (مهر ۹۹)

پژوهشکده مطالعات قرآنی با همکاری انجمن مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی اقدام به برگزاری کارگاه آنلاین آشنایی با روش‌ها، رویکردها و مکاتب تفسیری در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۲۰ و ۲۱ مهر و یکشنبه و دوشنبه ۲۷ و ۲۸ مهر ۱۳۹۹ کرد. این کارگاه در ۱۲ ساعت (۸ جلسه ۱.۵ ساعته) در ۴ روز از ساعت ۹ تا ۱۲ برگزار شد.

دکتر فروغ پارسا (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) در این کارگاه به تدریس مطالعات تفسیری معاصر پرداخت و مباحث مقدماتی با موضوعات تفسیر و تأویل در سنت اسلامی، هرمنوتیک به مثابه علم تفسیر، نظریه‌های هرمنوتیکی، هرمنوتیک کلاسیک، هرمنوتیک مدرن و هرمنوتیک فلسفی را مورد بررسی قرار داد.

همچنین دکتر قاسم‌پور (استاد دانشگاه کاشان) به تدریس موضوعاتی در زمینه‌ی تفسیر عرفانی پرداخت و جریان‌های فکری مسلمان و تأویل و فراز و فرود تفسیر عرفانی را بررسی کرد. در ادامه دکتر نکونام (دانشیار دانشگاه قم) به تدریس تفسیر سه لایه‌ای پرداخت و ابعاد تئوری و کاربردی نظریه‌ی تفسیر سه لایه‌ای را توضیح داد. در پایان هر کلاس استادان به پرسش‌های شرکت‌کنندگان پاسخ دادند و بحث و گفت‌وگو در زمینه‌ی مسائل تدریس انجام شد.



پژوهشکده مطالعات قرآنی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
با همکاری انجمن مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی برگزار می‌کند:

کارگاه آموزشی

برگزاری دوره به صورت آنلاین

آشنایی با روش‌ها، رویکردها و مکاتب تفسیری

مکاتب تفسیری، رویکردها و نظریه‌های تفسیری دوران معاصر
آشنایی با مکاتب تفسیر عرفانی
جریان‌های شاخص تفسیر آثاری و طیف‌های مختلف آن
نظریه تفسیر سه لایه‌ای

دکتر فروغ پارسا – دکتر محسن قاسم‌پور
دکتر محمدعلی مهدوی راد – دکتر جعفر نکونام

آموزش نظری همراه با تمرین عملی و کارگاهی

=====
شرکت در این دوره برای اساتید، پژوهشگران، دانشجویان رشته الهیات و برای تمامی متخصصان و علاقه‌مندان مطالعات قرآنی و اسلامی مفید است

=====
تاریخ: ۲۰ مهر ماه ۱۳۹۹

=====
ظرفیت دوره محدود است

=====
با ارائه گواهینامه معتبر و مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارای ارزش علمی و اداری و قابل ترجمه

برای اطلاعات بیشتر و ثبت نام: Mata.ihs.ac.ir
سرویس: sapp.ir@tamihcs
کانال تلگرام مرکز: [@ihcsoe](https://t.me/ihcsoe)
مشاوره: ۸۸۲۴۴۸۵

تهران - یزرگراه کردستان - نبش خیابان دکتر صادق آئینه وند (۶۴ غریبی)
مدیریت ترویج دستاوردهای پژوهش‌های علوم انسانی

مهر و آبان ۱۳۹۹

۶۲

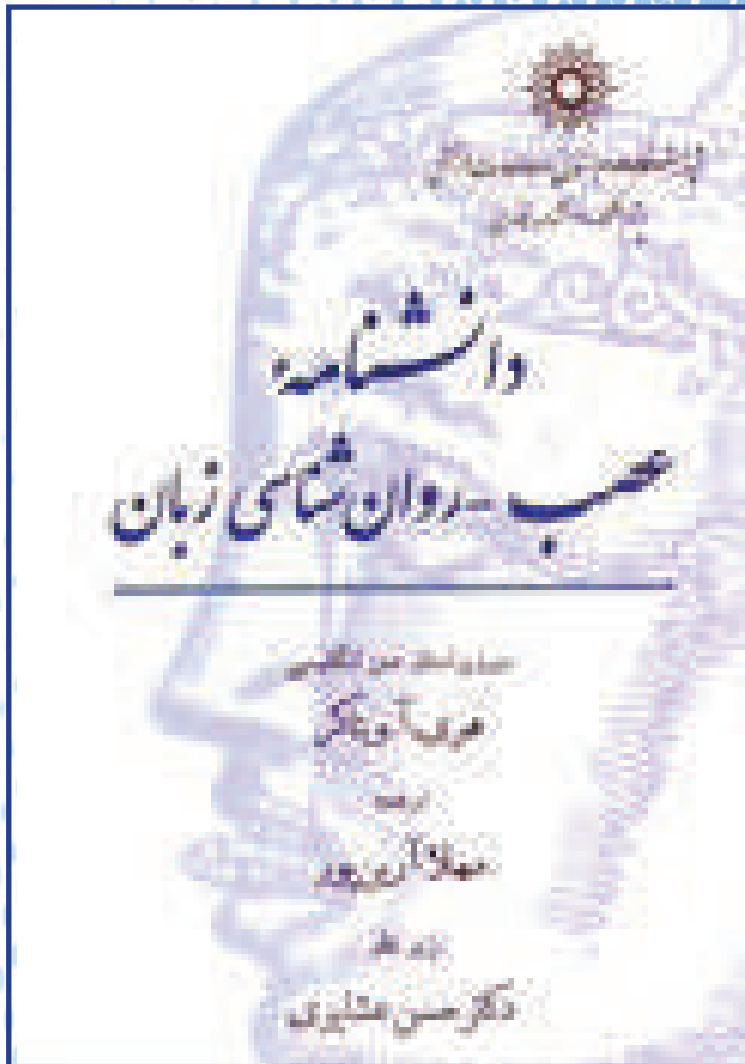
خبرنامه‌ی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دانشنامه‌ی عصب-روان‌شناسی زبان منتشر شد

دانشنامه‌ی عصب-روان‌شناسی زبان در پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شد

دانشنامه‌ی عصب-روان‌شناسی زبان به همت مهلا آرین‌پور، پژوهشگر پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با نظارت استادان بزرگ و فرهیخته‌ی این حوزه دکتر حسن عشایری و دکتر رضا نیلی‌پور منتشر شد و در اختیار پژوهشگران و مدرسین رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی، علوم اعصاب‌شناختی و آسیب‌شناسی گفتار و زبان قرار گرفت.

دانشنامه‌ی عصب-روان‌شناسی زبان، تألیف استاد برجسته هری ویتاکر است. این اثر بزرگ با رویکردی میان‌رشته‌ای به صورت جامع و همه‌جانبه به بررسی رابطه‌ی میان «زبان» و «مغز» می‌پردازد. این دانشنامه از نظر پوشش کامل همه ابعاد موضوع مغز و زبان کم‌نظیر است و اطلاعات گسترده‌ای را در این زمینه ارائه می‌دهد که در مقدمه‌ی مؤلف به‌طور کامل بخش‌های مختلف آن تشریح شده است. در ترجمه‌ی این اثر بزرگ سعی شده است تا برابر نهادهای واژگانی دقیق فارسی ارائه شود. پژوهشکده‌ی دانشنامه‌نگاری در راستای تحقق اهداف خطیر خود و برطرف کردن خلاء منابع مستند و معتبر علمی، اقدام به ترجمه و انتشار این اثر کم‌نظیر کرده و به‌زودی آن را در اختیار مراکز علمی مربوطه قرار خواهد داد. امید می‌رود ترجمه‌ی این اثر گامی بلند در جهت رفع نیازهای علمی جامعه دانشگاهی، پژوهشگران و محققان این ساحت علمی باشد



إِنَّا هُوَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر رمضان رضایی
مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه
علو درجات
و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مستلت داریم.

إِنَّا هُوَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

سرکار خانم ربابه ابوطالبی
مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو
درجات
و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مستلت داریم.

إِنَّا هُوَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

سرکار خانم دکتر الهام سروندی
مصیبت درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحومه
علو درجات
و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مستلت داریم.

إِنَّا هُوَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای مهندس فتوی
مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو
درجات
و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مستلت داریم.

إِنَّا لَهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

سرکار خانم زهرا صادقی
مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو
درجات
و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مستلت داریم.

إِنَّا لَهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر ناصر تکمیل‌همایون
مصیبت درگذشت برادر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم
علو درجات
و برای شما و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسألت داریم.

إِنَّا لَهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

سرکار خانم حسینی دل‌دوست؛
مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو
درجات و برای سرکار عالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مستلت داریم.

إِنَّا لَهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

جناب آقای دکتر مهدی پناهی‌چهرمی
مصیبت درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو
درجات و برای جنابعالی و خانواده‌ی محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مستلت داریم.

روابط عمومی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به همراه
مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه برگزار می‌کند؛

همایش بین‌المللی

ایران زمین و خاورمیانه در قرن جدید درس‌های قرن ۱۴ برای قرن ۱۵



زمان برگزاری همایش: خرداد ۱۴۰۰
مکان: تهران / کتابخانه ملی
مهلت دریافت چکیده مقالات: ۲۶ دی ماه ۱۳۹۹
اعلام نتیجه چکیده‌ها: اول بهمن ۱۳۹۹
مهلت ارسال اصل مقالات: اول اردیبهشت ۱۴۰۰

**همایشی در جستجوی پاسخ به یک مسأله:
تجارب قرن اخیر و آموخته‌ها و بایسته‌های ایران در قرن جدید کدامند؟**

دبیر علمی: قدیر نصری

(مراحل ثبت بین‌المللی و دیگر نمایه‌ها در شرف انجام است)

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی‌پور

سردبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah